



کمیسیون ملی  
یونسکو-ایران

Iranian National  
Commission for  
UNESCO

United Nations  
Educational, Scientific and  
Cultural Organization

# پیام یونسکو

شماره ۳۸۰ - سال سی و چهارم  
تاریخ انتشار: مهر ۱۳۹۲

## آینده چگونه خواهد بود

ده گرایش در قرن جدید

عقیده ریوا کلین درباره

ترک تحصیل کودکان (۸)

میراث صلح (۱۲)

نیویورک:

فضای سبز شهری (۳۶)

## گفت و گو با

ریوا کلین: قلم‌باز بین درس و زندگی  
باید برانداخته شود.  
نشانه‌های حیاتی  
اینگلیا، روسیه، ایالات متحده آمریکا، فنلاند،  
قطب جنوب، آنتاناناری...

## فعالیت یونسکو

### میراث

نگاشتن آژنگور در جست‌وجوی وحدتی گمشده  
مجموعه مبلد مشهور آژنگور برای مانی که در حال لقانده هویت خودت است، نماد نیرومندی از  
وحدت و نیز منبسی ضروری برای تأمین بخشی از هزینه‌های بلرسانی کشور است.

### موسسه

موسسه پاری برای صلح  
هل پلصد سلگه‌ای که طی جنگ بوسنی - هرزگووین ویران شد، به دست قولی که همیشه از آن  
برای ارتباط با یکدیگر استفاده می‌کنند، در دست بلرسانی است.

### اخلاق

اخلاق زیستی: اخلاق ژنتیک حد و مرز دانشمندان چیست؟  
علم ژنتیک، این سرچشمه امید و بیم، پرستش‌های مهم بسیاری را برانگیخته است.

### ارتباطات

کتابخانه اسکندر به دوباره پریا می‌شود  
کتابخانه اسکندریه از پس قرون منمادی، دوباره به صورت یکی از بزرگترین و مجهرترین  
کتابخانه‌های جهان سربرآورده است.

### علم

فقه‌های سبز شهری  
فصل و طبیعت در شهر نیویورک

### آموزش

کیفیت و کمیت  
یا وقتاً کودکی در مدرسه چیزی یاد می‌گیرند؟

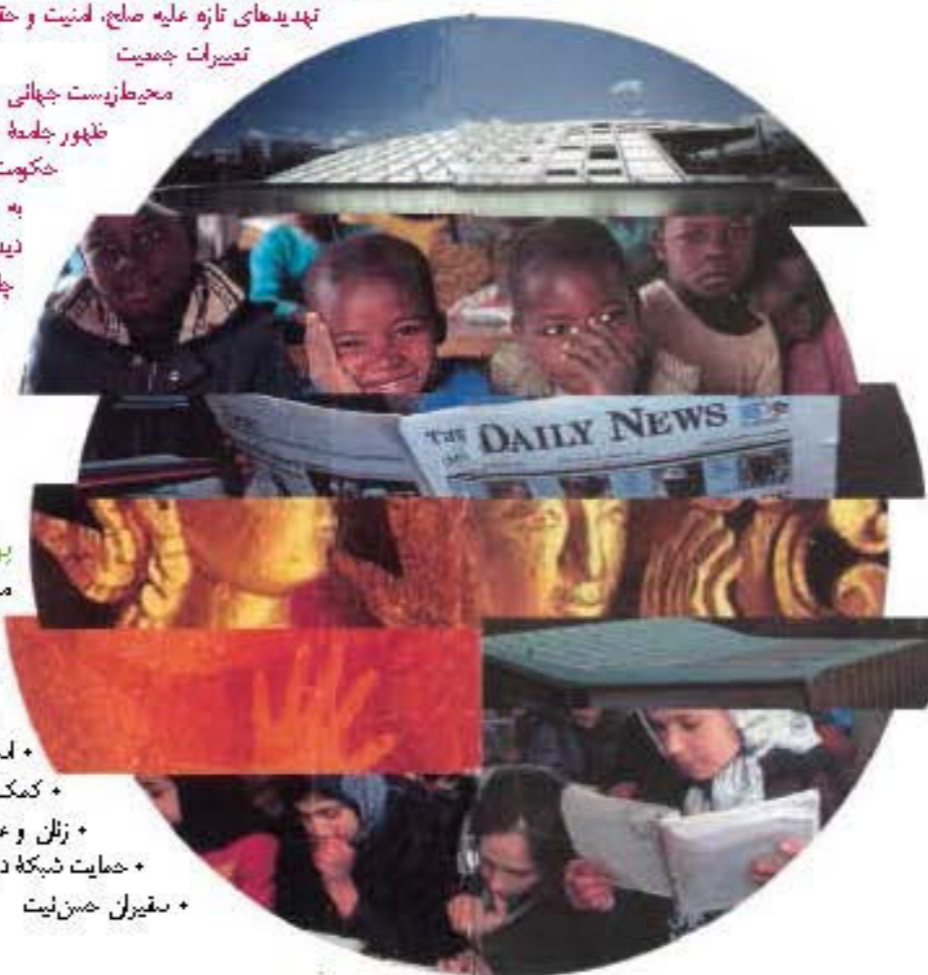
### یونسکو به اختصار

- + هشونت در مجلس برزیل
- + دانشگاه مجاری در قریقا
- + کودکان کلبوج
- + برای آزادی مطبوعات در سرزمین‌های فلسطینی
- + رساله‌های منتقل آنتنسان
- + جایزه جهانی آزادی مطبوعات برای روزنامه‌نگار ریمبلوهای
- + قرسایش سواندل کلویب
- + آب سلگم برای آنتان‌ها
- + پیشگیری از لیدر در کامرون
- + فرهنگ و تعاونی
- + کابل و مورهلش
- + ریل‌های روبه فقراتش
- + سفیران قریقایی در یونسکو

## در کانون

### آینده چگونه خواهد بود: ده‌گرایش در قرن جدید

پیشرفت سریع انقلاب سوم صنعتی  
ایا فقر و محرومیت رو به فزونی است  
تهدیدهای تازه علیه صلح، امنیت و حقوق بشر  
تصیرات جمعیت  
محیط‌زیست جهانی در مخاطره  
ظهور جامعه اطلاعاتی  
حکومت بیشتر؟  
به سوی برابری زن و مرد؟  
دینارهای جدید بین فرهنگی  
چالش‌های اخلاقی علم و فناوری



### یونسکو در اخبار

مرور مطبوعات

### شیرکا

- + گردشگری پایدار
- + استفاده از معواره برای مراقبت از گوریل‌های افریقایی
- + کمک کودکان به دریای مدیترانه
- + زنان و علم
- + حمایت شبکه دیسکوری از زمین‌های روبه فقراتش
- + سفیران حسن‌نیت

### زیر ذره بین

ماموس و نعاموس

### تاریخ

پیام یونسکو از ۱۹۴۸ تا ۱۹۷۹

### نمایشگاه

ساختن‌های یونسکو، ۱۹۵۸: نوگرایی نملاین

### انتشارات یونسکو

کتاب‌هایی از انتشارات یونسکو برای انواع مخاطب

## فرار مغزها از ایتالیا

مغزهای ایتالیایی، خصوصاً دارندگان مدرک دکتری در رشته‌های مهندسی، فیزیک، زیست‌شناسی و پزشکی کشورشان را ترک می‌کنند تا به کار کردن در کشورهای امریکا، انگلیس و آلمان مشغول شوند. به نوشته کتاب Cervelli in

## مسکو، ۵۰۰۰۰ کودک آواره

به گفته مقامات روسیه، یک میلیون کودک و بزرگسال بی‌خانمان در شهرهای بزرگ آن کشور آواره خیابان‌ها هستند. جالب اینکه ۹۰ درصد از این افراد هنوز پدر و مادر دارند. فقط در شهر مسکو حدود ۵۰۰۰۰ کودک که غالباً از جمهوری‌های پیشین شوروی آمده‌اند، بی‌خانمان اند. به نوشته مسکو تایمز، هفتاد درصد از این تعداد را پسرچه‌ها تشکیل می‌دهند، اما شمار دخترچه‌های بی‌خانمان نیز مدام رو به افزایش است. پس از تصویب قانونی در سال ۱۹۹۹ مبنی بر ممنوعیت تأسیس پرورشگاه توسط

## افت تحصیلی دانش آموزان آمریکایی

نتایج یک تحقیق بین‌المللی در مورد علوم و ریاضیات که در ایالات متحده آمریکا صورت گرفته است، نشان می‌دهد که توانایی تحصیلی دانش‌آموزان این

کشور در سال‌های آخر تحصیل به‌نحو محسوس افت می‌کند. طبق این تحقیق، ۵۵ درصد از دانش‌آموزان نوجوان آمریکا (با میانگین سنی ۱۷ سال) روزانه دست‌کم سه ساعت کار می‌کنند، در صورتی که این نسبت در سایر کشورها حدود ۱۸ درصد است. با این وصف، به نوشته نیویورک تایمز، اشتغال نوجوانان به‌رغم معایش، برای اقتصاد آمریکا از اهمیت زیادی برخوردار است؛ و به همین علت، زیر سؤال

بردن آن غیرممکن است؛ زیرا نوجوانان برای تکمیل درآمد خانواده و یا تأمین هزینه تحصیل‌شان کار نمی‌کنند، بلکه آنان حقوق‌شان را برای تفریح و خرید لباس صرف می‌کنند که آن به رقمی حدود ۱۵۰ میلیارد دلار در سال بالغ می‌شود.

## بازگشایی مدرسه های افغانستان

مدرسه‌های افغانستان دوباره باز شدند تا پذیرای ۱/۷ میلیون دانش‌آموز، از جمله دانش‌آموزان دختر که طی پنج سال گذشته از تحصیل منع شده بودند، باشند. حامد کرزای رئیس دولت موقت افغانستان به این



## خروج مُد آفریقایی از بیشه

در سومین جشنواره بین‌المللی مُد آفریقایی (FIMA)، بیش از تعداد ۴۰ طراح از پنج قاره جهان، مدل‌هایی را که با الهام گرفتن از فرهنگ آفریقایی تهیه کردند، در شهر بانجه (شرق کابن) به معرض نمایش گذاشتند. جشنواره مذکور حدود شش هزار مهمان را با شعار «فرهنگ - صلح - توسعه» زیر چادرهای خود گردهم آورد. در این جشنواره، برگزاری کارگاه‌هایی در مرکز و طوارق بود - راهاندازی کرد. قصد الفادی آن بود که از مُد نمادی برای آشتی ملی بسازد.

درگیری بین حکومت مرکزی و طوارق بود - راهاندازی کرد. قصد الفادی آن بود که از مُد نمادی برای آشتی ملی بسازد.

در این جشنواره، برگزاری کارگاه‌هایی در مرکز و طوارق بود - راهاندازی کرد. قصد الفادی آن بود که از مُد نمادی برای آشتی ملی بسازد.



نشانه‌ها



## راز سومین بودای بامیان

از چند ماه پیش تاکنون اندیشه بازسازی مجسمه‌های بودای بامیان که در مارس ۲۰۰۱ تخریب شدند، بحث‌های بسیاری را برانگیخته است. اما ظاهراً طالبان که قصد داشتند این مکان مهم بودایسم را نابود کنند، نکته کوچکی را فراموش کرده بودند و آن مجسمه‌ای از بودا به طول ۳۵۰ الی ۳۸۰ متر است. در واقع، گفته می‌شود که سومین مجسمه عظیم بودا معروف به بودای خوابیده هنوز در دره بامیان مدفون است. این مجسمه که زیران چینی در قرن هفتم میلادی بر وجودش گواهی داده‌اند، ۲۵ سال پیش به وسیله یک باستان‌شناس



## هوای کشنده



طبق نتایج مهم‌ترین تحقیقی که اخیراً در مورد هوای آلوده شهرها صورت گرفته، بیست درصد از موارد ابتلا به سرطان ریه، ناشی از آلودگی هوا خصوصاً دود خودروها است. محققان در امریکا با زیر نظر داشتن ۵۰۰۰۰۰ نفر طی مدت ۱۶ سال به بررسی تأثیر ذرات ریز هوای آلوده که قطرشان از ۲/۵ میکرومتر کمتر است و در اعماق ریه نفوذ می‌کنند، پرداختند. مقدار این ذرات در هوای شهرهایی چون لس‌آنجلس و نیویورک ۱۶ الی ۲۰ میکروگرم در مترمکعب است، در صورتی که مؤسسه حفاظت محیط‌زیست امریکا میزان حداکثر مجاز ذرات را ۱۵ میکروگرم اعلام کرده است. هر بار که این فشردگی به میزان ۱۰ میکروگرم بالا می‌رود، میزان فوت ناشی از سرطان ریه ۸ درصد افزایش می‌یابد. آمار یاد شده نشانگر خطرناک بودن وضعیت به‌ویژه در کشورهای فقیر است که میزان آلودگی هوای شهرهایشان بسیار بالاتر است.

## چند نوع موجود زنده وجود دارد؟



گروهی بین‌المللی از متخصصان طبقه‌بندی موجودات زنده به ریاست ادوارد. او. ویلسون از دانشگاه اوهایو با الهام از طرح‌های بین‌المللی برای رمزگشایی ژنوم انسان، «بنیاد همه انواع» هدف را تشکیل داده‌اند. هدف آنان تهیه نقشه تنوع زیستی جهان ظرف مدت ۲۵ سال است که هزینه آن حدود ۳ میلیارد دلار برآورد شده است. این نقشه در واقع فهرستی واحد از همه انواع موجودات زنده از باکتری‌ها گرفته تا مهره‌داران خواهد بود که از مجموع تحقیقات فعلی و تحقیقات آینده فراهم می‌گردد. تاکنون کمتر از دو میلیون موجود شناسایی شده است، در صورتی که تعداد آنها دست‌کم ۱۰ میلیون است و شاید به ۱۰۰ میلیون هم برسد. تعداد متخصصان طبقه‌بندی موجودات در سراسر جهان حدود ۱۰۰۰۰ نفر است. «بنیاد همه انواع» قصد دارد تلاش خود را بر نوسازی فن‌آوری‌های طبقه‌بندی، خصوصاً با استفاده از نرم‌افزارهای جدید رایانه‌ای، متمرکز کند. محققان به جای ارسال نمونه‌ها و اسلایدها از یک مرکز تحقیق به مرکز دیگر، قادر خواهند بود از فن‌آوری تصویر دیجیتال و سه‌بعدی برای مبادله و بررسی اطلاعات جدید استفاده کنند که هزینه آن در قیاس با هزینه‌های فعلی بسیار کم خواهد بود. بنیاد یاد شده امیدوار است که از سال ۲۰۰۷ به بعد سالانه ۶۰۰۰۰ نوع جدید را شناسایی کند که بسیار فراتر از ظرفیت کنونی آن، یعنی شناسایی ۱۵۰۰۰ نوع در سال است.

## یخ پانصد هزارساله

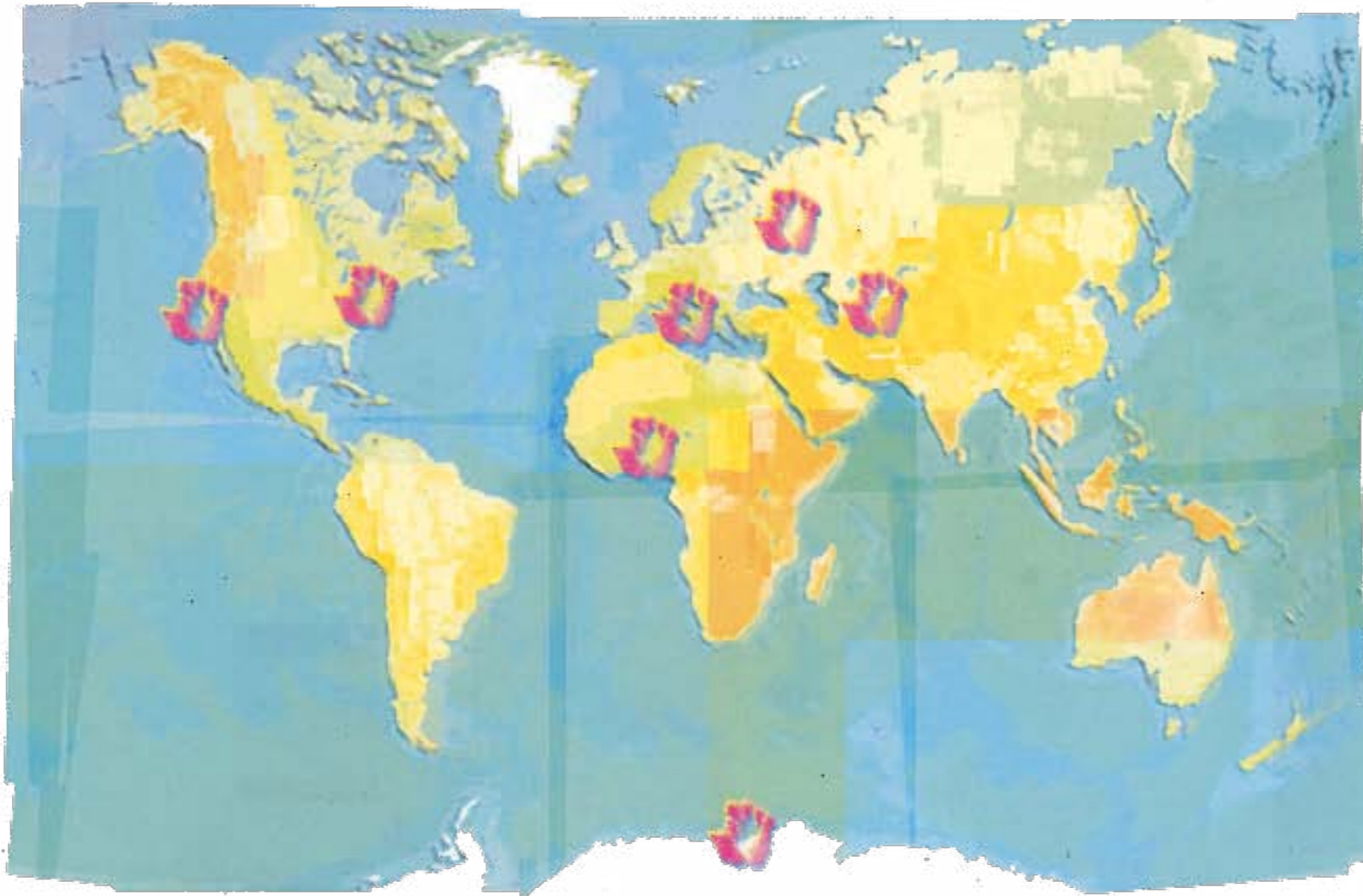
دانشمندان با انجام یک حفاری به عمق ۳۰۰۰ متر در شرق قطب جنوب، قدیمی‌ترین قطعه یخی را که تاکنون در قطب به دست آمده است، استخراج کردند. نمونه‌های این یخ را که بیش از نیم میلیون سال قدمت دارد، به آزمایشگاه‌های اروپا بردند تا



علاوه بر کسب اطلاعات در مورد شرایط اقلیمی کره زمین در زمان‌های گذشته، برای پیش‌بینی احتمالی تحولات آینده نیز تحت بررسی قرار گیرد. وقایعی که در منطقه قطب جنوب روی داده است، ضرورت این گونه بررسی‌ها را برجسته‌تر می‌کند. در اواسط ماه مارس ۲۰۰۲، یک صفحه یخی (به نام لارسن ب) به قطر ۲۰ متر و مساحت ۳۲۵۰ کیلومتر مربع، طی مدتی کمتر از یک ماه از قطب جدا شد و در همین زمان، یک کوه یخ عظیم با سطحی حدود ۵۵۰۰ کیلومتر مربع از کناره شرقی قطب کنده شد. به عقیده دانشمندان، علت این رویدادها گرم شدن کره زمین است. به گفته آنها، منطقه قطب جنوب فقط ظرف ۵۰ سال گذشته، ۲/۵ درجه سانتیگراد گرم‌تر شده است.

نشانه‌ها

۴



# گریز از مدرسه چرا؟

بسیاری از کودکان در کشورهای رو به توسعه و نیز در کشورهای توسعه یافته تحصیل را نیمه‌کاره رها می‌کنند. ریوا کلین، روزنامه‌نگار و نویسنده‌ای که جایزه های متعددی را دریافت کرده است، ریاست کنسرسیوم بین‌المللی مقابله با مدرسه‌گریزی را عهده‌دار است. هدف از تشکیل این کنسرسیوم، انسانی‌تر کردن آموزش و نزدیک ساختن آن به نوجوانان است.



گفت و گو با

۵

امتحانات یا ترک تحصیل پیش از شرکت کردن در امتحانات. در هر صورت، آینده آنان به مخاطره می‌افتد؛ زیرا همیشه باید عواقب نداشتن مدرک تحصیلی و تخصص، و در نتیجه، احساس خودکم بینی را تحمل کنند.

**بررسی‌های شما عمدتاً در بریتانیا و ایالات متحده صورت گرفته؛ وضعیت در این کشورها چگونه است؟**

< در بریتانیا بر اساس آمار رسمی، حدود ۲۰ درصد از نوجوانان ۱۴ الی ۱۹ ساله تحصیل را بدون اخذ هیچ مدرکی رها می‌کنند. آنان هیچ گونه تخصصی ندارند و نمی‌توانند کار کنند. تعداد این نوجوانان که از لحاظ تحصیلی در حد صفر تلقی می‌شوند، احتمالاً بیش از آن است که رسماً اعلام می‌شود.

وانگهی، به‌رغم آنکه دولت انگلیس برای جذب و ترغیب این گونه از دانش‌آموزان سیاستی را اتخاذ کرده، اما شمار دانش‌آموزان اخراجی طی ده سال اخیر رو به فزونی بوده است. در سال تحصیلی ۱۹۹۱-۱۹۹۰، تعداد دانش‌آموزان اخراجی از مدرسه های این کشور، ۲۹۱۰ نفر بود. در سال تحصیلی ۱۹۹۷-۱۹۹۶، تعداد آنها به ۱۲۷۰۰ نفر رسید که ۱۶۰۰ نفرشان دانش‌آموز دبستانی بودند.

در آمریکا، حدود ۲۵ درصد از نوجوانان ۱۳ ساله، دوره تحصیلات دبیرستان را به پایان نمی‌برند؛ البته این آمار در ایالت‌ها و شهرهای مختلف بسیار متفاوت است.

مثلاً نسبت این گونه از دانش‌آموزان در مدرسه های دولتی نیویورک و واشینگتن به ۴۵ درصد می‌رسد. به‌طور کلی، از هر چهار دانش‌آموز آمریکایی یک نفر مدرسه را بدون اخذ دیپلم متوسطه که از حداقل ضروریات زندگی در آن کشور است، رها می‌کند.

**دانش‌آموزانی که ترک تحصیل می‌کنند، چگونه‌اند؟**

< خصوصیات واحدی برای این دانش‌آموزان وجود ندارد. اما عواملی که آنان را به این کار سوق می‌دهد، اغلب

در آمریکا به دنیا آمده اما بیشتر زندگی خود را در لندن به سر برده است. وی برای بسیاری از روزنامه‌ها و مجله‌ها قلم زده است و بخشی ثابت را در ضمیمه آموزشی روزنامه تایمز به عهده دارد. او همچنین در کالج گلد اسمیت در دانشگاه لندن روزنامه‌نگاری تدریس می‌کند. سازمان «مبارزه برای برابری نژادی» تاکنون دوبار جایزه «نژاد در رسانه‌ها» را به ریوا کلین اعطا کرده است.



ریوا کلین، در ضمیمه آموزشی روزنامه تایمز، بخش ثابتی را در دست دارد.

یکسان است. محیط‌زیست، محیط اجتماعی و وضعیت خانوادگی در این مورد اهمیت بسیاری دارند. در گزارش اداره امتحانات مدارس آمریکا آمده است که نیمی از خانواده‌های متکی به دریافت کمک هزینه دولتی را افرادی تشکیل داده‌اند که مدرسه را به پایان نبرده‌اند.

تعلقات قومی هم می‌تواند نقش مهمی داشته باشد. در بریتانیا تعداد بی شماری از کودکان افریقایی - کاراییبی مدرسه را رها می‌کنند. در مورد کولی‌ها و مردم سیار نیز وضع به همین منوال است، هر چند کودکان آنان هم مانند کودکان افریقایی - کاراییبی در آغاز مدرسه، خیلی خوب درس می‌خوانند.

در آمریکا، با آنکه وضعیت کودکان سیاهپوست هنوز تا حد مطلوب بسیار فاصله دارد، اما طی سه دهه گذشته بسیار بهبود پیدا کرده است. امروز، ۱۳ درصد از دانش‌آموزان سیاهپوست ترک تحصیل می‌کنند، اما این نسبت در دهه ۷۰ به ۴۰ درصد می‌رسید. در میان کودکانی که والدین‌شان اهل آمریکای لاتین هستند، این نسبت در دهه ۹۰ حدود

۳۰ درصد بود.

جنسیت نیز در این میان نقش ایفا می‌کند. در ایالات متحده، ۸۵ درصد از شرکت‌کنندگان در کلاس‌های ویژه دانش‌آموزان ترک تحصیل کرده را پسرها تشکیل می‌دهند. کودکانی که به صورت مهمان یک خانواده و یا در پرورشگاه‌های عمومی زندگی می‌کنند، از همه آسیب‌پذیرترند. در بریتانیا، بیش از یک‌چهارم این گونه از کودکان که بین ۱۴ تا ۱۶ سال دارند، از مدرسه اخراج می‌شوند و یا آنکه غیبت مداوم دارند. ۵۰ الی ۷۵ درصد از نوجوانانی که خانواده میزبان یا پرورشگاهی را که در آن بزرگ شده‌اند ترک می‌کنند، هیچ‌گونه مدرک تحصیلی ندارند.

**آنچه می‌گویید زیاد عجیب نیست. همیشه کودکانی که وضعیتی دشوار دارند، با مشکلات تحصیلی هم روبه‌رو می‌شوند.**

< بله، اما امروز فقط این کودکان نیستند

که ترک تحصیل می‌کنند، بلکه «بچه ننه»‌های زیادی هم هستند که این راه را می‌روند، هرچند تعدادشان به پای گروه اول نمی‌رسد. اما آنچه تازگی دارد، این است که امروز به این مشکلات بیشتر توجه می‌کنیم، به‌علاوه می‌دانیم که ترک تحصیل کودکان هزینه‌های سنگینی را در پی دارد. مثلاً، در بریتانیا حدود ۹۵ درصد از پسرانی که در دارالتأدیب به‌سر می‌برند، کسانی‌اند که قبل از ۱۶ سالگی از مدرسه اخراج شده، غیبت مستمر داشته و یا ترک تحصیل کرده‌اند.

هزینه نگهداری هر یک از آنها در زندان سالانه حدود ۷۵ هزار لیره است. به علاوه، دخترانی که از مدرسه اخراج می‌شوند، بیش از سایرین در معرض بارداری قرار می‌گیرند. بریتانیا از این جهت بدترین حد نصاب را در اروپای غربی دارد و میزان بارداری دختران ۱۵ الی ۱۹ ساله آن به ۳۳ در هزار می‌رسد، که در مقایسه با کشوری چون هلند پنج برابر است. امروز، همه قبول دارند که تحصیل در پیشرفت فرد و نیز امرار معاش و موفقیت وی در جوامع علمی، نقشی اساسی دارد. در واقع،



گفت و گو با

۶

دانش به کلید توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورها و نیز توانایی افراد برای دستیابی به شغل، مسکن و زندگی مناسب تبدیل شده است. بالا بودن میزان ترک تحصیل در کشورهای ما که ظاهراً امکان تأمین شرایط تحصیل را برای عموم دارند، نشانگر پایین بودن کیفیت تحصیل است. مدارس با نیازها و تمایلات نوجوانان هماهنگ نیستند. دانش‌آموزان برنامه‌های درسی را بیش از حد خشک و غالباً نامناسب می‌دانند. آموزگاران به اندازه کافی برای برخورد با مشکلات و مسائل نوجوانان امروزی آمادگی ندارند. خلاصه آنکه محیط آموزشی قادر نیست کودکان را به شهروندان راستینی مبدل سازد.



گفت و گو با

۷

### برای جلب علاقه کودکان به مدرسه چه باید کرد؟

< باید به تغییر سیاست‌ها، رفتارها و ساختارها دست زد. نظام آموزشی باید برای نیازهای مختلف، شرایط محیطی و استعدادها همه دانش‌آموزان، بی‌آنکه موفقیت مستعدترین و آماده‌ترین آنها را به مخاطره اندازد، پاسخ مناسبی بیابد، و این پاسخ باید شامل حال کلیه دانش‌آموزان باشد. به‌طور مشخص، معتقدم که مدرسه باید

انعطاف‌پذیرتر و حقیقاً دموکراتیک باشد. منظورم این نیست که فقط شورای مدرسه تشکیل دهیم، بلکه باید مدرسه را به روی محیط بیرون و والدین بگشاییم. ما همچنین باید به یکایک دانش‌آموزان بیشتر توجه کنیم و هرگونه کمک لازم را در اختیارشان بگذاریم. کودکانی که دچار مشکل‌اند باید از کمک کسانی که برای این مورد آموزش دیده‌اند، برخوردار شوند. بدون تردید یک بزرگسال «تأثیرگذار» می‌تواند زندگی یک کودک را کاملاً دگرگون سازد.

### آیا الگویی برای پیروی سراغ دارید؟

< بله، خیلی. مثلاً در نظام آموزشی دانمارک که بر احترام متقابل بین دانش‌آموز و آموزگار و فرهنگ گفت‌وگو استوار است، آموزگاران روبه‌روی دانش‌آموزان نمی‌ایستند تا درس بدهند، بلکه همراه کودکان کار می‌کنند. در آنجا نظام مشخص کلاس‌بندی و امتحانات تعیین‌کننده، وجود ندارد. دانش‌آموزان دانمارکی همچنین می‌توانند از برنامه‌های بسیار جامع آموزش تخصصی استفاده کنند، نتیجه اینکه میزان ترک تحصیل از ۴/۳ درصد فراتر نرفته است. در آمریکا، هم بدترین نتایج و هم بهترین‌ها را می‌توان سراغ گرفت. در شهر نیوهیون (ایالت کانکتیکات)، یک «برنامه آموزش اجتماعی و احساسی» برای دانش‌آموزان به اجرا گذاشته شد و به آنان نحوه تصمیم‌گیری، تعامل با همسالان، مقاومت در برابر مواد مخدر و الکل، کنترل اضطراب و تمایلات خشونت‌بار آموزش داده شد. نتیجه این برنامه حیرت‌آور بود؛ بدین ترتیب که بین سال‌های ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۶ تعداد دانش‌آموزانی که چند سال در کلاس ششم می‌ماندند، ده درصد کاهش یافت؛ نسبت دانش‌آموزان بسیار موفق کلاس چهارم از ۴۱ درصد به ۷۲ درصد افزایش یافت؛ میزان ترک تحصیل، اخراج موقت و اخراج دائم از مدرسه نیز همگی کاهش یافت و موارد حمل سلاح گرم در مدرسه به کمتر از نصف رسید. در استرالیا، مدارس با سازمان‌های دولتی



باید به فردیت کودکان بیشتر توجه کنیم.

و خصوصی‌امدادی و نیز سازمان‌های غیردولتی (NGO) وارد همکاری شدند تا از کودکانی که دچار مشکل‌اند، حمایت کنند. مدارس استرالیا همچنین به متنوع ساختن گزینه‌های درسی برای دانش‌آموزان پرداختند. هلند نیز الگویی را در پیش گرفته، که برپایه همکاری و هماهنگی بنا شده است. هدف، غلبه کردن بر موانع اقتصادی و فرهنگی‌ای است که مانع پیشرفت کودکان می‌شوند. طراحان این الگو معتقدند هر چند که فاصله بین درس و تجربه‌های مدرسه با زندگی کودکان در خانه و محله‌شان کم شود، سرعت پیشرفت آنها افزایش خواهد یافت.

از آنجا که منابع عمده در اختیار نظام آموزشی است، پس مسئولیت نهایی برای کمک به نوجوانان نیز به عهده گردانندگان این نظام است.

### آیا اینها، راه حل‌های منطقه‌ای و خاص برای حل مشکلی نیستند که به نحو فزاینده‌ای، پیچیده و جهانی می‌شوند؟

< آن قدر ابتکار جالب آموزشی و روان‌شناختی در گوشه و کنار جهان صورت گرفته است که کسی نمی‌تواند از ضرورت پیدا کردن راه تازه‌ای سخن بگوید. راه‌حل‌ها هم اینک وجود دارند و ما باید آنها را بیابیم و با نیازهای خاص خود انطباق دهیم. مثلاً، در جهان آرمانی، تایوان می‌پذیرفت که نظام آموزشی‌اش به رغم کسب نتایج درخشان در عرصه ریاضیات و علوم، موجب قربانی شدن بیان خلاق دانش‌آموزان شده است. در چین جهانی، تایوان به الگوبرداری از مدرسه‌ای در ایالت تنسی (آمریکا) می‌پرداخت که در آن با استفاده از شیوه مرکز لئونارد برنشتاین، کلیه دروس در خلال برنامه‌های هنری به دانش‌آموزان ارائه می‌شد. به همین ترتیب، اگر مربیان مهدهای کودک انگلیس به آنچه که در مجارستان می‌گذرد توجه می‌کردند، شاید از تلاش برای آموزش خواندن و حساب کردن به کودکان چهارساله دست

### کنسرسیوم بین‌المللی ضد مدرسه‌گریزی

که ریوا کلین ریاست آن را عهده‌دار است، در اکتبر ۲۰۰۱ تحت سرپرستی مرکز ملی پیشگیری از ترک تحصیل در کلمسون (ایالت کارولینای جنوبی) در آمریکا ایجاد شد. اعضای این کنسرسیوم استادان رشته‌های مختلف دانشگاه، روان‌شناسان، محققان و پزشکانی از آمریکا، اروپا، آسیا، کارائیب و آفریقا هستند.

### هر چند اعضای کنسرسیوم، نمایندگان

طیف کاملاً متنوعی از فلسفه‌ها و نظام‌های مختلف آموزشی‌اند و در محیط‌های سیاسی و اقتصادی بسیار متفاوتی فعالیت دارند، همه معتقدند که مدرسه‌گریزی پدیده‌ای فراتر از این گونه تفاوت‌هاست و در همه جا بیدار می‌کند. کنسرسیوم منحصراً، مرکزی برای مباحثات نیست، هر چند شاهد گردهمایی‌های متعدد و مبادلات وسیع اطلاعات از طریق رایانه است. کنسرسیوم همچنین با فراهم ساختن امکانات سفر برای کارشناسان آموزشی، در تبادل تجربیات می‌کوشد. این کارشناسان به بررسی راه‌حل مشکلات در نقاط مختلف می‌پردازند تا مناسب‌ترین آن را برای مدرسه‌های منطقه خاص خود بیابند. کنسرسیوم، در کنفرانس سالانه‌اش در سن‌دیه‌گو، خبر انتشار روزنامه بین‌المللی در مورد مدرسه‌گریزی - که اولین روزنامه در نوع خود است - را اعلام می‌کند.

E-mail: [ndpc@clemsun.edu](mailto:ndpc@clemsun.edu)  
[www.dropoutprevention.org](http://www.dropoutprevention.org)

گفت‌وگو از: سو ویلیامز



گفت و گو با

۸

# نقش آنگکور در جست و جوی وحدت گمشده

یونسکو، تخریب بوداهای بامیان را در مارس ۲۰۰۱ «جنایت علیه فرهنگ» اعلام کرد. هنگامی که حکومت طالبان اعلام کرد قصد دارد دو پیکره عظیم بودا را منفجر کند، صدای همه جهانیان به اعتراض بلند شد. پس از نابودی پیکره‌ها، مطبوعات مرتباً از پیشنهادهایی برای بازسازی آنها خبر می‌دهند.



میراث

۹

هنوز هیچ تصمیم مشخصی در این مورد اتخاذ نشده است. اما در یک نکته هیچ تردیدی وجود ندارد: هیچ ملتی بدون خاطره، قادر به ادامه حیات نیست. میراث فرهنگی، اعم از مادی یا معنوی در روش انسان‌ها برای ایجاد تاریخ، هویت و آرمان مشترک نقشی اساسی ایفا می‌کند؛ به همین دلیل، شایسته است که معماران صلح، میراث فرهنگی را چه در افغانستان و چه در هر نقطه دیگر جهان مورد توجه قرار دهند.

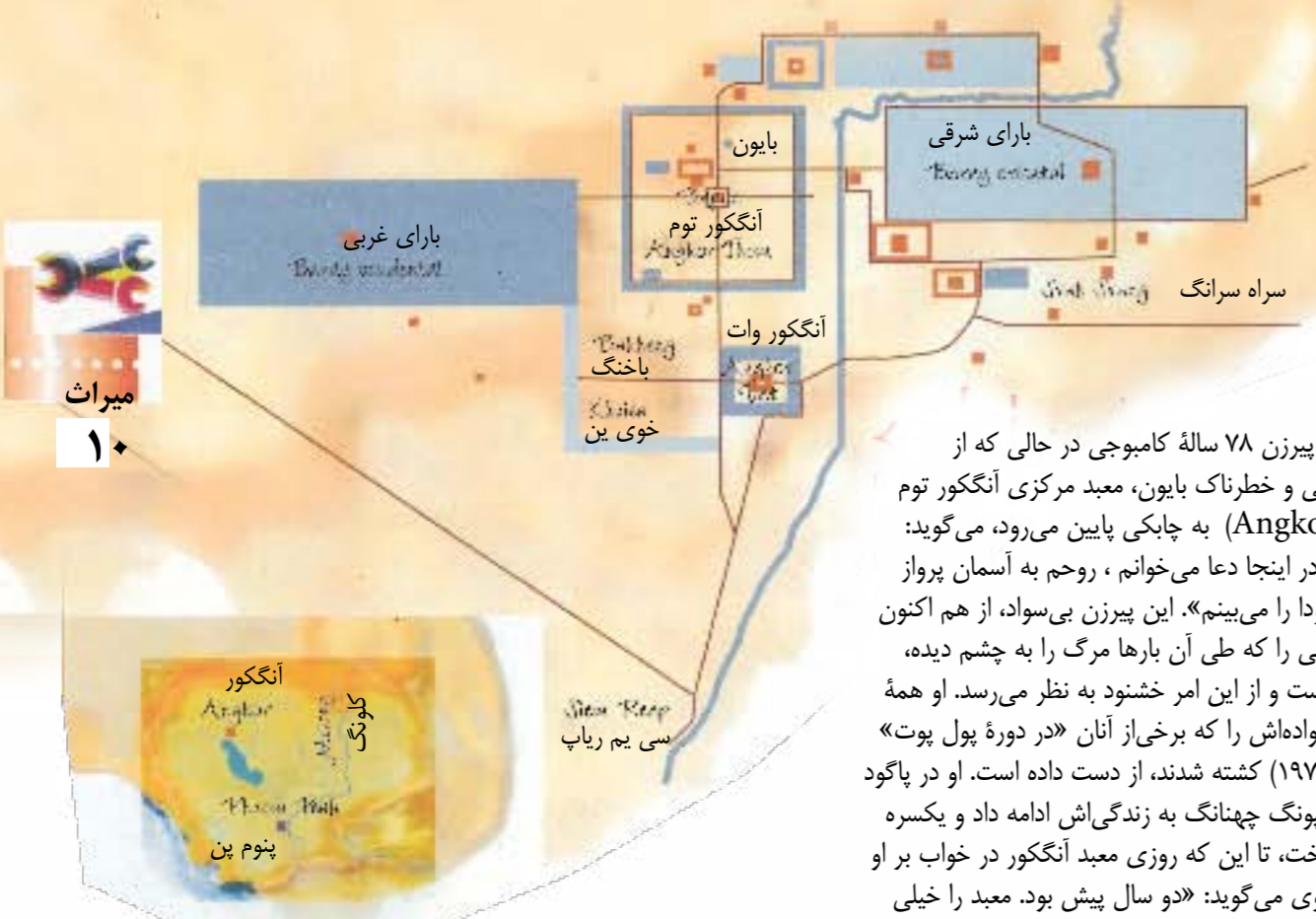


به طور مثال، آنگکور در کامبوج همیشه، خصوصاً در سیاه‌ترین دوره‌های تاریخ آن کشور، مهد رؤیای وحدت بود. آنگکور خمرهای سرخ (به معنای سازمان) که عالی‌ترین نهاد حکومتی‌شان بود، نه تنها در نابودی این خاطره امپراتوری باستان نکوشید، بلکه از آن برای تبلیغات ملی گرایانه خود بهره گرفت. اما مردم کامبوج از ده سال پیش به این سو، معنای نمادین آنگکور را برای آشتی بین یکدیگر و نیز با خود، مورد استفاده قرار داده‌اند.

تخریب منظم میراث فرهنگی طی جنگ بوسنی ناشی از میل به نابودی کلیه آثار گذشته‌ای مشترک بین سه قوم صرب، کروات و مسلمان بود. اکنون، یونسکو و بانک جهانی به هماهنگ کردن فعالیت چند گروه مشترک از این اقوام برای بازسازی پل موستار مشغول‌اند. البته برای آنکه پل موستار واقعاً «نماد صلح و آشتی» شود، باید ساکنان دو سوی رود بیزتوا، برای عبور از آن تمایل نشان دهند.



هیانج تان، پیرزن ۷۸ ساله کامبوجی در حالی که از پلکان سنگی و خطرناک بایون، معبد مرکزی آنگکور توم (Angkor Thom) به چابکی پایین می‌رود، می‌گوید: «وقتی که در اینجا دعا می‌خوانم، روحم به آسمان پرواز می‌کند و بودا را می‌بینم». این پیرزن بی‌سواد، از هم اکنون زندگی زمینی را که طی آن بارها مرگ را به چشم دیده، رها کرده است و از این امر خشنود به نظر می‌رسد. او همه اعضای خانواده‌اش را که برخی از آنان «در دوره پول پوت» (۱۹۷۹ - ۱۹۷۵) کشته شدند، از دست داده است. او در پاگود (معبد) کومپونگ چهنانگ به زندگی‌اش ادامه داد و یکسره به دعا پرداخت، تا این که روزی معبد آنگکور در خواب بر او ظاهر شد. وی می‌گوید: «دو سال پیش بود. معبد را خیلی واضح با چشم و در قلبم دیدم. آن وقت آمدم». البته همه کامبوجی‌هایی که این روزها به سوی آنگکور سرازیر می‌شوند، همچون هیانج تان مذهبی نیستند. در میان این جمعیت، سواى گردشگران خارجی و تعداد زیادی از روحانیون بودایی، به این چنین اشخاصی برمی‌خوریم: یک پیشخدمت که از پنوم پن برای «تماشا» آمده است، یک حقوقدان جوان که «به فرهنگ کشورش می‌بالد» یا یک پدر خانواده مرفه که دیدار از آنگکور را نشانه اعتبار اجتماعی می‌داند. شمار بازدیدکنندگان داخلی در سال ۲۰۰۰ از مرز ۱۲۰۰۰۰ نفر گذشت و همچنان رو به افزایش است. علت این هجوم بازدیدکنندگان چیست؟ البته صلحی که از سال ۱۹۹۸ تحکیم شده، و پاکسازی این مکان از مین و مرمیت آن شرایط را برای بازدید مردم فراهم ساخته است. اما در واقع خاطره آنگکور برای ملتی که تازه دورانی چند ده ساله از کابوس و فاجعه (جنگ داخلی، نسل‌کشی، هجوم ویتنام) را پشت سر گذاشته‌اند، حکم مرهمی التیام‌بخش را دارد. عزالدین بس چائوچ، مشاور علمی یونسکو در مورد آنگکور



میراث

۱

**کامبوج**  
جمعیت: ۱۲/۸ میلیون نفر  
تولید سرانه ناخالص ملی: ۱/۳۶۱ دلار  
رتبه شاخص توسعه انسانی: ۱۲۱ (از مجموع ۱۶۲)  
میزان بی‌سوادی بزرگسالان: ۳۱/۸ درصد  
جمعیت زیر خط فقر: (یک دلار در روز): ۳۶/۱ درصد  
امید به زندگی: ۵۶/۴ سال  
منبع: برنامه توسعه سازمان ملل (UNDP).



هیانج تان، پیرزن ۷۸ ساله کامبوجی پس از دیدن معبد درخواب، به آنگکور سفر کرد.



می‌گوید: «۲۵ سال اخیر برای کامبوجی‌هایک دوره تفکر عمیق فلسفی بود. آنان به این نکته‌اندیشیدند که شاید زوال امپراتوری آنگکور (بین قرن های ۹ تا ۱۴ میلادی) نشانه‌ی پایان ملتی صلح‌دوست و بسیار با فرهنگ بوده ، و اینکه آنان کامبوج دیگری را تشکیل داده‌اند که برخلاف کامبوج قدیمی ، ویرانگر و وحشی است. آنگکور در درجه اول، آنان را با تاریخ خودشان آشتی می‌دهد. ملت کامبوج بدین‌گونه پیوند خود را با آن تمدن درخشان بازسازی می‌کند و زمان وحشی‌گری را داخل پرناتز قرار می‌دهد».

آنگ چولتان، قوم‌شناس و رئیس آپسارا، مؤسسه ملی کامبوج برای توسعه آنگکور (نگاه کنید به مطلب داخل کادر) می‌افزاید: «آنگکور روح خمرهاست و در دوره‌های ناامیدی ، یگانه نقطه اتکا به شمار می‌رود». به این ترتیب، آنگکور نماد مذهبی، اسطوره بنیادین «ملت خمر» و در نتیجه مظهر ملی محسوب می‌شود. تصویر معبد آنگکور از هنگام استقلال کامبوج در سال ۱۹۵۳، همیشه روی پرچم این کشور بوده ؛ بنابراین کامبوج یگانه کشور جهان است که تصویر میراث ملی خود را در چهار گوشه جهان به اهتزاز درآورده است . آنگ چولتان می‌گوید: «وقتی که چهار جناح درگیر در جنگ ، در سال ۱۹۹۱ شورای عالی ملی را برای وحدت کشور تشکیل دادند، نخستین اقدام



**هزاران کامبوجی برای دعا کردن روانه آنگکور می‌شوند که طبق افسانه ، نسخه بدل اصطلیل یک کاخ آسمانی است . به هنگام تحویل سال نو، شمار بازدیدکنندگان از آنگکور به حدود ۱۵ هزار نفر می‌رسد.**



**پس از تشکیل نیروی پلیس میراث در سال ۱۹۹۴، غارت بناهای موجود در پارک باستان‌شناختی آنگکور متوقف شد.**

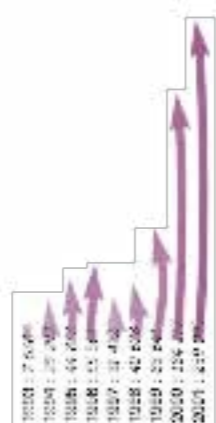
کبهان و نظام خدایان است ، همیشه نمادی برای آرمان وحدت و هماهنگی بوده است. مردم کامبوج به این معابد عشق می‌ورزند ؛ زیرا آنگکور مظهر پیروزی بر تفرقه‌های تاریخی و اشتباهات انسانی است .

سوفی بوخاری

خزانه دولت واریز می‌کند و خزانه‌داری این درآمد را در اختیار آپسارا ، وزارت گردشگری و وزارت فرهنگ قرار می‌دهد.

اتی ین کلمان، رئیس دفتر **یونسکو** در پنوم پن می‌گوید : « همه طرف‌هایی که در توسعه و محافظت آنگکور مشارکت داشتند، این وضعیت را محکوم می‌کنند ؛ زیرا در هیچ جای جهان شرکت‌هایی که فروش بلیط ابنیه عمومی را در دست می‌گیرند ، اجازه ندارند بیش از ۱۵۰ درصد از درآمد آن را برای خود بردارند». وی در عین حال خاطر نشان می‌کند که پیش از آوریل ۱۹۹۹ ، تمامی این درآمدها به جای نامعلومی می‌رفت . اتی‌ین کلمان در حالی که جانب ادب را نگاه داشته است ، می‌گوید: «در کامبوج، سنت شفافیت در امور مالی عمومی قدمت زیادی ندارد». سون سوپرت ، باستان‌شناس و عضو شورای قانون اساسی می‌گوید : وضع، چنان «خراب» است که وزارت فرهنگ از منابع مالی لازم برای مبارزه علیه چپاول مکان‌های تاریخی محروم است. سرقت و قاچاق سرهای مربوط به پیکره‌ها و اشیای تاریخی در منطقه آنگکور، به لطف وجود گردشگران و حضور نیروی پلیس میراث که در سال ۱۹۹۴ تحت حمایت **یونسکو** تشکیل شد ، اکنون دیگر از میان رفته است ؛ اما این اعمال در سایر نقاط کامبوج همچنان ادامه دارد.

اشلی تامپسون می‌گوید: معابد آنگکور که نمایانگر



شمار بازدیدکنندگان خارجی از آنگکور

**سفر به آنگکور**

**چکیده فرهنگ خمر**  
این فیلم مستند ، چشم‌انداز کاملی را از مکان‌ها و نیز از فعالیت‌هایی ارائه می‌دهد ، که برای مرمت و محافظت از یکی از بزرگ ترین مکان‌های باستانی



جهان صورت می‌گیرد .  
UNESCO/Fuju Television/Van Eight Productions  
Video (VHS, Pal)  
۲۶ دقیقه: ۱۱/۴۳ یورو





## پل صلح در موستار



بازسازی بخشی از میراث مشترک اقوام صرب، کروات و مسلمان که طی جنگ بوسنی نابود شد، می‌تواند آغازگر روند شفای زخم‌های جنگ باشد؛ هر چند این روند شاید سال‌ها به درازا بکشد. **یونسکو** برای تحقیق این هدف به مشارکت در بازسازی پل کهنهٔ موستار پرداخته است تا این یادگار گرانبهای هنر عثمانی، باز به نماد همزیستی مسالمت‌آمیز بدل شود.

اما آشتی در شهری که بیش از ۲۰۰۰ نفر از ساکنانش طی جنگ بین سه قوم یاد شده در فاصلهٔ سال‌های ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۵ کشته شدند، آن‌قدرها آسان نیست. ردپای جنگ در همه جا دیده می‌شود. در امتداد خط جبههٔ سابق، ساختمان‌های ویرانی به چشم می‌خورد که به حال خود رها شده‌اند. سوراخ‌های کوچک و بزرگ ناشی از گلوله‌های تفنگ و توپ و خمپاره که در تمام کوچه و خیابان‌ها و بر دیوار خانه‌ها دیده می‌شود، یادآور دایمی خشونت جنگ‌های چند سال گذشته‌اند.

نیروهای بین‌المللی حافظ صلح (SFOR) و نیز واحدهایی از کشورهای فرانسه، ایتالیا و اسپانیا طی روز در شهر گشت می‌زنند. البته کسانی که شاهد جنگ در شهر بوده‌اند، می‌گویند اوضاع بسیار خوب شده است. هر چند جدایی بین محله‌های کروات (ساحل غربی نرتوا) و مسلمان (ساحل شرقی) هنوز بسیار حس می‌شود، اما تاکنون سه پل از نه پلی که طی جنگ ویران شد، بازسازی و گشوده شده است.

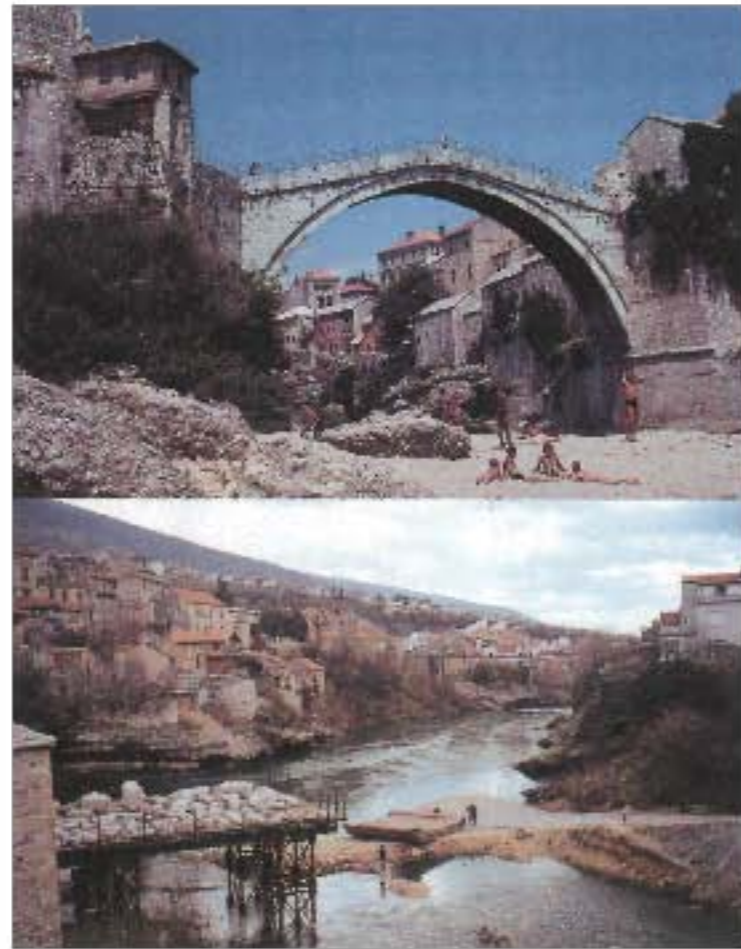
با این همه، مشهورترین این پل‌ها؛ یعنی پل موستار (موستار به معنای «نگهبان پل» است) که نام خود را به شهر داده، هنوز فقط چند تکه چوب ساده است که موقتاً برای عبور مورد استفاده قرار می‌گیرد. استاری موست (پل کهنه) که در قرن شانزدهم میلادی به دست معمار هایلدین عثمانی ساخته شد، در ۹ نوامبر ۱۹۹۳ زیر آتش توپخانهٔ کروات‌ها از بین رفت. اما پل، حیات خود را در فرهنگ شهر ادامه داده است. هنوز نقاشان تصویر آن را می‌کشند و صنعتگران نمونه‌های چرمی، فلزی و سرامیک آن را می‌سازند. پل نام خود را به رستوران‌ها و ایستگاه‌های رادیویی داده است و روی کارت پستال‌ها

و کارت ویزیت‌های شخصیت‌های محلی دیده می‌شود. اما پل موستار در حافظهٔ مردم شهر از همه جا زنده‌تر است. سلما که بیوهٔ جوان ۲۷ ساله‌ای است، می‌گوید: «وقتی خواب جنگ را می‌بینم، پدر و برادرم را که مرده‌اند نمی‌بینم، فقط پل به خوابم می‌آید. خانم اسنیزنا هاجیچ، مهندس عمرانی که جزو گروه بازسازی پل است، می‌افزاید: «وقتی می‌خواستیم با دوستان بیرون برویم، آنجا قرار می‌گذاشتیم. ما آن را «استاری» (پیر) اسم گذاشته بودیم».

پیش از جنگ، هر تابستان، جوانان موستار برای شیرجه زدن از روی قوس ۲۰ متری و منحصر به فرد این پل به داخل رود نرتوا، مسابقه‌ای را برگزار می‌کردند. گزارش این مسابقه از طریق تلویزیون در سراسر یوگسلاوی پخش می‌شد. سیسیچ روسمیر، رئیس واحد بازسازی پل کهنه می‌گوید: «وقتی پل خراب شد، من رئیس شورای شهر بودم. من و اعضای شورا همه به گریه افتادیم». واحد بازسازی که بودجه‌اش را بانک جهانی تأمین می‌کند، از متخصصان

### کتابخانه ی سارا یوو از آن کیست؟

**با بمباران** کتابخانهٔ ملی و دانشگاهی بوسنی - هرزگووین در شب ۲۵ اوت ۱۹۹۲، ده‌ها هزار کتاب، دست نوشته و نشریات مختلف دود شد و به هوا رفت. **نناد ولادیکوویچ**، نویسندهٔ جوان بوسنیایی، با ناراحتی می‌گوید: «حالا این کتابخانه به نمایشگاهی بین‌المللی برای ابراز حسن نیت تبدیل شده است. تاکنون سیاستمداران، گروه‌های ارکستر و خوانندگان تمام جهان به اینجا آمده‌اند؛ اما کسانی که جانشان را به خطر انداختند تا بقایای کتابخانه را نجات دهند، حالا در تأسیسات موقتی و بدون وسایل گرم‌کننده مشغول فعالیت‌اند. لئون پرسویره<sup>۱</sup> می‌گوید: «مشکل کتابخانه همچون بسیاری از ساختمان‌های دیگر، شناسایی مالک آن است. قبلاً پیش



**پل و اطراف آن در دههٔ ۶۰، مکانی برای تفریح بود که در آنجا اقوام مختلف درهم می‌آمیختند (بالا). امروز از آن فقط تکه سنگ‌هایی که از داخل رودخانه بیرون آورده شده، باقی مانده است تا در بازسازی آن مورد استفاده قرار گیرد. (پایین).**

آمده بود که جامعهٔ بین‌المللی ساختمانی را بازسازی کرد و بعد کسانی پیدا شدند که راست یا دروغ، ادعای مالکیت آن را داشتند. مقامات محلی باید پیش از احیای کتابخانه، این موضوع را روشن کنند». **یونسکو** مبلغ ۲۲۰۰۰۰ دلار را برای ایجاد تأسیسات موقتی اختصاص داد و در مرمت یک کتاب دست نویس معروف به نام هاگاداه سارا یوو که مجموعه‌ای از ادعیهٔ مذهب یهود متعلق به قرن ۱۵ میلادی است، مشارکت کرد.

کروات، مسلمان و بین‌المللی تشکیل شده است. سیسیچ روسمیر می‌افزاید: «اما من شاهد تصمیم برای بازسازی پل هم بودم که تنها یک هفته پس از انهدام آن اتخاذ شد. طبق قراردادی که ما با بانک جهانی و **یونسکو** امضاء کردیم، پل باید به همان شکل سابق و دقیقاً با همان نوع سنگ بازسازی شود، البته با این شرط که اعضای هر دو قوم کروات و مسلمان در این کار مشارکت کنند. در این زمینه، حساب بانکی، دفتر حسابداری و بایگانی ما مشترک است و من به همکار کرواتم، «مهندس تیهومیر روسیچ» کاملاً اعتماد دارم. ای کاش همهٔ ادارات رسمی بوسنی - هرزگووین با همین روحیهٔ همکاری، کار می‌کردند».

### در کنار هم

بیش از دو سال است که کارگران هر دو قوم همراه با یکدیگر در معادن سنگ کار می‌کنند. برنامهٔ مشترک کار و استراحت باعث شده است که احساس دشمنی آنها نسبت به یکدیگر تدریجاً کمتر و کمتر شود. این دستاورد قابل توجهی در موستار است؛ زیرا به گفتهٔ مسئولان نیروی بین‌المللی حافظ صلح، مأموران پلیس مسلمان و کروات این شهر که در یک لباس و شانه به شانهٔ هم گشت می‌زنند، گاه طی هفته‌ها کلامی را با یکدیگر مبادله نمی‌کنند. کینه‌های مردم شهر نیز هنوز تازه است، زیرا بسیاری از خانواده‌هایی که عزیزی را از دست داده‌اند، نام و نام خانوادگی قاتل وی را به خوبی می‌دانند.

ایتالیا، ترکیه، فرانسه، هلند و چند نهاد بین‌المللی، بخش عمدهٔ ۱۵ میلیون دلار لازم برای بازسازی پل و دو برج آن و نیز مرمت ۱۱ ساختمان را در محلهٔ قدیمی شهر که از جنگ آسیب دیدند، تأمین کردند. دو میلیون دلار از این مبلغ را شهرداری موستار فراهم کرد و جالب آنکه کشور کرواسی نیز اعلام کرد که ۶۶۰ هزار دلار را به این منظور اختصاص می‌دهد.

کولین کیزر، رئیس دفتر یونسکو در سارا یوو می‌گوید: «این اقدام مهمی از جانب کشوری است که خود با مشکلات بزرگ اقتصادی دست به گریبان است».

ایوو آندریچ، نویسندهٔ اهل یوگسلاوی و برندهٔ جایزهٔ ادبی نوبل در سال ۱۹۴۵، نوشته است: پل‌ها از خانه‌ها مهم‌تر و از معبد‌ها مقدس‌ترند؛ زیرا مورد استفادهٔ همه و متعلق به همه اند.

*لوچیا اگلسیاس کوتتر*



میراث  
۱۳



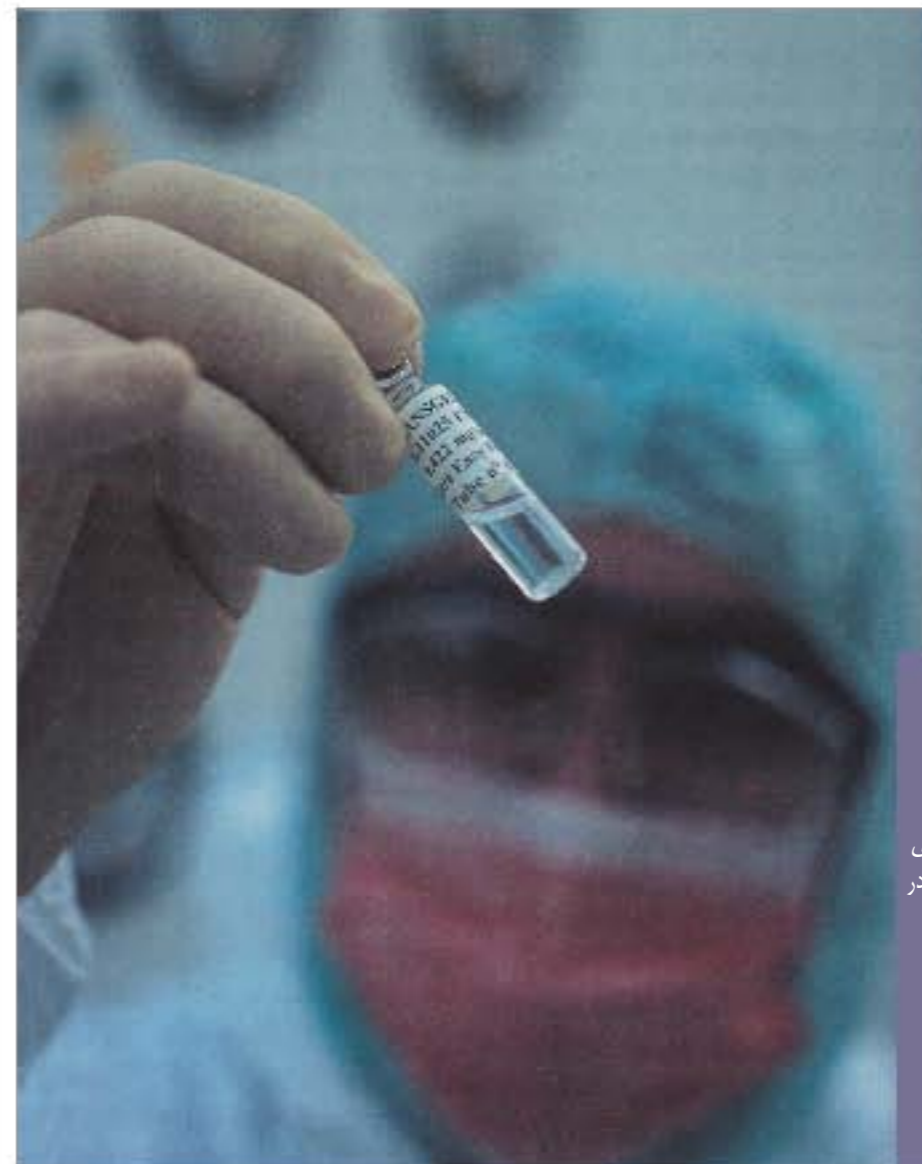
میراث  
۱۴

## ژنتیک تا کجا مجاز به پیشروی است؟

علم ژنتیک امیدهای بزرگی را به وجود آورده است؛ اما همراه با این امیدها پرسش‌های اخلاقی مهمی نیز پدیدار شده است. راستی دانشمندان تا کجا مجاز به پیشروی هستند؟



۱۵



ژن درمانی که نویدهای معجزه آسایی را با خود دارد، هنوز در مراحل ابتدایی است.

هستیم. اگر جنین را موجودی انسانی تلقی کنیم، قطعاً دیگر موضوع استفاده از آن، حتی برای مقاصد درمانی موّجه، مطرح نخواهد بود. اما بحث به همین جا خاتمه نمی‌یابد. مخالفت برخی از اشخاص با این امر به خطر استفاده‌های بد یا اشتباه از جنین طی تحقیقات برمی‌گردد. حتی آنهایی که این اقدام را اخلاقاً مجاز می‌دانند غالباً معتقدند که باید حدود و شرایطی در مورد استفاده منحصراً پزشکی از آن تعیین شود.

پرسش‌های دیگری نیز مطرح می‌شود که به منبع چگونگی تأمین سلول‌های ریشه جنینی برمی‌گردد. آیا صحیح است که جنین‌هایی را صرفاً برای مقاصد تحقیقاتی به وجود آوریم؟ و اگر فقط جنین‌هایی مورد استفاده قرار گیرند که قرار نیست تبدیل به کودک شوند (همچون جنین‌هایی که طی لقاح آزمایشگاهی به وجود می‌آیند و به صورت منجمد نگهداری می‌شوند)، چگونه می‌توان در مورد میزان اعتبار تحقیق قضاوت نمود و چگونه باید حقوق والدین دهنده اسپرم و تخمک را تضمین کرد؟ و در مرحله آخر نیز باز با پرسش‌هایی روبه‌رو می‌شویم: آیا این سلول‌ها که قابلیت تکثیر فوق‌العاده‌ای را دارند، با خطر تبدیل شدن به تومورهای سرطانی روبه‌رو نیستند؟ اگر چنین شد، چه باید کرد؟

البته اخیراً تحولات تازه‌ای به وقوع پیوسته است. برخی از کشورهایی که تحقیق در زمینه سلول‌های ریشه جنینی را منع کرده بودند (مانند آلمان و فرانسه) ظاهراً به سوی مواضع بازتری حرکت کرده‌اند. به علاوه، با آنکه به نظر می‌رسید بهترین سلول‌های قابل استفاده، سلول‌های ریشه جنینی هستند، اما کشفیات دانشمندان کانادایی و سوئدی نشان داده است که سلول‌های ریشه بزرگسال نیز بیش از آنچه که تاکنون گمان می‌رفت، مفیدند.

موضوع شبیه‌سازی انسان همچنین سبب

استفاده از جنین انسان به عنوان منبع اعضای یدکی بدن، اندیشه‌ای امیدبخش و در عین حال ترس‌آور است. ترس انسان به این خاطر است که این اندیشه خیلی زود از عرصه تخیل علمی به قلمرو واقعیت رسیده است و نیز به این خاطر که حس می‌کنیم دست‌اندرکاران آن به واسطه دانش خود، قدرت تازه و خطرناکی یافته‌اند.

اندیشه غلبه بر بیماری‌ها — از قبیل پارکینسون — از طریق تعویض سلول‌های پیر یا آسیب‌دیده با سلول‌های نو و سالم یک جنین، یگانه طرحی نیست که علم اینک به مرحله عمل نزدیک کرده است؛ امکانات تازه دیگری نیز در افق علم پدیدار شده است که حقیقتاً خطرناک به نظر می‌رسد. یکی از این امکانات، شبیه‌سازی انسان است که برخی از دانشمندان مصمم‌اند به رغم ممنوعیت اعلام شده در بیانیه جهانی ژنوم انسانی و حقوق بشر یونسکو — که این عمل را خلاف شأن انسان می‌داند (بند ۱۱) — و قانون بسیاری از کشورها، بدان اقدام کنند.

به این ترتیب، به پرسش دشوار «تا کجا پیش خواهیم رفت؟» پرسش دیگر «تا کجا مجازیم پیش برویم؟» افزوده می‌شود که عرصه بسیار وسیع اخلاق زیستی را پیش روی ما می‌گشاید. مسائل عمده‌ای که اینک اخلاق زیستی با آنها روبه‌روست کدام‌اند؟ تحقیق در زمینه سلول‌های ریشه جنینی ممکن است ما را به تولید چیزهایی قادر کند که بدن شدیداً محتاجیم (اعضا، بافت و سلول برای پیوند) و ممکن است نویدبخش پیشرفت فوق‌العاده‌ای در مبارزه علیه بیماری‌های سخت یا لاعلاج کنونی همچون پارکینسون، الزایمر و غیره باشد.

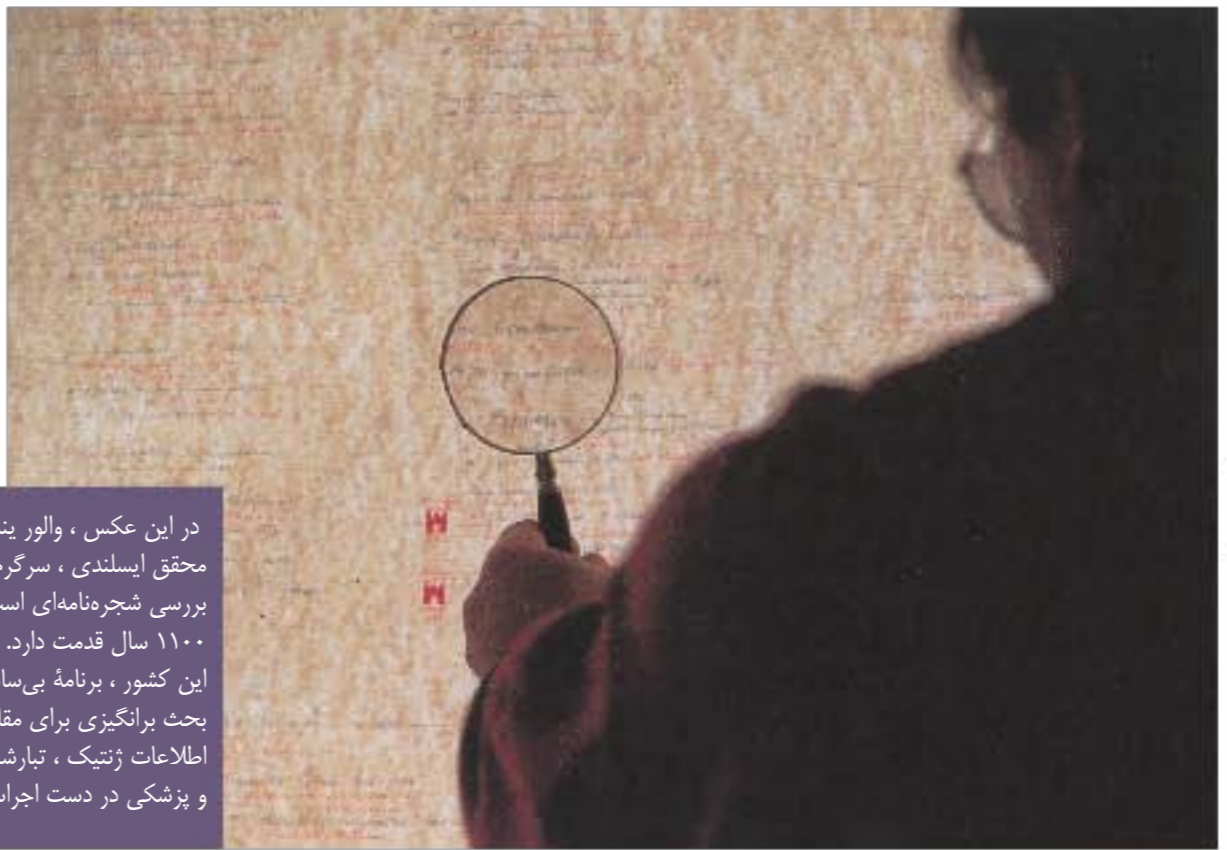
مشروعیت این تحقیق — ممنوعیت در برخی از کشورها و مجاز بودن در برخی دیگر — در درجه نخست بستگی به موقعیتی دارد که برای جنین قائل



۱۶



هسته هر یک از سلول‌های انسان حاوی دی‌ان‌ای (اسید دزوکسی ریبونوکلیتیک) است که در لحظه تقسیم سلولی، ۲۳ جفت کروموزوم را تولید می‌کند.



در این عکس ، والور ینسون، محقق ایسلندی ، سرگرم بررسی شجره‌نامه‌ای است که ۱۱۰۰ سال قدمت دارد. در این کشور ، برنامه‌بی سابقه و بحث برانگیزی برای مقایسه اطلاعات ژنتیک ، تبارشناسی و پزشکی در دست اجراست .

### احتیاط همه‌جانبه در ژنتیک

درجه اول، ممکن است چنین تبعیضی علیه فردی اعمال گردد که ژن او نشانگر نوعی بیماری یا زمینه مستعدی برای یک بیماری خاص باشد . احتمال می‌رود که این شخص از دستیابی به شغل محروم شود ، شرکت‌های بیمه از بیمه کردن او خودداری کنند و یا هزینه بیشتری را مطالبه نمایند و سازمان‌های اعتباری نامش را در فهرست سیاه قرار دهند. از سوی دیگر، ممکن است نتایج یک تحقیق ژنتیک در مورد قوم خاصی، به اعمال تبعیض گروهی علیه آنان بینجامد.

**در عصری** که بانک‌های اطلاعاتی در همه‌جا تأسیس می‌شوند و اطلاعات پزشکی و ژنتیک گروه‌های بزرگی از مردم در اختیار مؤسسات خصوصی با حقوق انحصاری قرار می‌گیرند، مسئله این اطلاعات نیازمند پاسخی فوری است. کمیته بین‌المللی اخلاق زیستی **یونسکو** در این باره گزارشی را منتشر کرد.\* ابزاری بین‌المللی برای حل این مشکل نیز تهیه شد و نخستین گردهمایی مربوط به آن در روزهای ۱۱ و ۱۲ فوریه ۲۰۰۲ در مقر

**یونسکو** در پاریس برگزار شد .

\* برای مطالعه این گزارش که تحت عنوان اطلاعات ژنتیک : بررسی مقدماتی IBC درباره جمع‌آوری ، پردازش ، نگهداری و استفاده تهیه شده است ، می‌توانید به نشانی زیر مراجعه کنید:

[www.unesco.org/ibc](http://www.unesco.org/ibc)

### کمیته بین‌المللی اخلاق زیستی

**کمیته بین‌المللی اخلاق زیستی (IBC)** را **یونسکو** در سال ۱۹۹۳ ایجاد کرد و ریاست آن را ریو ایچی ایدا، استاد حقوق دانشگاه کیوتو (ژاپن)، عهده‌دار است. IBC که یگانه مرجع جهانی در نوع خود است، پیشرفت‌های تحقیقات در علوم زیستی را مورد بررسی قرار می‌دهد تا از رعایت اصول مربوط به شأن و آزادی انسان در این تحقیقات اطمینان یابد. کمیته، موضوعات را مطرح می‌سازد تا راه را برای تعمق اخلاقی درباره آنها بگشاید، اما قصد ندارد نقش دادگاه را در این میانه به عهده گیرد. این وظیفه کشورهاست که از طریق قانونگذاران خود، انتخاب جامعه را در چارچوب قوانین بگنجانند و موضع مناسب را اتخاذ کنند. کمیته ۳۶ عضو دارد که دبیرکل **یونسکو** آنان را برای مدت چهار سال انتخاب می‌کند. **کمیته بین‌المللی اخلاق زیستی**، تهیه‌کننده بیانیه جهانی ژنوم انسانی و حقوق بشر است که در سال ۱۹۹۷ به تصویب **یونسکو** رسید. این بیانیه هنوز تنها ابزار بین‌المللی در این زمینه است.

بحث‌های بسیاری شده است. هر چند جامعه بین‌المللی قبلاً شبیه‌سازی انسان را نوعی سوءاستفاده غیرقابل قبول توصیف کرده است، اما امکان این عمل از بین نرفته است. برخی از دانشمندان با مردود دانستن مخالفت‌های جهانی، اعلام کرده‌اند که قصد دارند در این عرصه پیشروی کنند و همین امر ، نگرانی از پیدایش نوعی بازار غیرقانونی شبیه‌سازی را دامن زده است. اگر این ماجرای غیراخلاقی شکل بگیرد و به پیدایش یک انسان شبیه‌سازی شده بینجامد که زنده بماند، پرسش دشوار دیگری پدید خواهد آمد: کشوری که شبیه‌سازی را غیرقانونی می‌داند، با انسانی که از این راه به وجود آمده است ، چه خواهد کرد؟

شبیه‌سازی برای مقاصد درمانی نیز پرسش‌هایی را در پی دارد. آیا قابل قبول خواهد بود که برای درمان بیماری‌های لاعلاج و معلولیت‌ها ، بدین عمل مبادرت شود؟ آیا پذیرش شبیه‌سازی انسانی برای مقاصد درمانی (و در نتیجه اجرای فنون لازم برای آن) راهگشای شبیه‌سازی به منظور تولیدمثل نخواهد شد؟ در این صورت، مجدداً مسئله‌ای مطرح می‌شود که پیشتر بدان اشاره شد — حیات انسانی در کجا آغاز می‌شود؟

زیرا شبیه‌سازی مرسوم به درمانی شامل ایجاد یک «جنین» ، منحصرأ برای فراهم کردن سلول‌های ریشه خواهد بود.

پرسش‌های دیگری از قبیل آنچه که به مسئله تشخیص (زیربنای کار طبابت) مربوط است نیز وجود دارند که به‌رغم کم اهمیت بودن ظاهری، از لحاظ اخلاقی در رده پرسش‌های قبلی قرار دارند. اخلاق زیستی قبلاً در زمینه تشخیص پیش از زایمان ، با این پرسش روبه‌رو بود : چگونه باید از تبدیل این نوع تشخیص ، به ابزار کشف جنسیت جنین به منظور از میان بردن جنین مؤنث پیشگیری کرد؟ پیشرفت فناوری، نوع تازه‌ای از تشخیص را ممکن ساخته است که خطرات دیگری را در بر دارد: تشخیص ژنتیک — که فعلاً برای کشف بیماری‌های سخت احتمالی مورد استفاده قرار می‌گیرد — قدرت جدیدی است که ممکن است برای اهداف نژادی ؛ یعنی «دست‌چین کردن» موجودات انسانی به کار گرفته شود.

موقعیت قانونی ژنوم انسانی، خود زیربنای پرسش دیگری است: مالک این اطلاعات ژنتیک کیست؟ فردی که ماده ژنتیک از آن اوست؟ دانشمندی که خصوصیات آن را پیدا می‌کند؟ دانشمندی که کاربرد آن را می‌یابد؟ مؤسسه‌ای که هزینه این تحقیقات را تأمین می‌کند؟

اصولاً پروانه ثبت فقط برای ابداعاتی صادر می‌شود که دارای فایده یا کاربردهای صنعتی هستند، اما اینک شاهد تقاضای روزافزون ثبت پروانه برای اقداماتی درخصوص ژنوم و کاربردهایی از آن هستیم که مفید بودن آنها در آینده جنبه قطعی ندارد. چنانکه در گزارش کمیته بین‌المللی اخلاق زیستی **یونسکو (IBC)** تحت عنوان *اخلاق، مالکیت فکری و ژنومیک* آمده است، شمار سرسام آور پروانه‌های صادر شده به معنای آن است که «هزینه‌های آزمایش‌ها و درمان‌های ژنتیک چنان بالا خواهد بود که اغلب انسان‌ها و ملت‌ها بدان دسترسی نخواهند داشت».

آیا باید با حمایت از این «کشفیات» سبب محرومیت برخی انسان‌ها از امتیازات موعود آن شد؟ یا باید با کاستن از دامنه حقوق مالکیت فکری در این زمینه، به خطر کاهش سرمایه‌گذاری مؤسسات (به خاطر کاهش ضمانت سودشان) تن داد؟ هر چند کشفیات ژنتیک به این مسئله بعدی تازه داده است، اما قبلاً نیز با همین مسئله درگیر بودیم. نمونه بارز آن داروهای ضد ایدز است که به خاطر همین ، پروانه‌های حقوق مالکیت فکری چنان گران‌اند که برخی کشورها از تهیه آن عاجز هستند.

# تولد دوباره کتابخانه اسکندریه

یکی از بزرگ ترین مراکز فرهنگی عهد باستان ؛ یعنی کتابخانه اسکندریه، پس از یک هزار و ششصد سال به صورتی جدید و مجهز باز قد برافراشته است.



اسماعیل سراج الدین،  
مدیر کتابخانه



شهری که اسکندر مقدونی در ساحل مدیترانه بنا کرد، کتابخانه اش را به صورتی بسیار امروزی و مجهز باز می یابد.

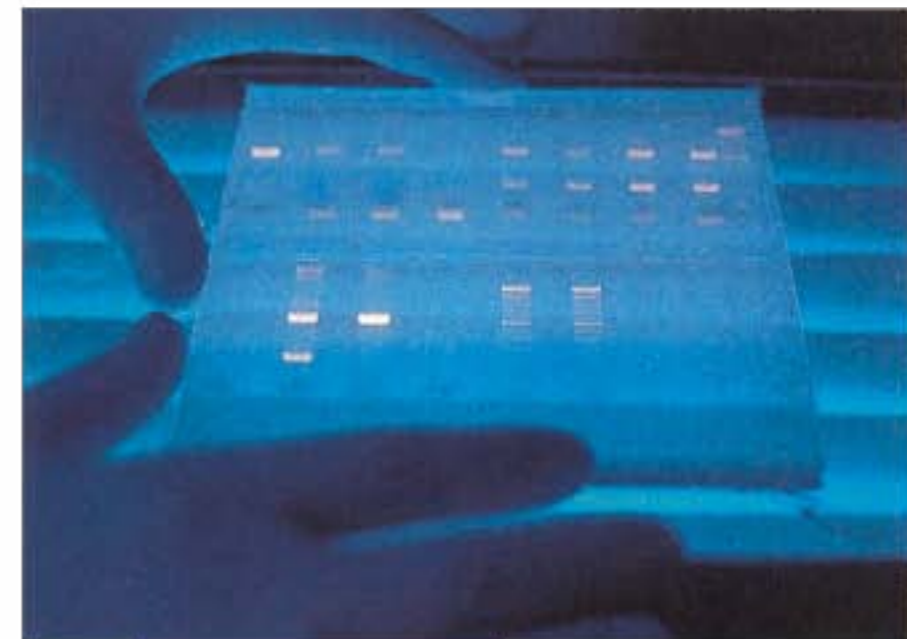
کتابخانه اسکندریه که بزرگ ترین کتابخانه روزگار باستان بود، همان مکانی که در آن کتاب عهد عتیق نخستین بار از عبری به یونانی ترجمه شد و اقلیدس در آنجا هندسه را ابداع کرد، حالا از پس قرن های متمادی دوباره سر بر آورده است. اسماعیل سراج الدین، مدیر کتابخانه می گوید: «جالب است که به رغم وجود جنگ های متعدد در اطراف جهان و در حالی که صحبت از برخورد تمدن هاست، کتابخانه اسکندریه درست در فاصله چند متری مکان باستانی اش دوباره سر بر می آورد تا باز مکانی باشد برای : دانش جهانی، درک یکدیگر و بردباری». قرار بود کتابخانه جدید که در سراسر خاورمیانه و افریقا بی همتاست، روز ۲۳ آوریل ۲۰۰۲ افتتاح شود ؛ اما تحولات اوضاع در خاورمیانه سبب به تعویق افتادن تاریخ گشایش آن شد. کتابخانه اسکندریه برای ۸ میلیون کتاب گنجایش دارد و به جدیدترین فناوری های اطلاعاتی، به ویژه دیجیتالی کردن متون، مجهز است. معماری کتابخانه نیز در جهان منحصر به فرد است. سراج الدین می گوید: «ساختمان کتابخانه نمایانگر صفحه خورشیدی است که از زمین برآمده و به دریا رو کرده است. این، نماد وسعت و گستردگی دانش است». سراج الدین می افزاید: «ساختمان کتابخانه مانند اپرای سیدنی یا موزه گوگنهایم ، طرحی استثنایی دارد». ساختمان علاوه بر کتابخانه و قرائتخانه ۱۷۰۰ نفری، شامل یک سالن ۳۵۰۰ نفری کنفرانس، یک افلاک نما، پنج مرکز تحقیقاتی، یک مرکز اینترنت، سه موزه و چهار نگارخانه هنری است. به عقیده سراج الدین، این «مجتمع بزرگ فرهنگی بین المللی» با موزیون، معبد موزه ها که کتابخانه و دانشگاه باستانی اسکندریه را در بر می گرفت و در آن شاعران، هنرمندان و دانشمندان گردهم می آمدند ، قابل قیاس است .

امید جمع آوری شده است ، چه باید کرد؟ این اطلاعات شامل نمونه های زیست شناختی مقدماتی، دی ان ای ایزوله شده، سوابق رشته های دی ان ای و اطلاعات مربوط به وضعیت کروموزوم هاست. اطلاعات یاد شده در معنایی وسیع تر می تواند سوابق پزشکی مکتوب خانواده ها را نیز در بر گیرد. جمع آوری، پردازش، نگاهداری و استفاده مجدد این اطلاعات ژنتیک ممکن است مشکلات و مسائل اخلاقی متعددی را سبب شود. کمیته بین المللی اخلاق زیستی تاکنون گزارش هایی را در این خصوص منتشر کرده است . یونسکو مجموعه ای از رهنمودها در این باره را در دست تدوین دارد.

بی برگیار

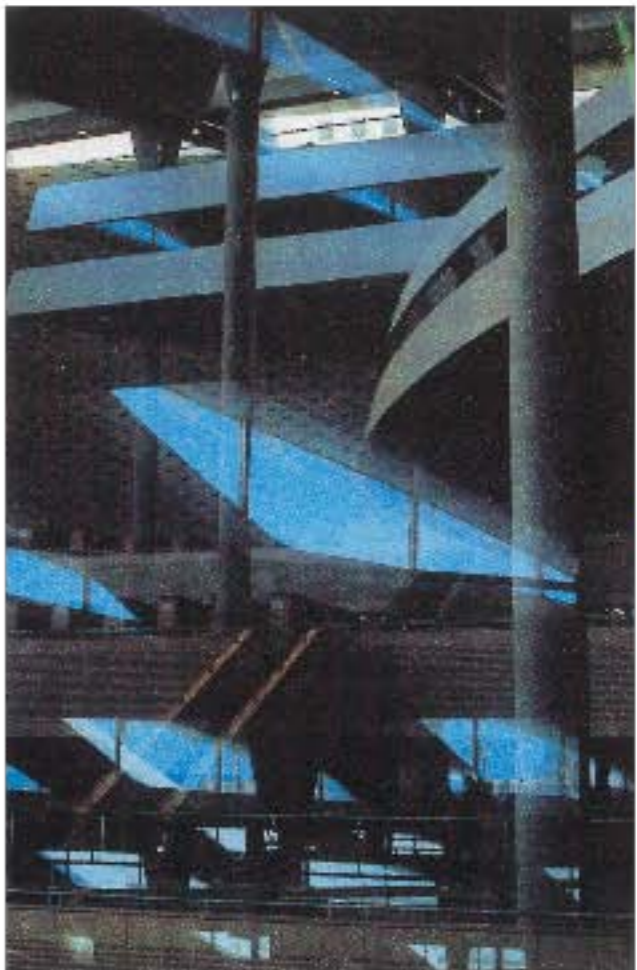
## ژنوم انسانی میراث بشریت

این مشکل عدالت در زمینه پیوند اعضا و بافت های انسانی نیز خودنمایی می کند . البته ممکن است پیشرفت های علمی (مثلا پیوند اعضای حیواناتی که دستکاری ژنتیک شده اند به بدن انسان) در آینده ، عدم تعادل بین عرضه و تقاضای اعضا را از بین ببرد. اما این پیروزی هزینه ای در بر خواهد داشت که برای کشورهای جنوب بسیار سنگین است. در اینجا، از نظر اخلاقی مسئله کلی تری مطرح می شود که همانا موضوع همبستگی است. از آنجا که ژنوم انسانی به موجب بند نخست بیانیه جهانی در مورد ژنوم انسانی و حقوق بشر، « میراث بشریت» است ، پس فواید تحقیقات - که عمدتاً در کشورهای صنعتی صورت می گیرد اما مصالح آن غالباً از کشورهای دیگر تأمین می شود - نیز باید به نحو عادلانه تری تقسیم شود ؛ و بالاخره به این مسئله می رسیم که با اطلاعاتی که طی این کشفیات پر بیم و



دی ان ای مژنونین به ارتکاب جنایات جنسی در آزمایشگاه کد ژن در شهر استراسبورگ (فرانسه) کدیابی می شود.





ارتباطات

۲۱

این ساختمان چیزی بیش از یک کتابخانه است.

سپس جهان عرب و بالاخره قاره آفریقا را شامل می‌شود. ما همکاری نزدیکی با دانشگاه‌های اسکندریه و سنگور، فرهنگستان علوم و فناوری عرب، مرکز خلاقیت مصر و برخی از مراکز دیگر خواهیم داشت. موضوعات اصلی تحقیقات ما نیز به تاریخ کتابخانه باستانی اسکندریه، اخلاق علمی و فناوری و بالاخره آب مربوط خواهد بود. سراج‌الدین که خود فارغ‌التحصیل رشته معماری است، با هیجان در مورد ساختمان کتابخانه صحبت می‌کند: «طراحی ساختمان را گروهی از مهندسان جوان و بسیار با استعداد نروژی (از شرکت اسنوهتا) به عهده داشتند و کار احداث آن به یک مهندس بزرگ مصری به نام ممدوح حمزه واگذار گردید و او موفق شد کار دشواری همچون ساختمان‌سازی در سطحی برابر با ۱۸ متر پایین‌تر از سطح دریا را به سرانجام برساند. طراحی بنا، به گونه‌ای است که هیبت آن به نظر انسان نمی‌رسد؛ به این معنا که هنگامی که به آن نزدیک می‌شوید، یازده طبقه آن با ۱۶۰ متر ارتفاع چندان به چشم نمی‌آید. ساختمان را دیواری به شکل نیمه ماه احاطه کرده که بخشی از آن، در زیر زمین مدفون است. بر سطح مرئی دیوار، حروف الفبای ۱۲۰ زبان مختلف نقش شده است. در مجموع، ساختمان کتابخانه ظاهری زیبا، امروزی و آرامش‌بخش دارد».

سراج‌الدین بیش از همه، به سالن قرائتخانه می‌بالد: «این، زیباترین قرائتخانه دنیاست. نور ملایمی که در تمام سالن پخش می‌شود و سقف بلند آن که بر ستون‌های زیبایی قرار گرفته است، چنان فضای اشتیاق‌بخشی را ایجاد کرده‌اند که به قولی، گویی به «کلیسای علم» پا گذاشته‌ایم». یک استاد دانشگاه اهل مغرب که از بخشی به نام مثلث کالیماک - نوعی پیش‌آمدگی شبیه بالکن که از آنجا می‌توان سطوح هفت‌گانه ساختمان را مشاهده کرد - قرائتخانه را تماشا می‌کند، می‌گوید: «در آینده، گردشگران بیشتر برای دیدن این کتابخانه به مصر خواهند آمد، تا برای دیدن اهرام».

سراج‌الدین انتقادهایی را که در مورد هزینه‌های احداث کتابخانه صورت گرفت، قاطعانه رد کرد: «کل هزینه، ۲۲۰ میلیون دلار بود که ۹۷/۶ میلیون دلار آن از خارج تأمین شد و بقیه را دولت مصر پرداخت کرد. برای یک کشور ۶۷ میلیون نفری، پرداخت ۱۲۰ میلیون دلار ظرف ده سال به منظور ایجاد یک مرکز عظیم فرهنگی، سرمایه‌گذاری نامعقولی نیست». وی می‌افزاید: «خاندان بطلمیوس نیز در زمان خود، مورد انتقادهای مشابهی قرار گرفتند، اما تاریخ ثابت کرد که کار آنان درست بوده



پلکان منتهی به بام گرد کتابخانه که تداعی‌گر طلوع خورشید است (راست). حروف الفبای ۱۲۰ زبان بر دیوار کتابخانه حک شده است (پایین).



ارتباطات

۲۲



است. امروز، ما هنوز از سهم کتابخانه باستانی اسکندریه در دانش جهانی و میراث فرهنگی جامعه بشری، به عنوان یکی از بزرگ‌ترین اقدامات معنوی انسان‌ها الهام می‌گیریم». همین تجدید پیوند با آن سنت گرانبه‌است که ایجاد کتابخانه امروزی را از اهمیت جهانی برخوردار ساخته است. به گفته سراج‌الدین، «مشاهده اشتیاق هزاران نفر در سراسر جهان برای افتتاح کتابخانه اسکندریه که خود را به اندازه مردم مصر در این ماجرا سهیم می‌دانند، بسیار هیجان‌آور است».

اسیل لوپز

حمایتی جهانی از اقدامی فرهنگی

به گفته اسماعیل سراج‌الدین، در پی درخواست دولت مصر، یونسکو حمایت جهانی را برای ایجاد کتابخانه اسکندریه جلب کرد.

یونسکو در سال ۱۹۸۷ از جامعه جهانی خواستار حمایت از «تولد دوباره کتابخانه اسکندریه» شد و هزینه تحقیقات مقدماتی این کار را پرداخت کرد و یک سال بعد، همراه با اتحادیه بین‌المللی مهندسان معماری (IUA) و برنامه توسعه سازمان ملل (UNDP) مسابقه‌ای جهانی را برای طراحی کتابخانه ترتیب داد، ضمن اینکه نشست اسوان را در سال ۱۹۹۰ تشکیل داد که در آن ۶۵ میلیون دلار (عمدتاً از کشورهای عربی) برای احداث کتابخانه جمع‌آوری شد.

یونسکو خدمات‌رسان (server) اینترنت و هزینه لازم برای ایجاد پایگاه اینترنتی کتابخانه را تأمین کرد؛ همچنین هزینه‌های کتابخانه الکترونیکی برای نابینایان، آموزش متخصصان کتابخانه و توسعه سامانه‌های اطلاعاتی آن را پرداخت کرد. بالاخره آنکه، یونسکو برنامه‌ای را برای دانشکده بین‌المللی مطالعات اطلاعاتی مستقر در کتابخانه تدوین نمود و در آنجا یک آزمایشگاه مرمت نسخه‌های دستنویس را دایر کرد.

برای اطلاعات بیشتر، به نشانی زیر مراجعه شود:

[www.bibalex.gov.eg](http://www.bibalex.gov.eg)

[www.unesco.org/webworld/alexandria\\_new/index.html](http://www.unesco.org/webworld/alexandria_new/index.html)

# فضای سبز شهری

شهرها نه فقط جنگل‌هایی از بتون و آسفالت، بلکه بوم‌سازگان‌هایی پیچیده‌اند. این بوم‌سازگان‌ها، قواعد ویژه و گونه غالب خود؛ یعنی انسان را دارند.



یک عقاب مهاجر، از آشیانه‌اش که روی یکی از بام‌های منهدن قرار دارد، مراقبت می‌کند. پرندگان شکاری که در سال ۱۹۸۳ دوباره به نیویورک آورده شدند، تحت محافظت دقیق اداره حفاظت محیط‌زیست به خوبی تولید مثل کردند. ظرف این مدت، تعداد ۱۴۵ جوجه از این پرندگان پدید آمدند که تعدادی از آنان به سایر مناطق انتقال یافتند.

چه کسی باور می‌کند که انواع گیاهان در شعاع ۵۰ کیلومتری حومه نیویورک، بیش از انواع گیاهانی باشند که در هر یک از مناطق کشاورزی ایالت نبراسکا با وسعت مشابهی می‌توان سراغ گرفت. جالب‌تر آنکه مقدار گندمی که مردم نیویورک سالانه به صورت نان و غذاهایی همچون ماکارونی و اسپاگتی مصرف می‌کنند، از میزان کل تولید گندم نبراسکا بیشتر است. این آمار تعجب آور تنها، نمونه‌ای از جدیدترین یافته‌های محققان است که توجهشان بیش از گذشته به شهرها معطوف شده است. محققان، شهرهای دیگر را نه منحصراً جنگل‌های بتونی، بلکه سامانه‌های زیستی تلقی می‌کنند که ویژگی‌ها و گونه غالب خود؛ یعنی انسان را دارا هستند. جلب توجه دانشمندان به سوی شهرها همچنین با تحول در دیدگاه آنان نسبت به حفاظت از محیط‌زیست همراه است. آنان تدریجاً آرمان طبیعتی بکر و وحشی را به کناری نهاده و

هدف توسعه‌ای پایدار را که متضمن منافع گروه‌های انسانی ذی ربط باشد، جانشین آن کرده‌اند. ویلیام سولکی و سینتیا روزنبرگ، از استادان دانشگاه‌های امریکا، که از جانب کنگره آن کشور مأمور تحقیق در مورد آثار تحولات اقلیمی بر شهر نیویورک شده‌اند، نگاه دقیقی را به جاذبه‌های پنهان این شهر انداخته‌اند. [http://metroeast\\_climate.ciesin.columbia.edu](http://metroeast_climate.ciesin.columbia.edu) آنان طی گزارشی با عنوان بررسی ساحل مترو/زیست خاطر نشان ساختند که تنوع زیستی نیویورک باعث کاهش آثار منفی گرم شدن زمین بر آن شده است. این دو دانشمند همچنین به منظور یافتن ابزارهای تازه تحقیق و برنامه‌ریزی، وارد ارتباط با «برنامه انسان و زیست کره» (MAB) یونسکو شدند. کریستین آلفسن - نورودوم، مدیر «برنامه انسان و زیست کره» در نیویورک، می‌گوید: «مفهوم حفظ زیست کره (نگاه کنید به مطلب داخل کادر) معمولاً با زیست‌محیط‌های

عمدتاً بکر و بسیار کم‌جمعیت مرتبط بود و تاکنون هرگز امکان کاربرد این مفهوم در مورد کلان شهری چون نیویورک تحت بررسی قرار نگرفته بود». اما به عقیده پی‌یترو گارو، مدیر «دفتر اروپا»ی «مرکز سازمان ملل برای سکونت‌گاه‌های انسانی» جاذبه بوم‌شناختی شهرها ارتباط چندانی به فضای سبز آنها ندارد. پی‌یترو گارو که سال ۲۰۰۱ در کنفرانسی در خصوص «تنوع زیستی و جامعه» در نیویورک سخن گفت، چنین توضیح داد که: «یک شهرنشین، در مقایسه با یک روستا نشین، زمین و انرژی کمتری را مورد استفاده قرار می‌دهد. اگر شهری وجود نداشت و می‌خواستیم در سال ۲۰۰۱، همه زمین‌های موجود را بین ساکنان جهان تقسیم کنیم، به هر نفر ۲/۱۶ هکتار می‌رسید، اما با رشد جمعیت، این نسبت در سال ۲۰۵۰ به ۱/۴ هکتار کاهش خواهد یافت و البته چنین روندی در درازمدت به بن‌بست برخورد خواهد کرد». پی‌یترو گارو سپس به نحوی بحث‌برانگیز افزود: «پس شهرنشینی شاید بهترین اقدام برای نجات محیط‌زیست باشد».

## تالاب‌ها

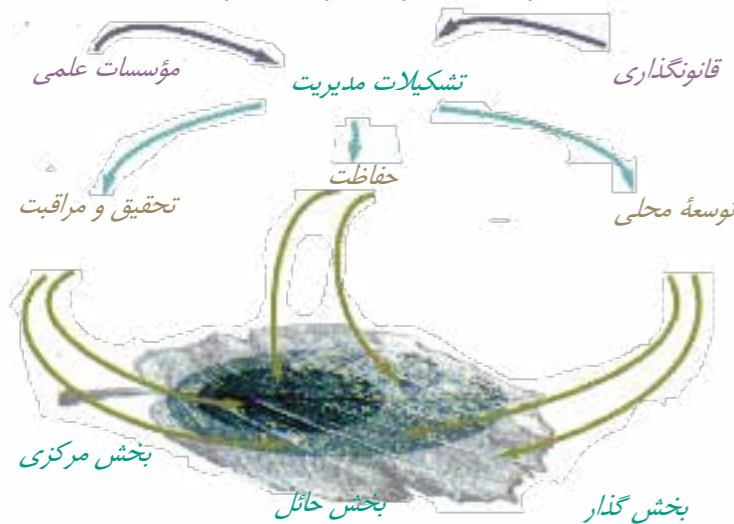
محیط‌های شهری قابلیت آن را دارند که بوم‌های کاملاً متنوعی را جهت زیست گیاهان و حیوانات ارائه کنند. ساختمان‌های بلند سنگی می‌توانند نقش صخره‌ها را ایفا کنند و چمن‌ها نیز جایگزین گرم‌دشت‌ها باشند. برخی از نقاط مرکز شهرها که رفت و آمد در آنها زیاد نیست؛ (مانند: گورستان‌هایی قدیمی، کارخانه‌ها و خطوط مترو که راه‌آهن) می‌توانند مکان‌های منحصر به فردی برای زندگی حیوانات و گیاهان نادر باشند. جغرافیای ساحلی نیویورک، ویژگی‌های طبیعی بی‌نظیری را به این شهر می‌بخشد. مثلاً، بخش بزرگی از شهر، روی یک باتلاق نمکی، مشابه باتلاقی که هنوز در خلیج جامائیکا وجود دارد و از وال استریت دیده می‌شود (نگاه کنید به نقشه)، بنا شده است. بیل سولکی می‌گوید: «به‌طور کلی، تالاب‌ها بیشتر برای احداث فرودگاه، تخلیه زباله و مانند آن مورد استفاده قرار گرفته‌اند. اما نکته‌ای که باید مورد توجه قرار گیرد آن است که بیشترین تنوع زیستی شهر در کناره آب‌ها یافت می‌شود. همچنین این نقاط در برابر تحولات اقلیمی، آسیب پذیرترین مناطق - اند».

وانگهی، باتلاق‌های نمکی با ایفای نقش منطقه حائل، باعث کاهش خسارات ناشی از بالا آمدن سطح آب دریا که یکی از بزرگ‌ترین مخاطرات برای نیویورک است، می‌شوند. با این وصف، وقتی که خانم الین هارتینگ، متخصص تالاب، تصاویر قبلی خلیج جامائیکا را با تصاویر کنونی آن مقایسه کرد، پی برد که سطح تالاب‌ها نسبت

حفاظت از زیست کره در شهرها

یونسکو اندک زمانی پس از راه‌اندازی «برنامه انسان و کره مسکون» (MAB) در سال ۱۹۶۸، از کشورهای عضو دعوت کرد تا مکان‌هایی را برای ایجاد نخستین ذخیره‌گاه‌های زیست کره پیشنهاد کنند. قرار بود این مکان‌ها به‌طور آزمایشی برای ایجاد تعادل بین سه هدف ظاهراً ناسازگار؛ یعنی حفاظت از تنوع زیستی، توسعه پایدار اقتصادی و اجتماعی و بالاخره، حفاظت از ارزش‌های فرهنگی منطقه‌ای مورد استفاده قرار گیرند. امروز، شبکه‌ای از ۴۰۹ ذخیره‌گاه زیست کره در ۹۴ کشور جهان ایجاد شده است. این ذخیره‌گاه‌ها، به سه بخش: مرکزی، حائل و گذار تقسیم می‌شوند. در بخش مرکزی بوم‌های در مخاطره و تنوع زیستی مورد حفاظت قرار می‌گیرند. بخش حائل برای محافظت از بخش مرکزی است و بخش گذار منطقه‌ای بین بخش حائل و مناطق اطراف است. تاکنون، تقریباً همه ذخیره‌گاه‌های زیست کره در مناطق نسبتاً دورافتاده ایجاد شده‌اند، اما «برنامه انسان و کره مسکون» از اواخر دهه ۹۰ در پی ایجاد این ذخیره‌گاه‌ها در مناطق شهری برآمده است. اما در این صورت، بخش مرکزی ذخیره‌گاه را کجا باید قرار داد؟ به عقیده برخی، بخش مرکزی می‌تواند شهر و پس کرانه‌اش را شامل شود. با این وصف، کارشناسان در مورد نیویورک پیشنهاد می‌کنند که بخش مرکزی به ساحل دریا محدود شود که آسیب‌پذیرترین و همچنین غنی‌ترین ناحیه از جهت تنوع‌زیستی و مهم‌ترین ناحیه از جنبه اقتصادی است. [www.unesco.org/mab/urban/urbanhome.htm](http://www.unesco.org/mab/urban/urbanhome.htm)

## اداره یک ذخیره‌گاه زیست کره



علوم

۲۴



علوم

۲۳



غازهای کانادایی در خلیج جامائیکا شاهد عبور متروی نیویورک از مناطق باتلاقی هستند. ذخیره‌گاه طبیعی در خلیج جامائیکا مأمّن بیش از ۳۰۰ نوع پرنده است.



به سال ۱۹۵۹ دوازده درصد و در برخی از جزیره‌های کوچک ، حتی تا حدود شصت درصد کاهش یافته است . وی می‌گوید: «در اطراف لانگ آیلند تعداد سیزده جزیره وجود داشت ؛ اما حالا فقط هفت جزیره وجود دارد». بالا آمدن سطح دریا منطبقاً باید سبب «گسترش» تالاب‌ها به سوی داخل خشکی می‌شد، اما ساخت و سازهای روی ساحل موجب محصور شدن تالاب‌ها شده است. نتیجه آنکه ، کناره‌های دریا زیر آب رفته است و گونه‌هایی از گیاهان ویژه باتلاق‌های نمکی که نمی‌توانند در آب عمیق به حیات ادامه دهند، نابود شده‌اند.

### شهر بزرگ‌تر، مرکز سبزتر

بیل سولکی معتقد است : « کنش و واکنش پیچیده میان انسان و محیطش را در مکانی چون نیویورک تنها در صورتی می‌توان درک — و نتیجتاً مهار — کرد که شهر را بوم‌سازگانی به تمام معنا ببینیم ». از این دیدگاه، اگر روزی باتلاق‌های نیویورک از میان بروند، اهالی شهر ناچار خواهند شد برای محافظت از خود در مقابل طغیان آب ، که فعلاً به صورت «خدمات طبیعت» به شکل رایگان از آن برخوردارند، بها پرداخت کنند. مسئولان برنامه‌ریزی نیویورک از هم‌اکنون در اندیشهٔ احداث موانع مصنوعی هستند، درحالی که مقامات بندری این شهر و بندر نیوجرسی تاکنون یک بار سطح باند اصلی فرودگاه جان.اف. کندی را بالا برده‌اند و در نظر دارند بار دیگر این کار را تکرار کنند. از سوی دیگر، درختان و فضای سبز پارک مرکزی نیویورک نیز به کاهش آلودگی هوا و «گرمای اضافی» ناشی از ترکیب بتون (که گرما را نگه می‌دارد) و شدت فعالیت‌های انسانی کمک می‌کند.

به موازات افزایش وسعت شهر، محصولات و خدمات طبیعی مورد نیاز مردمان آن نیز باید از منابعی دور دست‌تر تأمین گردد. ویلیام ریس، اقتصاددان کانادایی در سال ۱۹۹۲ برای اشاره به وسعت زمین‌های حاصلخیزی که برای تأمین نیازهای مردم یک شهر لازم است، اصطلاح ردپای بوم‌شناختی را وضع کرد. این زمین‌ها معمولاً در پس کرانهٔ شهر مورد اشاره قرار دارد، اما در مورد نیویورک دامنهٔ آن تا برخی از مناطق نبراسکا که پیشتر مرتع بودند و حالا به مزارع گندم و سیب‌زمینی تبدیل شده‌اند کشیده می‌شود ، ضمن اینکه حتی مزارع قهوهٔ آمریکای لاتین را هم شامل می‌شود. جالب آنکه هر چه پس کرانهٔ شهر گسترش می -



یابد ، مرکز آن سبزتر می‌شود. به گفتهٔ خانم جین وایسمن، بنیانگذار انجمن گرین تامب در نیویورک، انجمن‌های محلی این شهر از سال ۱۹۷۸ حدود ۷۰۰ باغ گل و سبزی به مساحت ۶۰ هکتار را در نقاط مختلف شهر به وجود آوردند . کریستین الفسن - نورودوم می‌گوید: «برخی از دست‌اندرکاران مستغلات معتقدند : احداث دوبارهٔ یک مرکز تجاری در این مکان وظیفهٔ ملی است ؛ اما شتاب آنان نشان‌دهندهٔ نگرانی‌شان از این امر است که میادا مردم برای این مکان ، که جنبه‌ای بسیار نمادین یافته است ، فکر دیگری بکنند».

اکنون مردم بیشتر ابراز تمایل می‌کنند که منطقهٔ مذکور به مکانی فرهنگی تبدیل گردد که تجلی‌گاه پیوند بین «طبیعت» و «بتون» باشد. اگر قرار باشد نیویورک روزی به الگویی از زیست‌کره تبدیل شود، تنوع فرهنگی آن نیز باید به اندازهٔ تنوع زیستی مورد توجه قرار گیرد. تفاوت بین بوم‌شناختی شهری نیویورک و بوم‌شناختی شهرهای بالتیمور و فونیکس احتمالاً در همین نکته نهفته است.

برنامه‌ریزان شهر نیویورک پس از دریافت گزارش بررسی ساحل متروایست ، پی بردند که طبیعت این شهر فقط جنبهٔ زیباسازی ندارد، بلکه می‌تواند در صورت بالا آمدن آب دریا مانع از آن شود که اهالی شهر به کار کردن در قایق‌های پارویی بپردازند. کریستوفر زپی از مسئولان ادارهٔ بندر نیویورک، پس از ارائهٔ گزارش، برنامه‌ریزان شهری را فرا خواند تا تخیل خویش را به کار اندازند. وی گفت: «عصر حجر به این خاطر تمام نشد که بشر سنگ کم آورد».

پیتر کولس

باتلاق‌هایی که در فاصلهٔ کمی از مرکز نیویورک قرار دارند و هر روز مدّ دریا آنها را می‌پوشاند ، از غنی‌ترین بوم‌سازگان‌های منطقه‌اند. پس از عقب‌نشینی مد می - توان ، خرچنگ‌هایی که از سوراخ‌هایشان بیرون می‌آیند، پرنده‌گانی همچون این دو کاکل ، به علاوهٔ انبوهی از انواع ماهی‌ها و صدف‌ها را در آنجا دید.



**در ماه مه**، در نیویورک، تعداد آدم‌هایی که برای تماشای پرنده‌گان به بیشهٔ رمیل، در پارک مرکزی این شهر، می‌روند شاید از تعداد پرنده‌گان بیشتر باشد. در این موسم از سال، صدها پرنده با رنگ‌های مختلف از مکزیک و بولیوی به منهتن می‌آیند و پس از چند هفته به سوی جنگل‌های کانادا پر می‌کشند. گاهی که یکی از عقاب‌های مهاجر شهر در آسمان پارک پدیدار می‌شود ، همه‌مهٔ دیوانه‌وار این پرنده‌گان بیشه را پُر می‌کند.

**استفاده از د.د.ت** در دههٔ ۶۰ باعث انقراض نسل عقاب مهاجر در ایالت نیویورک شد، اما در دههٔ ۸۰ دوباره این پرنده را به ایالت آوردند. هیچ‌کس گمان نمی‌کرد که این پرنده‌گان کوهستانی در شهر بمانند و در پل بروکلین آشیانه بسازند. امروز، تعداد ۱۴ جفت از این عقاب‌ها در پل بروکلین و نقاط غیر

### پرندگان بهشت

قابل انتظار همچون کلیسای ریورساید آشیانه کرده‌اند و با سرعت ۲۴۰ کیلومتر در ساعت به جست وجوی شکارهای خود می‌روند. حتی یک جفت عقاب دم قرمز سال‌هاست که روی لبهٔ یک آپارتمان شیک در خیابان پنجم آشیانه کرده‌اند.

**طبیعت بکر** فقط چند کیلومتر با ساختمان امپایر استیت فاصله دارد. پس از شهرک آرام برود چانل در نزدیکی باند اصلی فرودگاه جان اف کندی ، به «پناهگاه حیات وحش گیت وی» می‌رسیم که در محدودهٔ خلیج جامائیکا قرار دارد. باتلاق‌های نمکی، ساحل و درختان این مکان، پناهگاه بیش از ۳۲۵ نوع پرنده، خرچنگ‌ها، قورباغه‌ها، لاک‌پشت‌ها و نیز پروانه، پشه و انواع حشرات است. تحقیقات «پارک‌های گیاه‌شناسی بروکلین» نشان‌دهندهٔ تعداد ۳۰۰۰ نوع گیاه در پنج ناحیهٔ شهر نیویورک است.



## کیفیت و کمیت

در مناطقی چون امریکای لاتین که ۸۰ درصد از کودکان ، حداقل از آموزش ابتدایی برخوردارند، مسئله تأمین کیفیت آموزش حائز اهمیت است. اما در افریقا باید در اندیشه تأمین آموزش برای چهل درصد از کودکان این قاره بود که اصلاً به مدرسه نمی‌روند.



۲۷



افریقا ، هنوز به نحو چشمگیری با مسئله تأمین آموزش ابتدایی برای همگان روبه‌رو است.

بنابر گزارش مؤسسه آمار یونسکو (ISU) ، در امریکای لاتین حدود دو میلیون کودک که باید به دبستان بروند و ۲۰ میلیون کودک که باید به مدارس متوسطه بروند، از آموزش محروم‌اند. در مناطق روستایی، از هر پنج کودک ، دو کودک دوره دبستان را به پایان نمی‌رسانند و یا آن را با دست‌کم دو سال تأخیر تمام می‌کنند، در صورتی که در شهرها این نسبت ، یک کودک از هر شش کودک است. در گزارش مؤسسه آمار یونسکو در مورد امریکای لاتین و کاراییب<sup>۱</sup> ، وضعیت آموزش در ۱۹ کشور منطقه بررسی شد . اطلاعات این گزارش که طی سال تحصیلی ۱۹۹۸-۱۹۹۹ جمع‌آوری گردید ، به وضعیت آموزشی دانش‌آموزان و دانشجویان ( اعم از بخش آموزش خصوصی و دولتی )، کارکنان آموزشی و هزینه‌های آموزش مربوط می‌شود. این اطلاعات از منابع ملی و جزء آن، از جمله «کمسیون اقتصادی برای امریکای لاتین و کاراییب» (CEPALC) تأمین شد. در خاتمه گزارش یاد شده آمده است که نسبت کودکان مدرسه‌رو در منطقه امریکای لاتین و کاراییب رو به فزونی است، اما آنان هنوز از امکانات کامل برای موفقیت در تحصیل برخوردار نیستند. کن روس، محقق مؤسسه بین‌المللی برنامه‌ریزی آموزش یونسکو (IIEP) می‌گوید: « فرستادن کودکان به مدرسه فقط مرحله نخست است. مرحله مهم‌تر، نگاه داشتن آنان در مدرسه و فراهم ساختن امکانات درست آموزش برای آنان است.»

در کلیه کشورهای مورد تحقیق ، دست‌کم ۸۰ درصد از تمامی کودکان به دبستان می‌روند ، اما فقط ۵۴

درصد از کلیه کودکانی که در سنین رفتن به مدرسه متوسطه هستند ، در این دوره حضور دارند . این بدان معناست که حدود ۲۰ میلیون کودک ، از نظام آموزشی خارج می‌شوند و یا هنوز در دبستان درجا می‌زنند . در بعضی از کشورها ، میزان ترک تحصیل و یا درجا زدن بسیار بالاست. مثلاً در برزیل، ۲۴ درصد از دانش‌آموزان ابتدایی و ۱۸ درصد از دانش‌آموزان متوسطه ، در جا می‌زنند. در نیکاراگوئه ، از هر ۱۰۰ کودک که وارد دبستان می‌شوند ، فقط ۵۵ نفر به کلاس پنجم می‌رسند. در این مورد ، بهترین آمار با ۹۴ درصد متعلق به آرژانتین است.

براساس گزارش ، تحصیلات دانشگاهی یکی از «بزرگ‌ترین چالش‌های آموزشی» منطقه است. به‌رغم افزایش میزان ثبت‌نام دانشگاهی در دهه نود، تعداد کل دانشجویان منطقه در سال ۱۹۹۸ از ۹/۵ میلیون نفر تجاوز نکرد که حدود ۶۰ درصد از این تعداد ، فقط به کشورهای برزیل، آرژانتین و مکزیک مربوط می‌شود.

در مجموع، کودکان امریکای لاتین به‌طور متوسط کمتر از نه سال تحصیل می‌کنند که این نسبت در مقایسه با ۲۰ سال پیش ، فقط ۱۸ ماه افزایش را نشان می‌دهد. این نسبت همچنین فاصله زیادی با ۱۲ سال تحصیل را دارد که (CEPALC) به عنوان «حداقل آموزش لازم برای هر فرد به منظور کسب درآمد کافی برای خروج از فقر» تعیین کرده است. گزارش ، به بیان علت های این وضعیت غم‌انگیز نمی‌پردازد، اما خاطر نشان می‌سازد که کشورهای منطقه برای اجرای اصلاحات ضروری ، تلاش فراوانی می‌کنند و همچنان در مقابل رویدادهای خارجی که



بسیاری از کودکان کارگر در نیکاراگوئا ، قادر نیستند که از روند سنتی مدرسه رفتن پیروی کنند.

**مؤسسه آمار یونسکو (ISU)** در سال ۱۹۹۹ به منظور اجرای برنامه سازمان در زمینه آمار ایجاد شد. هدف، تهیه مفیدترین آمارهاست.

**اطلاعاتی راکه ISU جمع‌آوری می‌کند ، علاوه بر آنکه امکان تشخیص و تفسیر تحولات جهانی را در عرصه‌های آموزش، علوم، فرهنگ و ارتباطات فراهم می‌سازد، به کشورها نیز کمک می‌کند تا اقدامات تازه ای را ، به ویژه در زمینه آموزش و مبارزه با فقر برنامه‌ریزی و اجرا کنند.**

**مقر ISU** در دانشگاه مونترال کاناداست. برای مطالعه دو گزارشی که در این مقاله معرفی شد ، می‌توانید به نشانی زیر در اینترنت مراجعه کنید:

<http://www.uis.unesco.org>

اقتصادشان را از شکوفایی بازمی‌دارد، آسیب‌پذیر هستند. اما در این میانه ، خبر خوبی نیز یافت می‌شود. کشورهای یاد شده ، به رغم آنکه در سطوح متفاوت توسعه قرار دارند ، همگی در نوسازی و اصلاح نظام آموزشی‌شان کوشا هستند. به علاوه، کاهش رشد جمعیت ، نویدبخش آینده‌ای روشن‌تر است. از آنجا که این رشد از ۱/۵ درصد تجاوز نمی‌کند، شمار کودکان مدرسه رو کاهش خواهد یافت. به این ترتیب، نظام آموزشی بدون آنکه مستلزم افزایش بودجه باشد، رو به بهبودی خواهد رفت .

در افریقا، مسئله کمیت آموزشی از اهمیت بیشتری برخوردار است. طبق گزارش ISU ، در جنوب صحرا ، از هر ده کودک که در سنین رفتن به مدرسه هستند، چهار نفر به مدرسه نمی‌روند و فقط درصد کمی از کودکان مدرسه‌ای حداقل مهارت‌های اساسی را کسب می‌کنند.

### محرومیت کودکان افریقایی از مهد کودک

طبق گزارش ISU به نام *آمار آموزشی ۲۰۰۱* ، گزارش منطقه‌ای در مورد جنوب صحرائی افریقا ، مسئله آموزش در ۴۹ کشور ، براساس اطلاعات مربوط به سال تحصیلی ۱۹۹۸ - ۱۹۹۹ مورد بررسی قرار گرفت . این گزارش ، طبق پرسشنامه سالانه‌ای که ISU و منابع مختلف دیگر همچون «ادارات جمعیت و آمار سازمان ملل» و بانک جهانی در اختیار تشکیلات منطقه‌ای قرار داده بودند ، تنظیم گردید. بر اساس گزارش مذکور، آموزش پیش دبستانی در مناطق یاد شده تنها یک‌ششم کل کودکان ؛ یعنی چهار میلیون کودک افریقایی را شامل می‌شود. وضعیت از یک کشور به کشور دیگر بسیار فرق می‌کند و کشورهای واقع در شرق و جنوب قاره، ۶۲ درصد از این کودکان را در خود جای داده‌اند. مهد کودک در این کشورها غالباً خصوصی (۸۰ درصد از کودکان برخوردار ، به مهد کودک خصوصی می‌روند) است.

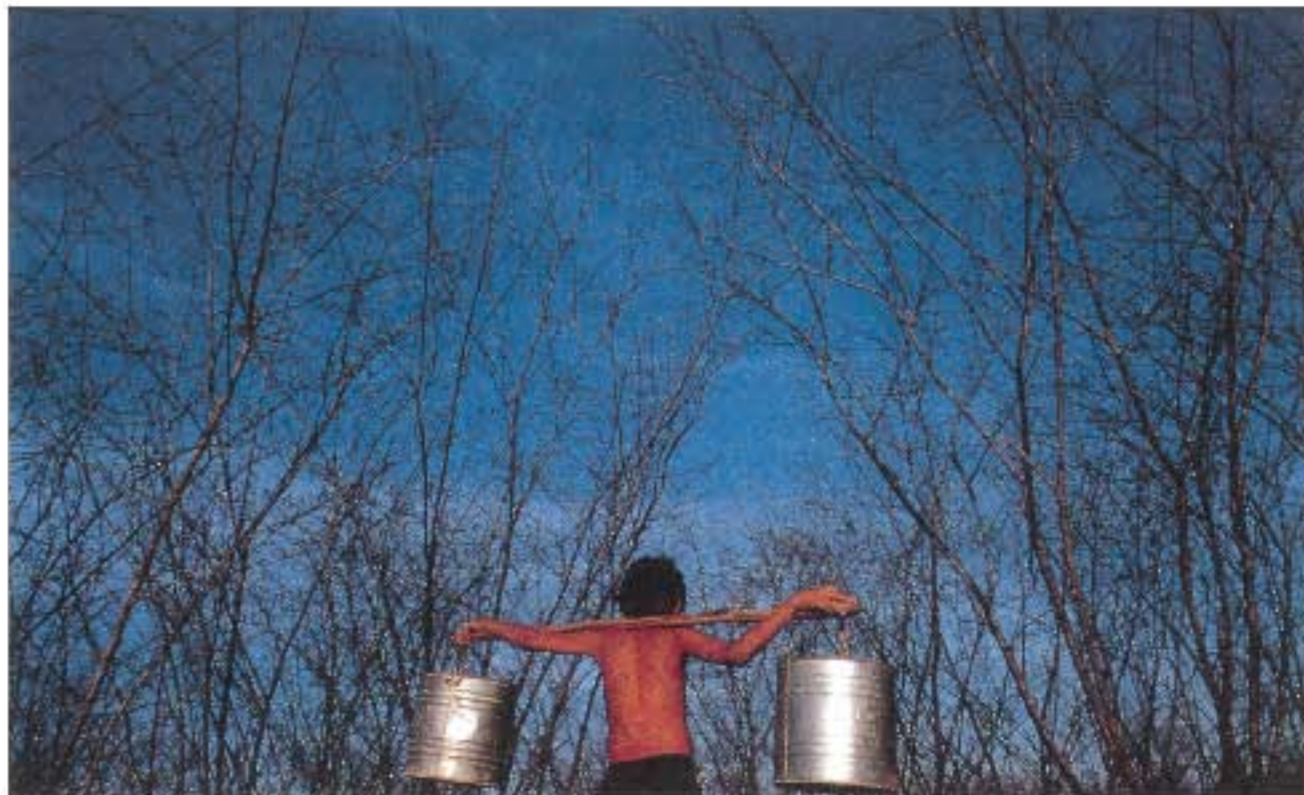
آموزش ابتدایی به وضوح برای بیشتر کشورهای جنوب صحرا در اولویت قرار دارد ، اما در زمان این تحقیق فقط ۶۰ درصد از کودکانی که در این کشورها به سن مدرسه رفتن رسیده بودند، در مدرسه ثبت‌نام کردند. این آمار مربوط به کل کشورهای مورد تحقیق است. آمار مذکور ، تفاوت شدیدی را بین کشورهای مختلف منعکس نمی‌کند. به‌طور مثال، در نیجر فقط ۲۶ درصد از کودکان به مدرسه ابتدایی می‌روند، در صورتی که این نسبت در جزیره موریس ۹۳ درصد است.

طبق گزارش، در سال ۱۹۹۸، ۳۸ میلیون نفر از کودکان منطقه از رفتن به مدرسه ابتدایی محروم بودند. شصت درصد



۲۸



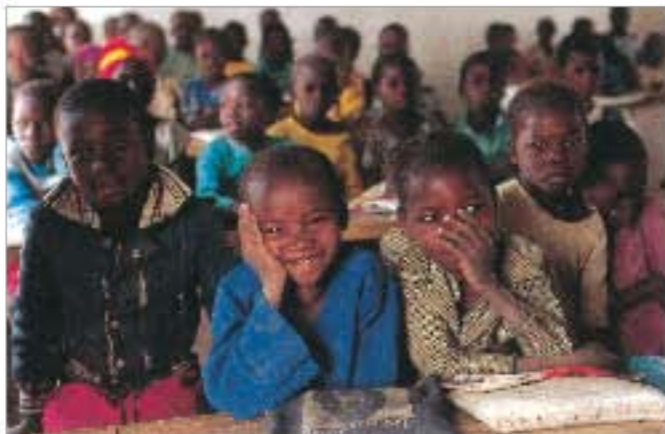


عکس کودکی در برزیل که به‌عنوان کارگر حمل آب کار می‌کند. همه کودکان این کشور در دوره دبستان ثبت‌نام می‌کنند اما بسیاری از آنان در جا می‌زنند و یا پیش از رسیدن به سال آخر ترک تحصیل می‌کنند.

پرنسیپ، سنت - هلن و جزایر سیشل، دارای حداقل یک دانشگاه هستند. با این وصف، آموزش عالی در این کشورها فقط شامل حدود یک و نیم میلیون ثبت‌نام و در نتیجه بسیار «حاشیه‌ای» است، گزارش، خاطر نشان می‌سازد که بسیاری از دانشجویان - خصوصاً آنهایی که به سطوح بالا می‌رسند - به علت نبود برنامه مناسب در کشورهاشان، عازم خارج می‌شوند. بخش عمده ای از دانشجویان منطقه، در رشته‌های ادبیات، علوم انسانی و علوم آموزشی ثبت‌نام می‌کنند.

### امیدواری به نتایج کاهش جمعیت

با احتساب همه سطوح آموزشی در تمامی کشورهای منطقه، برای هر چهل دانش‌آموز فقط یک آموزگار وجود دارد. اما در این مورد نیز، وضعیت در کشورهای مختلف بسیار فرق می‌کند. در سنت - هلن برای تعداد هر نه دانش‌آموز، یک آموزگار هست، اما در موزامبیک، اوگاندا، چاد، مالی و کنگو برای هر ۶۰ دانش‌آموز یک آموزگار وجود دارد. وانگهی، چنانکه در گزارش آمده است، «نسبت یک آموزگار برای ۶۰ دانش‌آموز در سطح ملی؛ یعنی آنکه برخی از آموزگاران باید به ۱۰۰ دانش‌آموز یا حتی بیشتر رسیدگی کنند».



در بسیاری از کشورهای آفریقایی، به ازای هر ۶۰ دانش‌آموز یک آموزگار وجود دارد.

### ترسیم دقیق وضعیت

مؤسسه بین‌المللی برنامه‌ریزی آموزش (IIEP) و وزارتخانه‌های آموزش کشورهای جنوب آفریقا در سال ۱۹۹۵ به منظور ارزیابی و ارتقاء کیفیت آموزش در منطقه، طرح عظیمی را به مرحله اجرا گذارند. در نخستین مرحله این طرح که «کنسرسیوم جنوب آفریقا برای نظارت بر کیفیت آموزش» (SACMEQ) نام گرفت، وضعیت آموزشی دانش‌آموزان - کیفیت تأسیسات زیربنایی، تعداد آموزگاران، کمیت مصالح آموزشی و غیره - مورد بررسی واقع شد. مقرر گردید در مرحله دوم طرح، دانش‌آموزان و آموزگاران در زمینه‌های سواد و دانش ریاضی تحت ارزیابی قرار گیرند. حدود ۵۰۰۰۰ دانش‌آموز، ۵۰۰۰ آموزگار و ۲۵۰۰ مدیر مدرسه ابتدایی در جمع‌آوری اطلاعات مشارکت دارند.

سطح تخصص آموزگاران منطقه معمولاً بسیار پایین و در کشورهای مختلف منطقه بسیار متفاوت است. در ۱۶ کشوری که آمار مربوط به مهدکودک‌هایشان را ارائه کرده‌اند، حدود یک‌سوم از مربیان آموزش دیده هستند. وضعیت آموزگاران دبستان کمی بهتر است که البته در همه‌جا یکسان نیست. در گینه استوایی، کلیه آموزگاران ابتدایی حداقل آموزش را دریافت کرده‌اند، اما در گینه بیسائو فقط ۲۸ درصد آموزگاران چنین‌اند. در نیمی از ۲۶ کشوری که آمارهایشان به دست آمده، ۲۰ درصد از آموزگاران ابتدایی هیچ آموزشی ندیده‌اند. کل هزینه آموزش از ۱ درصد تولید ناخالص ملی

(سیرالئون) تا بیش از ۱۰ درصد (زیمبابوه ۱۰/۱ درصد، لسوتو ۱۳/۲ درصد) متفاوت است. پول‌ها بیشتر صرف هزینه‌های جاری از جمله: حقوق آموزگاران و خرید لوازم می‌شود و در این میان، آموزش ابتدایی عمده‌ترین سهم را دریافت می‌کند.

کشورهای جنوب صحرا با چالش‌های آموزشی بزرگی روبه‌رو هستند. فقر، ایدز، جنگ و درگیری‌های داخلی، فشار زیادی را به این کشورها وارد می‌کند. در این منطقه، یک نفر از هر سه نفر، در سن رفتن به مدرسه ابتدایی یا متوسطه قرار دارد، در صورتی که این نسبت در امریکای لاتین و آسیا یک نفر از هر پنج نفر و در کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD)، یک نفر از هر شش نفر است. به موجب این گزارش «به نظر می‌رسد که رشد مداوم و چشمگیر تولید ناخالص ملی پیش‌شرطی ضروری برای افزایش میزان دسترسی به آموزش در این کشورها باشد».

گزارش می‌افزاید که دولت‌ها باید با درک نقش اساسی آموزش در توسعه، به اقداماتی دست بزنند که عمده‌ترین آنها عبارت‌اند از: تقویت صلاحیت کارکنان بخش آموزش، افزایش میزان برخورداری عمومی از آموزش و تأمین اصل برابری در این زمینه و بالاخره تلاش برای ارتقای کیفیت برنامه‌های آموزشی.

امروز، اغلب دولت‌ها، سازمان‌های توسعه و نهادهای کمک‌کننده در سراسر جهان اذعان دارند که آموزش فرد در کیفیت زندگی او و نیز قابلیت تولید و اشتغال وی و همچنین رفاه اجتماعی و اقتصادی کشورها نقش اساسی دارد. در اجلاس جهانی آموزش که در سال ۲۰۰۰ در داکار (سنگال) برگزار شد، ۱۶۴ کشور متعهد شدند که آموزش پایه باکیفیت را برای کلیه مردمان خود حداکثر تا سال ۲۰۱۵ تأمین کنند. کشورهای کمک‌کننده نیز به سهم خود قول دادند که «هر کشوری که تعهدی جدی در مورد تأمین آموزش پایه ابراز کند، برای اجرای برنامه‌هایش از حمایت مالی کافی برخوردار خواهد شد».

براساس یک گزارش نظارتی در مورد «آموزش برای همه» که اواخر سال ۲۰۰۱ منتشر شد، دست‌کم ۳۲ کشور احتمالاً طی مهلت یاد شده نتوانستند موفق به تأمین حداقل مهارت برای کلیه کودکان دبستانی خود نمی‌شوند، بلکه حتی نخواهند توانست برنامه آموزش ابتدایی را برای همگان عملی سازند.

## مدرسه خشونت در برزیل



حدود ۵۵ درصد از دانش آموزان برزیلی، تهیه اسلحه را دشوار نمی‌دانند؛ زیرا می‌دانند آنرا کجا و از چه کسی خریداری کنند. ۷۰ درصد از دانش‌آموزانی که دارای اسلحه هستند، می‌گویند که در مدرسه از آن استفاده کرده‌اند. همچنین بیش از نیمی از آنان می‌گویند که والدین و یا دوستان آنان نیز اسلحه دارند. این اطلاعات به همراه اطلاعات دیگری در مورد باندهای تبهکاری و قاچاق مواد مخدر در مدارس و یا اطراف آن در کتابی با عنوان: *Violencias nas Escolas* (خشونت در مدرسه) آمده است که به بررسی مسئله خشونت در مدارس ۱۴ شهر عمده برزیل اختصاص دارد. این کتاب، حاوی نتایج بزرگ‌ترین تحقیق در نوع خود است که تاکنون در امریکای لاتین صورت گرفته است. طی این تحقیق، بیش از ۵۰۰۰۰ پرسشنامه بین دانش‌آموزان، والدین و آموزگاران توزیع شد و بیش از ۲۰۰۰ نفر، طرف مصاحبه قرار گرفتند. تحقیق یاد شده نشان داد که تأثیر منفی خشونت بر محیط مدرسه، موجب افزایش غیبت دانش‌آموزان و افت کیفیت آموزش می‌شود.



## دانشگاه مجازی افریقا

چیک مودیو  
دیارا، ناوبر بین  
سیاره‌های ناسا و  
سفیر حسن‌نیت  
**یونسکو**، روز ۸  
مارس ۲۰۰۲ به  
ریاست دانشگاه



دردانشگاه‌های  
جهان تدریس  
می‌شود، مستقیماً  
روی پرده‌های  
بزرگ سالن‌های  
آمفی‌تئاتر در افریقا  
پخش می‌شود.  
بدین ترتیب، ده‌ها  
هزار دانشجوی  
افریقایی می‌توانند  
بدون سفر کردن، از  
آموزش عالی در  
سطوح عالی بهره‌مند  
شوند .

## حرکت مدرسه به‌سوی بچه‌ها

در کامبوج، یک برنامه آموزشی غیررسمی سه‌ساله برای کودکان به اجرا درمی‌آید. این برنامه را دفتر **یونسکو** در پنوم‌پن برای کودکان فقیر و محروم، کودکان خیابانی، کودکان کارگر و سایر کودکان بی‌پناه و نیازمند در نقاط روستایی دورافتاده تدارک دیده است. برنامه شامل: آموزش خواندن و نوشتن و حساب کردن، حل مشکلات،



کارآموزی، بهداشت، فعالیت تفریحی فرهنگی، آشنایی با جزییات یک شغل کوچک و بالاخره در صورت امکان، جذب مجدد کودکان و نوجوانان به درون نظام آموزش رسمی است. این برنامه با همکاری وزارت آموزش، جوانان و ورزش کامبوج و پنج سازمان غیردولتی محلی اجرا می‌شود و کشور ژاپن، امر تأمین هزینه‌های آن تا سقف ۶۱۰۰۰۰ دلار را عهده دار گردیده است .



## حمایت یونسکو از مطبوعات مستقل در افغانستان

علاوه بر موسیقی، بادبادک و فوتبال، مطبوعات آزاد نیز به افغانستان بازگشته است. روزنامه *کابل ویکلی* (پس از پنج سال توقیف) روز ۲۴ ژانویه، مجله *ملاله* که ویژه زنان است روز ۲۱ فوریه، و ماهنامه طنز *زنبیل غم* نیز در نیمه ژانویه ۲۰۰۲ انتشار یافتند. انتشار این نشریات با همکاری مؤسسه فرانسوی «آینه» و **یونسکو** امکان پذیر شد. **یونسکو** ۱۲۰۰۰ دلار برای نشر نخستین شماره‌های کابل ویکلی اختصاص داد و کمکی اضافی به میزان ۲۵۰۰۰ دلار نیز از ایالات متحده آمریکا دریافت کرد. مقر روزنامه‌نگارانی که برای انتشار *ملاله* و *زنبیل غم* فعالیت می‌کنند، «مرکز مطبوعات» است. **یونسکو** و «آینه» این مرکز را برای تقویت امکانات پشتیبانی و حرفه‌ای مطبوعات افغانستان ایجاد کردند. روزنامه‌نگاران در این مرکز به امکاناتی چون روزنامه‌های محلی و منطقه‌ای، شبکه‌های تلویزیونی کابلی و ماهواره‌ای، خبرگزاری‌ها، کتابخانه، رایانه و اینترنت دسترسی دارند. قرار

## برنده جایزه جهانی آزادی مطبوعات

جفری نیاروتا، بنیانگذار و مدیر یگانه روزنامه مستقل زیمبابوه به نام *دیلی نیوز*، جایزه جهانی آزادی مطبوعات **یونسکو** / گیلرمو کانو را در سال ۲۰۰۲ دریافت کرد. اعطای این جایزه طی مراسم روز جهانی آزادی مطبوعات که در سوم ماه مه در مانیل (فیلیپین) برگزار شد، صورت گرفت. جفری نیاروتا، به رغم فشارهای مقامات کشورش، به نحوی خستگی‌ناپذیر، به افشای فساد و اعمال غیرقانونی برخی از مسئولان بلندپایه زیمبابوه ادامه داد. جایزه آزادی مطبوعات پس از صدور رأی هیئت مستقل داوران متشکل از روزنامه‌نگاران، توسط کوئچپرو ماتسونورا به وی اعطا شد. پایبندی نیاروتا به آزادی اطلاعات برایش گران تمام شد. او پس از افشای برنامه فساد موسوم به «ویلوگیت» در سال ۱۹۸۳ که به استعفای پنج وزیر انجامید، سمت خود را در روزنامه *کرونیکل* از دست داد. او در سال ۱۹۹۱ نیز پس از اعتراض به سرسپردگی هیئت تحریریه در نشریه *مالی گارت*، از آنجا اخراج شد؛ اما بزرگ -



<http://www.unesco.org/afghanistan>



## سواحل کاراییب در مخاطره

در جزایر کاراییب، سواحل، زیربنای صنایع گردشگری و ماهیگیری‌اند و بنابراین اهمیت اقتصادی انکارناپذیری دارند. اما بوم‌سازگان‌های آسیب‌پذیر این سواحل بر اثر اقداماتی چون ساخت و سازهای نامناسب، بهره‌برداری از شن و ایجاد مانع برای مقابله با امواج، به خطر افتاده است. اقدامات غلط باعث افزایش فرسایش شده که مخرب‌تر شدن بلاهای طبیعی را در پی داشته است. پس از آنکه طوفان لوییس، جزیره آنگیلا را در سال ۱۹۹۵ درنوردید، بخش بزرگی از ساحل خلیج مید در شمال این جزیره ناپدید شد. اما مردم محلی می‌توانند با کاستن از روند فرسایش از شدت خسارت‌ها بکاهند. گاه فقط لازم است که خانه‌ها، هتل‌ها و مکان‌های تجاری را با رعایت فاصله مناسب از ساحل بسازند. یونسکو طی سال ۲۰۰۱، با همکاری کارشناسان محلی

تعداد نه جزیره کاراییب، به انتشار مجموعه‌ای از دفترچه‌های راهنما حاوی «بهترین شیوه‌های مقابله با فرسایش ساحل» اقدام کرد. اولین دفترچه از این مجموعه را اداره طبیعت آنگیلا منتشر کرد. سایر دفترچه‌ها نیز سال ۲۰۰۲ در مورد جزایر گرنادا، سنت کیتس، نویس، آنتیگوا باربودا، دومینیکا، مونسرات، سنت وینسنت، و جزایر تورکز اند کایکوس منتشر شد.



۳۳

## نیاز افغان‌ها به آب سالم

مشکلات متعدد مربوط به آب همچون سیل، خشکسالی و بیماری‌های ناشی از نبود تأسیسات بهداشتی، در شهرهای آسیای میانه، زندگی مردم را به خطر می‌اندازد. یونسکو و جمهوری اسلامی ایران برای اصلاح این وضعیت تفاهم‌نامه‌ای را برای ایجاد نخستین مرکز منطقه‌ای اداره آب شهری (که مقر آن در تهران تعیین شد) امضا کردند. این مرکز منطقه‌ای در ابتدا به آموزش کارشناسان افغانی برای مرمت و راه‌اندازی باقیمانده تأسیسات بهداشتی



## پیشگیری از ایدز در کامرون

بوم‌شناختی «علاقه‌مند هستند تا بدین طریق با روزآمد ساختن فناوریهای سنتی از مقدار آب تصفیه شده‌ای که به شیوه معمول در کشورهای صنعتی برای دور راندن فاضلاب‌ها استفاده می‌شود (و بسیار گران تمام می‌شود) بکاهند.

لوک مونتیه، زیست‌شناس فرانسوی و یکی از کاشفان اچ آی وی، برای ایجاد یک مرکز تحقیق و پیشگیری از ایدز در کامرون - که ۱۲ درصد از مردم آن ناقل این بیماری هستند - با یونسکو همکاری می‌کند. این مرکز در بیمارستان یائونده (پایتخت) و بیمارستان دوآلا به فعالیت می‌پردازد. کارکنان این مرکز، به انجام تحقیقات بالینی و آموزش روش‌های مقابله با ایدز به آموزگاران خواهند پرداخت. آنان همچنین عهده‌دار درمان و ارائه مشورت به مبتلایان به ایدز

خواهند بود. ایجاد این مرکز بخشی از فعالیت‌های بنیاد جهانی تحقیق و پیشگیری از ایدز است که یونسکو و پروفیسور مونتیه آن را در سال ۱۹۹۳ تأسیس کردند. یکی از اهداف اصلی این بنیاد، کاستن از فاصله میان کشورهای ثروتمند و فقیر در زمینه تحقیقات و شیوه‌های درمانی است. بنیاد یاد شده که از همکاری مؤسسات مختلفی متعلق به سازمان ملل برخوردار است، قبلاً مرکز تحقیقاتی مشابهی را در کشور ساحل عاج راه‌اندازی کرد.



## دموکراسی و فرهنگ‌های گوناگون

سه کشور لبنان، افریقای جنوبی و جمهوری دموکراتیک کنگو موضوع نخستین تحقیقات مؤسسه‌ای به نام مرکز بین‌المللی علوم بیبلوس که مقرش در لبنان است، واقع شده‌اند. این مرکز که روز اول ماه مارس ۲۰۰۲ گشایش یافت، به بررسی فرهنگ‌های مختلف و ارتباط آنها با دموکراسی می‌پردازد. تئودور هانف، رئیس آلمانی مرکز می‌گوید: «باید بدانیم که تصور مردم راجع به فرهنگ خودشان چیست و چگونه حکومتی را

می‌پسندند، زیرا سیاستمداران واقعاً بیانگر آرمان‌های راستین مردم‌شان نیستند». طرح ایجاد این مرکز به سال ۱۹۷۳ برمی‌گردد و بودجه ۴۰۰۰۰۰ دلاری آن را یونسکو و دولت لبنان به طور مساوی تأمین می‌کنند. تأسیس این مرکز به علت جنگ لبنان (۱۹۹۰ - ۱۹۷۵) به تعویق افتاده بود.



## احیای موزه کابل

روند احیای موزه کابل روز اول مارس با امضای یادداشت تفاهمی بین یونسکو و دولت افغانستان آغاز شد. جیم ویلیامز، عضو یونسکو در کابل می‌گوید: «موزه در حال حاضر نه پنجره دارد و نه سقف و بیشتر اشیای باقیمانده روی کف ساختمان و در زیرزمین تلنبار شده است». عمرخان مسعودی، متصدی موزه می‌گوید: «۳۰ درصد از اشیای موزه باقی مانده است. چند جعبه حاوی سرهای مجسمه‌های بودا و مجسمه‌های کوچک نیز در وزارت فرهنگ و اطلاعات نگهداری می‌شود». این اشیاء به همت کارکنان موزه که توانسته بودند آنها را از

چشم مأموران طالبان پنهان کنند، باقی مانده است. مأموران حکومت طالبان بین ماه‌های فوریه تا ژوئن ۲۰۰۱ به تخریب اشیایی پرداختند که نمایانگر موجودات زنده بودند. موزه کابل پیش از این فاجعه، دارای حدود ۱۰۰۰۰۰ شیء تاریخی بود.

## زندگی و مرگ زبان‌ها

شمار چشمگیری از زبان‌ها طی سه قرن گذشته خصوصاً در امریکا و استرالیا منقرض شدند. امروزه دست‌کم سه هزار زبان دیگر که نیمی از کل زبان‌های دنیاست، در خطر نابودی هستند.

یونسکو با انتشار دومین چاپ *اطلس زبان‌های رو به انقراض جهان* به مناسبت روز جهانی زبان مادری، بحثی جهانی را در این باره دامن زده است. در بسیاری از کشورها، مطبوعات نسبت به مرگ زبان‌های محلی، زیر فشار زبان‌هایی

همچون انگلیسی، فرانسوی، چینی و روسی واکنش‌های پراحساسی را نشان دادند. اما تجربه نشان داده است که مرگ زبان‌ها، پدیده‌ای گریزناپذیر نیست. تنوع زبانی را می‌توان با اتخاذ سیاستی مصمم

و نیز ترویج چندزبانی که یونسکو به شدت از آن حمایت می‌کند، حفظ کرد.



۳۴

# آینده چگونه خواهد بود

ده گرایش در ازمدت که آینده جامعه بشری را در قرن بیست و یکم شکل می دهند.



پورتو آگره ،  
۴ فوریه ۲۰۰۲  
به سوی آگاهی جهانی

## پیشرفت سریع سومین انقلاب صنعتی

جدید علمی و فنی را مشاهده کنیم . سومین انقلاب صنعتی که بر شالوده انقلاب سبیرنتیک و نظام‌های رمزی — رمزهای رایانه‌ای امروز و رمزهای ژنتیکی فردا — مبتنی است ، جامعه تولید مادی کنونی را مطیع نیرویی جدید و غیرمادی خواهد کرد که چیزی نیست جز نیروی علائم در جامعه‌ای «برنامه‌ریزی شده» همچون یک رایانه. پیدایش چنین جامعه‌ای را گسترش سریع شبکه‌های جهانی — اعم از عمومی و خصوصی —

«سومین انقلاب صنعتی» در حال دگرگون کردن جوامع ما از ریشه است. نشانه‌های این تحول عبارت اند از: گسترش انقلاب در فناوری اطلاعات ، توسعه سریع ارتباطات و علوم و فنون اطلاعات ، پیشرفت در زیست‌شناسی و ژنتیک و کاربردهای آنها. ابعاد تازه‌ای از همگرایی بین این رشته‌های جدید تحقیق و فعالیت با رشته‌های سنتی ، رو به پیدایش است. ما اکنون فقط می‌توانیم بخش کوچکی از نتایج رشد این مجموعه

پیچیدگی و ابهام ، شاهواژه‌های عصر ما هستند. در دوران جهانی‌سازی و تسریع و تکثیر انواع مبادلات، اگر نگوییم آینده تاریک است، دست‌کم مبهم می‌نماید. انسان‌ها که در چنبره زمان حال و اضطراب‌های آنی گرفتار هستند، به قدر کفایت ، برای پیریزی دقیق اقدامات خود و یا پیش‌بینی پیامدهای آنها تأمل نمی‌کنند. ما بر خودروی ماجرای آینده سوار شده‌ایم و بدون ترمز و بدون داشتن دید ، به پیش می‌تازیم ؛ اما خودروی سریع ، به نور افکن‌های قوی نیاز دارد. اکنون دیگر موضوع تعدیل و تطبیق در میان نیست، زیرا وقت کافی برای این کار در اختیار نداریم. ما اینک باید از زمانه سبقت بگیریم ؛ زیرا وظیفه داریم که آینده‌نگرانه به جهان نگاه کنیم: فردا، فرزندان ما یا حاصل آینده‌نگری ما را درو خواهند کرد ، یا حاصل اقدامات کورکورانه مان را.

ژروم بیند

پیشرفت سریع  
انقلاب سوم صنعتی

آیا فقر و محرومیت  
رو به فزونی است؟

تهدیدهای تازه علیه صلح،  
امنیت و حقوق بشر

تغییرات جمعیتی

محیط‌زیست جهانی در معرض  
مخاطره

ظهور جامعه اطلاعاتی

تعمیق دموکراسی؟

به سوی برابری زن و مرد؟

دیدارهای جدید  
بین فرهنگی

چالش‌های اخلاقی علم و  
فناوری

این مقاله روایتی روزآمد و کوتاه شده از رساله‌ای به نام «قرن بیست و یکم: شناسایی چند گرایش اصلی» است که ژروم بیند ، رئیس «بخش آینده، فلسفه و علوم انسانی» یونسکو در حضور «گروه ویژه شورای اجرایی» در خصوص یونسکو در قرن بیست‌ویکم ارائه کرد. (برای مطالعه مقاله کامل رجوع کنید به گزارش مقدماتی گروه ویژه، سند EX / ۳۹ / ۱۵۹).

www.unesdoc.unesco.org

## آیا فقر و محرومیت رو به فزونی است؟

۲



"جامعه شبکه ای" که در حال ظهور است، جامعه ای نامتمرکز با دموکراسی بیشتر و سلسله مراتب کمتر است.

شتاب می‌بخشد. این شبکه‌ها ابزارهای اصلی جهانی سازی‌اند و به تندتر شدن روند آن کمک می‌کنند. اثرات چنین انقلابی - که جوامع را در انقیاد منطقی درمی‌آورد، هم‌اکنون در تار و پود جوامع انسانی قابل مشاهده است. تأثیرات این گرایش، به گسستگی بر ساختارهای سنتی چون مدارس، دولت - ملت، اشتغال، خانواده، فرهنگ و شهرها چگونه خواهد بود؟

مهم‌تر از همه، آهنگ - هم‌زمانی و هم‌مکانی - این انقلاب صنعتی که بر فعالیت‌های سرمایه‌بر با سرمایه‌گذاری عمده در بخش آموزش مبتنی است، چگونه خواهد بود. چگونه باید به این اطمینان رسید که جهانی سازی عامل نیرومندی برای آزادی و همبستگی بین‌المللی خواهد شد و نه زمینه‌ساز طرد دیگران و رفتارهای خودخواهانه؟ نیروی مثبتی که در جهانی سازی نهفته است مشتمل بر: بهسازی امکانات ارتباطی، اطلاعات و تبادل این اطلاعات است. فناوریهای جدید اطلاعات و ارتباطات، امکانات تازه‌ای را در زمینه

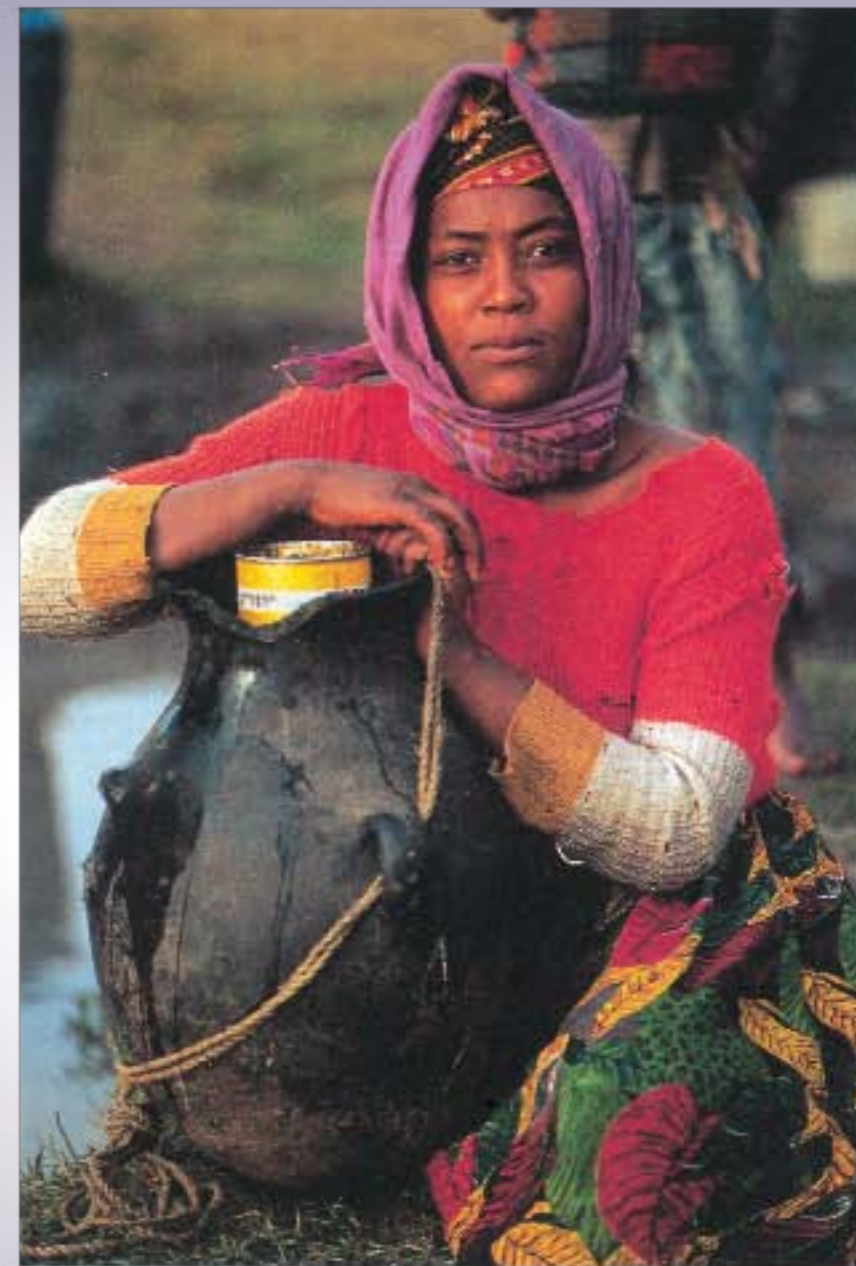
آموزش از راه دور ایجاد کرده‌اند و بدین ترتیب احتمال پیدایش جامعه شبکه‌ها را نوید می‌دهند که جامعه‌ای نامتمرکز با دموکراسی بیشتر و سلسله مراتب کمتر خواهد بود. جهانی سازی، هم می‌تواند باعث فروپاشی جوامع شود و هم به گسترش نوعی آگاهی جهانی مدد رساند. شاید باید جنبش اعتراضی را که به ناحق ضد جهانی سازی نامیده‌اند، در راستای همین آگاهی تعبیر کنیم. ادگار مورین، این جنبش را روندی ثانوی از جهانی سازی می‌داند: جهانی سازی آگاهی در مقابل جهانی سازی اقتصاد و فنون.



افزایش فقر، تنها بُعد اقتصادی ندارد، بلکه در زمینه های آموزش، فناوری، فرهنگ، محیط زیست و بهداشت نیز محسوس و قابل اندازه گیری است.

طی دهه‌های گذشته، پیشرفت‌های چشمگیری رخ داده است. براساس گزارش «برنامه توسعه سازمان ملل» (UNDP) میزان کاهش فقر طی ۵۰ سال اخیر بیش از پنج قرن گذشته بوده است، اما امروزه بیش از سه میلیارد نفر - یعنی بیش از نیمی از مردم جهان - با درآمد روزانه کمتر از دو دلار در فقر دست و پا می‌زنند؛ ۱/۵ میلیارد نفر به آب آشامیدنی دسترسی ندارند و بیش از دو میلیارد نفر از ابتدایی‌ترین امکانات بهداشتی محروم‌اند. هفتاد درصد از فقیران زنان هستند و دو سوم از این فقیران کمتر از ۱۵ سال سن دارند. طبق گزارش بانک جهانی، پیش‌بینی‌های کنونی نشانگر آن است که شمار انسان‌هایی که در فقر

مطلق زندگی می‌کنند، همچنان افزایش خواهد یافت. در سال ۲۰۱۵ تعداد انسان‌هایی که در فقر مطلق (یعنی با درآمدی معادل یک دلار در روز) به سر می‌برند، احتمالاً به ۱/۹ میلیارد نفر خواهد رسید. در صورتی که تعداد این فقیران در آغاز هزاره جدید ۱/۵ میلیارد نفر اعلام شد و در سال ۱۹۸۷، ۱/۲ میلیارد نفر بوده است. ۲۵ سال دیگر، دست‌کم ۸۵ درصد از کل جمعیت جهان احتمالاً در اقتصادهای رو به توسعه یا در حال گذار به سر می‌برند که - در صورت عدم وقوع امواج بزرگ مهاجرت از جنوب به شمال - باید بخش عمده رشد جمعیت را تحمل کنند. وانگهی، انحصار ثروت‌ها در دستان گروه کوچکی ادامه خواهد یافت و احتمالاً حتی تشدید



۵/۱ میلیارد انسان به آب آشامیدنی دسترسی ندارند.

خواهد شد که این امر خود وضعیت را بدتر خواهد کرد. نکته مهم آن است که افزایش فقر تنها بُعد اقتصادی ندارد بلکه در زمینه‌های آموزش، فناوری، فرهنگ، محیط‌زیست و بهداشت نیز محسوس و قابل اندازه‌گیری است. حدود ۸۰۰ میلیون نفر در کشورهای رو به توسعه از سوءتغذیه مزمن رنج می‌برند. میزان کنونی کاهش در تعداد این انسان‌ها (سالانه هشت میلیون نفر به‌طور متوسط) برای اجرای تعهد ۱۸۶ کشور در اجلاس جهانی تغذیه (نوامبر ۱۹۹۶) کافی نیست. آنها تعهد کردند که شمار انسان‌های مبتلا به سوءتغذیه را تا سال ۲۰۱۵ به نصف کاهش دهند. نیل به این هدف فقط در صورتی ممکن است که شمار این افراد سالانه ۲۰ میلیون نفر کاهش یابد.

**در سال ۲۰۱۵  
تعداد انسان‌هایی  
که در فقر مطلق  
به سر می‌برند،  
احتمالاً به ۱/۹  
میلیارد نفر خواهد  
رسید.**

## ۳

# تهدیدهای تازه علیه صلح، امنیت و حقوق بشر

به نظر می‌رسد که وقایع ۱۱ سپتامبر و پیامدهایش، الگوی جدیدی از امنیت بین‌المللی، جنگ و صلح را مطرح کرده است.

پس از پایان جنگ سرد ظاهراً زمینه صلح بیشتر فراهم شده، اما گویا خطر وقوع جنگ نیز افزایش یافته است. تعدادی از کشورها همچنان مبالغه‌ناگفتی را صرف امور دفاعی می‌کنند، مبالغی که هنگام روبه‌رو شدن این کشورها با خطرات بزرگ غیرنظامی جایشان خالی است. به علاوه، تعداد جنگ‌های داخلی و مخاصمات بین قومی یا بین گروهی که در این سال‌های آغازین قرن بیست‌ویکم رایج‌ترین گونه مخاصمه است، افزایش یافته است. این گونه مخاصمات غالباً در پی فروپاشی حکومت مرکزی و ضعف نهادهای ملی رخ می‌نماید. در چنین شرایطی، آیا بیم

بازگشت آوارگان آلبانیایی به کوزوو، ۱۹۹۹



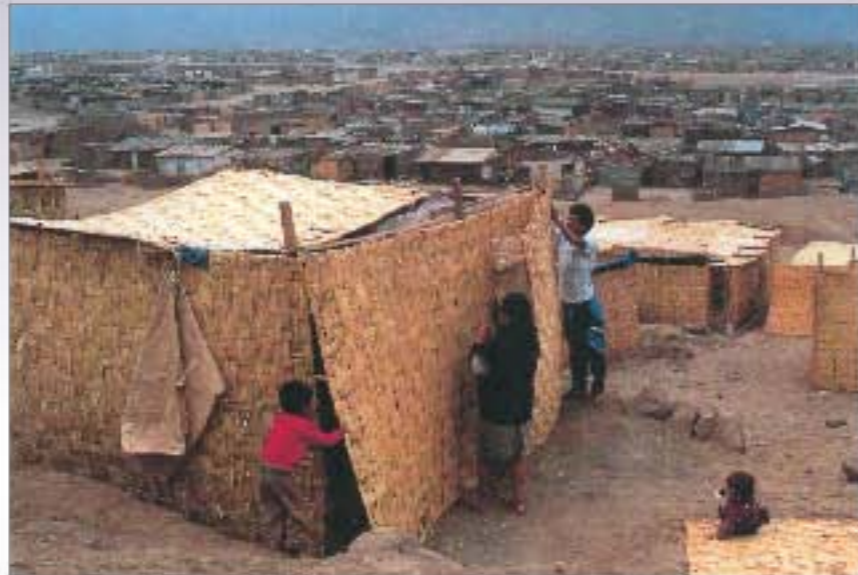
آن نمی‌رود که در دهه‌های آتی شاهد توسعه پدیده «حکومت‌های ورشکسته» و افزایش مخاصماتی باشیم که بدون هیچ‌گونه توجه به هنجارهای حقوقی بین‌المللی روی می‌دهند و نتیجتاً راه را به روی هرگونه اقدام میانجی‌گرانه نهادهای بین‌المللی مسدود می‌کنند؟ عدم بردباری، بیگانه‌ستیزی، نژادپرستی و تبعیض، دوباره رواج یافته‌اند و گاه حتی به صورت‌هایی خشونت‌بار و وحشیانه مشاهده می‌شوند. کسانی که به این اعمال دست می‌زنند غالباً کارهایشان را با بهانه‌های، ملیتی، فرهنگی و زبانی توجیه می‌کنند. آیا همچنان شاهد نقض گسترده حقوق بشر، رشد اقتصادهای جنگی غیرقانونی و افزایش خشونت در مدرسه و اجتماع خواهیم بود؟ آیا دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی در دهه‌های آتی بیشتر وقتشان را صرف اداره کردن اختلاف‌ها خواهند کرد تا تقویت همبستگی‌های اجتماعی؟

خاتمه یافتن جنگ سرد این امید بزرگ را آفریده بود که بودجه‌های نظامی به نحو محسوسی کاهش یابد و سرمایه‌گذاری‌ها متوجه توسعه انسانی، به‌ویژه بخش آموزش شود، اما متأسفانه هنوز باید در انتظار آنچه که به «سود صلح» مشهور شده است، بمانیم. پس از امید به «مسابقه خلع سلاح» که بعد از فروپاشی دیوار برلین در سال ۱۹۸۹ جوانه زد، حالا شاهد افزایش مجدد

پیشگیری از رواج اسطوره  
خطرناک - و وسیعاً انکار  
شده - "برخورد تمدن ها.

## ۴

## تغییرات جمعیتی



"خانه جدیدی" در لیما (پرو) بنا می شود. هر روزه ، هزاران هزار روستایی که نور و رنگ شهرها چشمانشان را خیره ساخت است ، روستاهای محرومشان را ترک می گویند تا در آنجا با بینوایی و در "تنهایی میان جمع" که مختص شهرهای بزرگ است ، روزگار را بگذرانند.

براساس پیش‌بینی‌های سازمان ملل، جمعیت جهان در سال ۲۰۲۸، به هشت میلیارد و در سال ۲۰۵۴ به نه میلیارد نفر می‌رسد و سپس در همان حدود تثبیت خواهد شد. بنابراین، جهان با هیچ انفجار جمعیتی روبه‌رو نخواهد شد، بلکه شاهد افزایشی شدید و سپس تثبیت جمعیت خواهد بود. حتی برخی از جمعیت‌شناسان بر این باور هستند که ممکن است جهان طی دهه‌های آتی با کاهش ناگهانی جمعیت روبه‌رو شود؛ زیرا سازمان ملل در برآوردهای حد پایین جمعیتی احتمال داده است که جمعیت جهانی در سال ۲۰۵۰ به سقف ۷/۳ میلیارد برسد و سپس رو به کاهش بگذارد. از آنجا که روند تغییر رشد جمعیت جهانی سرعت گرفته است، محتمل

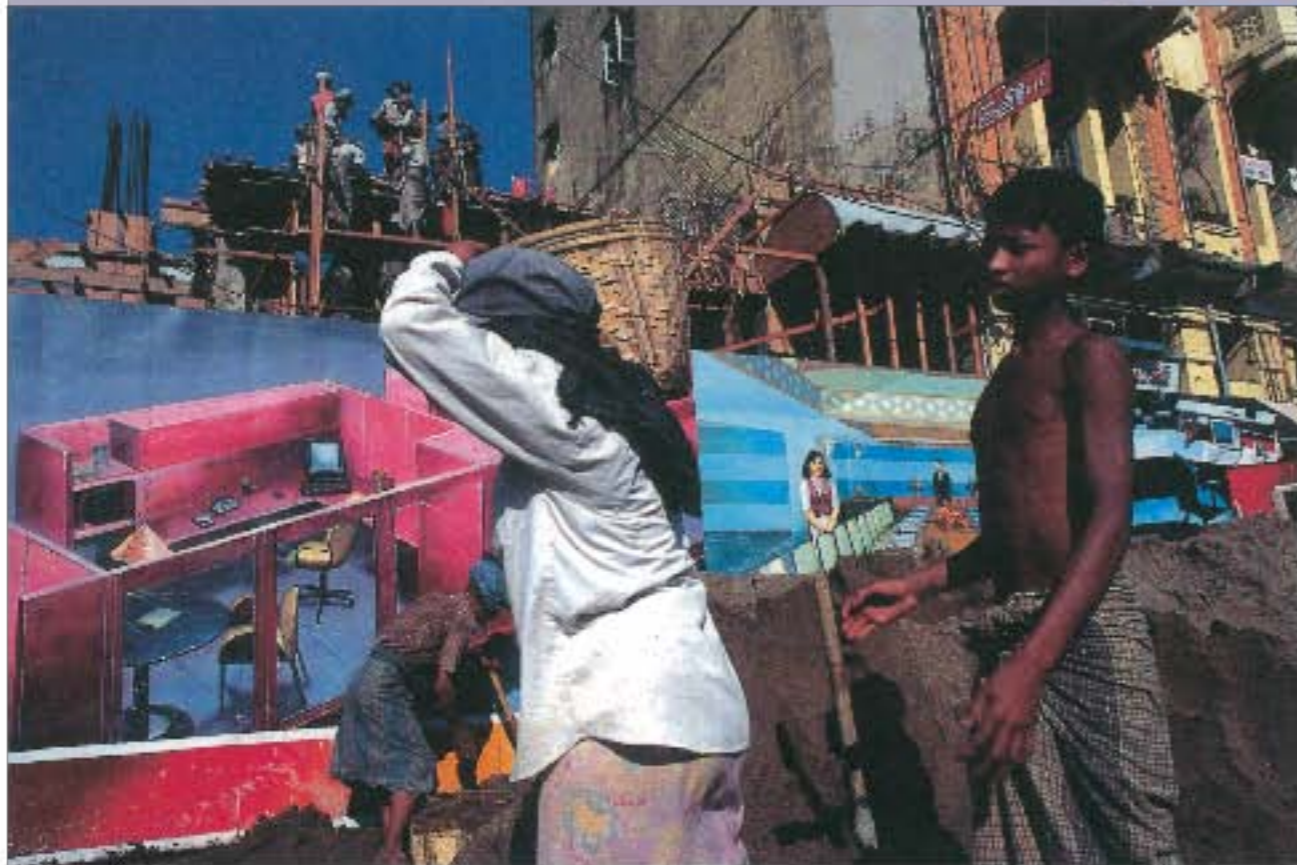
است که میزان جمعیت جهان در میانه قرن بیست‌ویکم از مرز هشت میلیارد نفر تجاوز نکند. وانگهی، جمعیت جهانی رو به پیر شدن می‌رود. بر اساس برآورد حد متوسط سازمان ملل، میزان جمعیت زیر ۱۵ سال جهان از ۳۱ درصد در سال ۱۹۹۵ به ۱۹ درصد در سال ۲۰۵۰ خواهد رسید. طی همین دوره، جمعیت بالای ۶۰ سال نیز از ۱۰ درصد به ۲۲ درصد افزایش خواهد یافت. از سوی دیگر، پراکندگی جمعیت هم دستخوش تغییر است. جمعیت اروپا و ژاپن در صورت عدم پذیرش گروه‌های انبوهی از مهاجران، ظرف ۵۰ سال آینده کاهش می‌یابد. به موجب برخی از تحلیل‌ها، مهاجرت، یگانه راه‌حل برای جبران فاصله عظیم بین جمعیت فعال و غیرفعال در کشورهای صنعتی است. عوامل مرگ و میر نیز تغییر کرده است. سازمان بهداشت جهانی نسبت به قریب‌الوقوع بودن بحران جهانی ناشی از بیماری‌های عفونی هشدار داده است. به‌رغم پیشرفت‌های مهم بهداشتی (مانند ریشه‌کنی آبله و نزدیک بودن به غلبه کامل بر بیماری‌هایی چون فلج اطفال)، هنوز دوسوم از مرگ و میر جهانی مربوط به بیماری‌های عفونی است که از انواع باکتری و ویروس ناشی می‌شوند. برخی از این باکتری‌ها و ویروس‌ها تازه پدیدار شده‌اند، برخی دیگر مدام



به سایر تهدیدها علیه امنیت بشر، همچون تخریب محیط‌زیست و شرایط حیات، مشکلات جمعیتی، رقابت‌های فرهنگی و قومی و انواع نقض حقوق بشر را در برنامه کاری خود قرار دهد؟

هزینه‌های نظامی و رونق دوباره بازار تسلیحات هستیم. تهدیدهای فراراه صلح و امنیت، دیگر فقط شامل تهدیدهای نظامی نیست. در دهه‌های گذشته، آگاهی ملی و بین‌المللی نسبت به جوانب مختلف صلح و امنیت افزایش یافته است. آیا وابستگی متقابل و روزافزون بین پدیده‌های سیاسی، اقتصادی، مالی، اجتماعی و زیست‌محیطی، شورای امنیت سازمان ملل را ناچار نخواهد کرد که علاوه بر انجام فعالیت‌های کنونی، رسیدگی منظم

**تهدیدهای فراراه  
صلح و امنیت، دیگر  
فقط شامل تهدید -  
های نظامی نیست.**



روند شهرنشینی در فقیرترین مناطق از همه جا سریع تر است.

روند شهرنشینی غالباً زمینه‌ساز بروز مشکلات بزرگ در اموری همچون: تأمین آب آشامیدنی، انرژی، امنیت غذایی، امنیت شهری و نیز حاشیه‌نشینی و طردسازی می‌گردد؛ نتیجتاً، بسیاری از کشورها شاهد رشد پدیده‌ای به نام «گروه‌های در بسته» هستند، گروه‌هایی که پشت دیوارها یا در آن سوی نرده‌ها زندگی می‌کنند، و یا آنکه با بُعد مسافت، خود را از دیگران جدا ساخته‌اند.

هر روز، هزاران هزار روستایی که نور و رنگ شهرها چشمان آنان را خیره ساخته است، روستاهای محروم خود را ترک می‌گویند و به شهرهای بزرگ می‌روند تا در آنجا به بینوایی و در «تنهایی میان جمع» که مختص شهرهای بزرگ است، روزگار بگذرانند. آنها در شهر غالباً از ابتدایی‌ترین خدمات مانند: مدرسه، امکانات بهداشتی و غیره محروم‌اند.

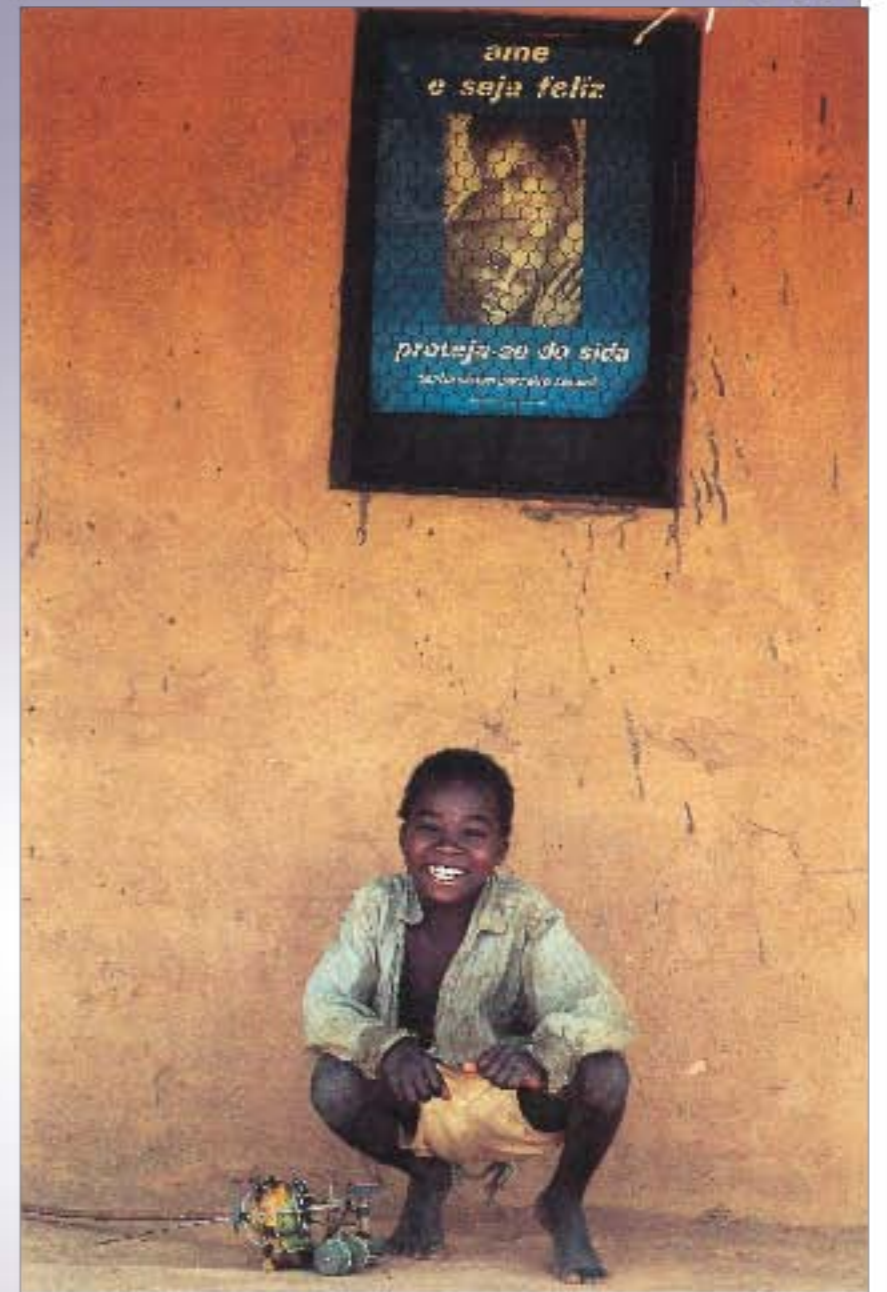
این بینوایی و محرومیت، زمینه بسیار مساعدی برای افراط‌گرایی و خشونت‌ورزی است. در چنین شرایطی، چگونه باید در جهت انسانی شدن شهرها کوشید؟ چگونه باید راه و رسم شهری و مدرنیت را بازسازی کرد؟ چگونه باید طردشدگان را به دامان اجتماع بازگرداند؟

شهرنشینی که تحولات اقتصادی و اجتماعی آن را تسریع می‌کند، همراه است. با افزایش وسعت شهرها، پدیده‌ها و چالش‌های جدیدی چهره می‌نمایند که برخی از آنها عبارت‌اند از: فقر و طردسازی شهری، تجزیه شهری، مشکلات زیست‌محیطی، نحوه دسترسی به منابع طبیعی و فرهنگی، حق مسکن، مسائل تازه تابعیت شهری، و کوچک شدن فضای عمومی. طبق برآوردها، اگر گرایش کنونی شهرنشینی به همین شیوه باقی بماند، ظرف ۴۰ سال آینده باید معادل ۱۰۰۰ شهر سه میلیون نفری بنا شود که حدوداً با میزان کنونی شهرهای جهان برابر است!

روند شهرنشینی در فقیرترین مناطق — که توسعه نیافته‌اند — و نیز در مناطقی که رشد اقتصادی بالاترین میزان را دارد، از همه جا سریع‌تر است. این گونه

در حال جهش‌اند، برخی نیز در مقابل داروها مقاوم شده‌اند و سرعت پیشرفت آنها در سطح جهان بسیار نگران‌کننده است. هنوز یک بیماری ریشه‌کن نشده است؛ که بیماری دیگری پیدا می‌شود. در سال ۱۹۸۰، سازمان بهداشت جهانی خبر ریشه‌کنی ابله را اعلام کرد؛ سال بعد، بیماری ایدز برای نخستین بار شناسایی شد. در این حین، بیماری‌های مهمی چون سل دوباره شیوع یافتند، عوامل عفونی جدیدی چون پربون (ویروس جنون گاوی) شناسایی شدند برخی از بیماری‌های قدیمی در مقابل آنتی‌بیوتیک‌ها مقاوم شدند و از کشف واکسن‌های تازه خبری نیست. در بوتسوانا که مهلک‌ترین ضربه ایدز را در جهان دریافت کرده است، یک چهارم از بزرگسالان به این ویروس آلوده شده‌اند. امید به زندگی در این کشور، طی دهه گذشته از ۶۱ سال به ۴۷ سال کاهش یافته است، در صورتی که بدون شیوع ایدز بایستی تاکنون به ۶۷ سال افزایش پیدا کرده باشد. امید به زندگی در فدراسیون روسیه و برخی از جمهوری‌های دیگر شوروی سابق نیز کاهش یافته است.

مسائل جمعیت و توسعه، با آموزش دختران جوان ارتباط دارد. بررسی‌های متعدد، به وضوح تأثیر آموزش زنان را بر توسعه اجتماعی و بهداشت و خصوصاً بر مرگ و میر نوزادان و میزان موالید نشان داده است. آیا آموزش همگانی، بهترین شیوه پیشگیری از موالید نیست؟ رشد جمعیت جهانی با روند فزاینده

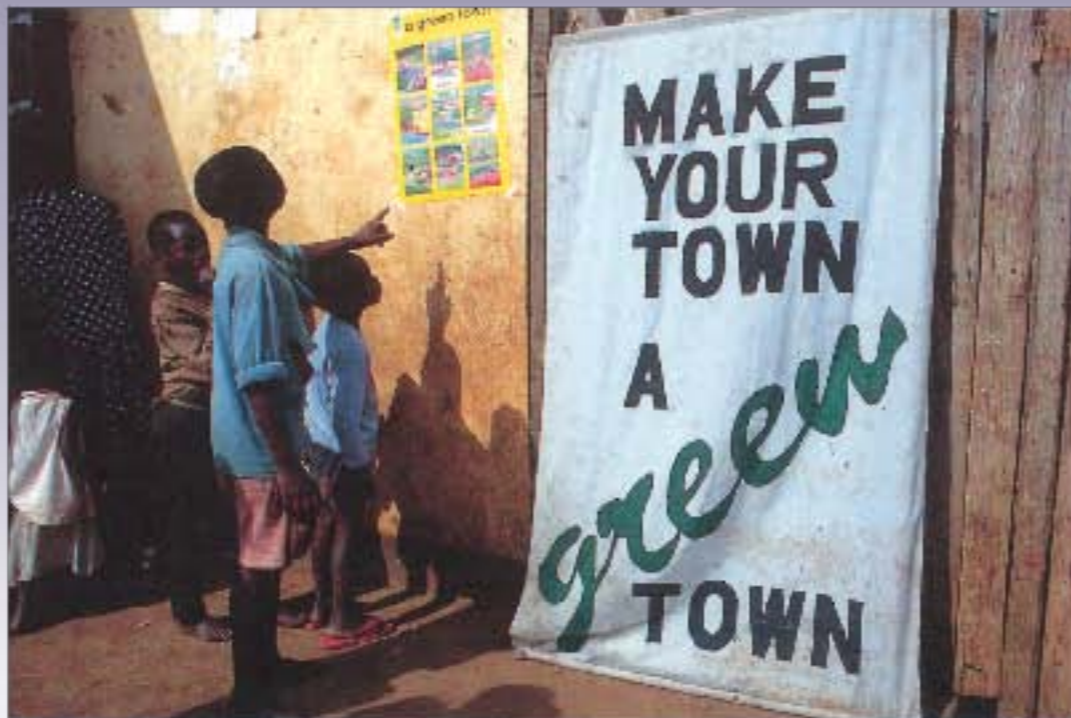


جهان با انفجار جمعیت رو به رو نخواهد شد.

**ظرف ۴۰ سال آینده باید معادل ۱۰۰۰ شهر سه میلیون نفری بنا شود.**



## محیط زیست جهانی در معرض مخاطره



باید الگوهای رفتاری تغییر کند.

سطح جنگل های جهان سالانه ۱۱/۳ میلیون هکتار کاهش می یابد.

از کشورهای جهان ، در اداره بهتر جنگل ها و لحاظ کردن اهمیت زیست محیطی آنها می کوشند، سطح جنگل های جهانی سالانه ۱۱/۳ میلیون هکتار کاهش می یابد. اقیانوس ها نیز در امان نیستند . منابع شیلات قاره ای که یکی از عمده ترین منابع غذا و پروتئین برای میلیون ها انسان هستند، بر اثر لطمات زیست محیطی به مخاطره افتاده اند و

نفر را در مناطق خشک ۱۱۰ کشور تهدید می کنند. اگر گسترش صحراها با سرعت کنونی ادامه یابد، در سال ۲۰۵۰ آمار فوق دوبرابر خواهد شد. هیچ جای طبیعت از ضربات انسان مصون نمانده است. با آنکه جنگل ها هنوز یک چهارم از سطح خشکی های جهان را پوشانده اند ، و به رغم آنکه شمار فزاینده ای

امروزه پی برده ایم که اگر تدابیر گسترده - ای را در پیش نگیریم، تأثیر فعالیت انسانی بر محیط زیست جهانی ، بقای زیست کره و نسل های آینده را در مخاطره خواهد افکند. به باور اکثر دانشمندان ، گرم شدن کره زمین ، ناشی از گازهای گلخانه ای تولید شده بر اثر فعالیت انسانی و شیوه های جدید مصرف ، خصوصاً شیوه های شهری (مراکز حرارتی، آلودگی صنعتی، تحرک خودروها و غیره) است. ذوب شدن یخچال های طبیعی که بر اثر همین گرم شدن صورت می گیرد، ممکن است به بروز فاجعه بوم شناختی عظیمی منجر شود. ظاهراً گرم شدن کره زمین موجب افزایش انواع و اندازه اختلالات طبیعی نیز شده است. این اختلالات احتمالاً مسبب تغییرات اساسی اقلیمی در برخی از مناطق جهان شده اند و ممکن است زمینه ساز موارد فزاینده ای از بلایای بزرگ «طبیعی» نیز بشوند که علائم اولیه آنها هم اکنون قابل مشاهده است. با این وصف، تأخیر در تصویب توافق نامه کیوتو نشان داد که کنترل انتشار گازهای گلخانه ای که خواسته کنفرانس ریو در سال ۱۹۹۲ است، هنوز به نحو مطلوب تحقق نیافته است . آب به تساوی تقسیم نشده است. این ماده حیاتی ، فراوان و «جاری» است، اما نه در همه جا و نه برای همه کس . حدود یک

چهارم از کل انسان ها - ۱/۴ میلیارد نفر - به آب سالم و آشامیدنی دسترسی ندارند و بیش از نیمی از مردم جهان از تأسیسات کافی سالم سازی آب محروم اند. مقابله با این چالش در بدو امر ، مستلزم اتخاذ سیاست مناسب در مورد استفاده بهینه از منابع آب است که عمدتاً شامل پایان بخشیدن به مصرف افراطی آب در بخش کشاورزی می گردد. امروزه، حدود دوسوم از آب به دست آمده از رودخانه ها، دریاچه ها، نهرها و سفره های زیرزمینی در سراسر جهان در بخش کشاورزی مصرف می شود. البته ضروری است که الگوهای رفتار با آب نیز تغییر کند. آسیب وارد شده به لایه اُزون، این محافظ حیات در روی کره زمین ، به میزان بی سابقه ای رسیده است ؛ اما جایی برای امیدواری وجود دارد. در این مورد اگر تدابیر قراردادهای بین المللی رعایت شود ، احتمال دارد که لایه اُزون تا سال ۲۰۵۰ به حالت اول خود بازگردد . صحراها رو به گسترش اند و امروز با تأثیر مستقیم بر زندگی ۲۵۰ میلیون انسان ، زندگی حدود یک میلیارد

**اکنون بخش بزرگی از انواع موجوداتی که تاکنون رویت شده اند ، با سرعتی بین ۱۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰ برابر بیش از روند انقراض در دوره های بزرگ زمین شناختی، رو به کمیابی و یا حتی انقراض هستند .**



کاهش چشمگیری در آلودگی مستقیماً زندگی ۲۵۰ میلیون نفر را تحت تأثیر قرار داده است.

باید فوراً تدابیری در حمایت از آنها اتخاذ گردد. به علاوه، تغییرات جریان‌های اقیانوسی که بر اثر فعالیت انسانی تسریع شده است، مستقیماً شرایط آب و هوایی زمین و بوم‌سازگان‌ها را تهدید می‌کند. آلودگی شیمیایی و آلودگی نامرئی رو به گسترش است. طی ۵۰ سال گذشته، روش‌های جدیدی از تولید و مصرف، خصوصاً در کشاورزی صنعتی، اعمال شده و هزاران فرآورده جدید شیمیایی پا به عرصه وجود گذاشته اند. این مواد شیمیایی در انواع بی‌شماری از کالاهای مصرفی و غیرمصرفی در سراسر جهان، در بسته‌بندی‌های مقوایی یا پلاستیکی، در آب همه اقیانوس‌ها، در هوا، خانه‌ها

مدارس و محل‌های کار وجود دارند. آنها در زنجیره غذایی سفر می‌کنند و از حصار انواع موجودات می‌گذرند. گاه برخی از حشره‌کش‌ها یا محصولات خطرناک شیمیایی که استفاده از آنها در بعضی از کشورها ممنوع شده و یا شدیداً تحت نظارت است، به کشورهای فقیر صادر می‌شوند و مردم آنها را به انواع مسمومیت‌ها دچار می‌سازند. بیم آن می‌رود که تنوع زیستی ظرف دهه‌های آتی به شدت کاهش یابد. اکنون بخش بزرگی از انواع موجوداتی که تاکنون رؤیت شده‌اند، با سرعتی بین ۱۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰ برابر پیش از روند انقراض موجودات در دوره‌های بزرگ زمین‌شناختی، رو به کمیابی و یا حتی انقراض هستند.

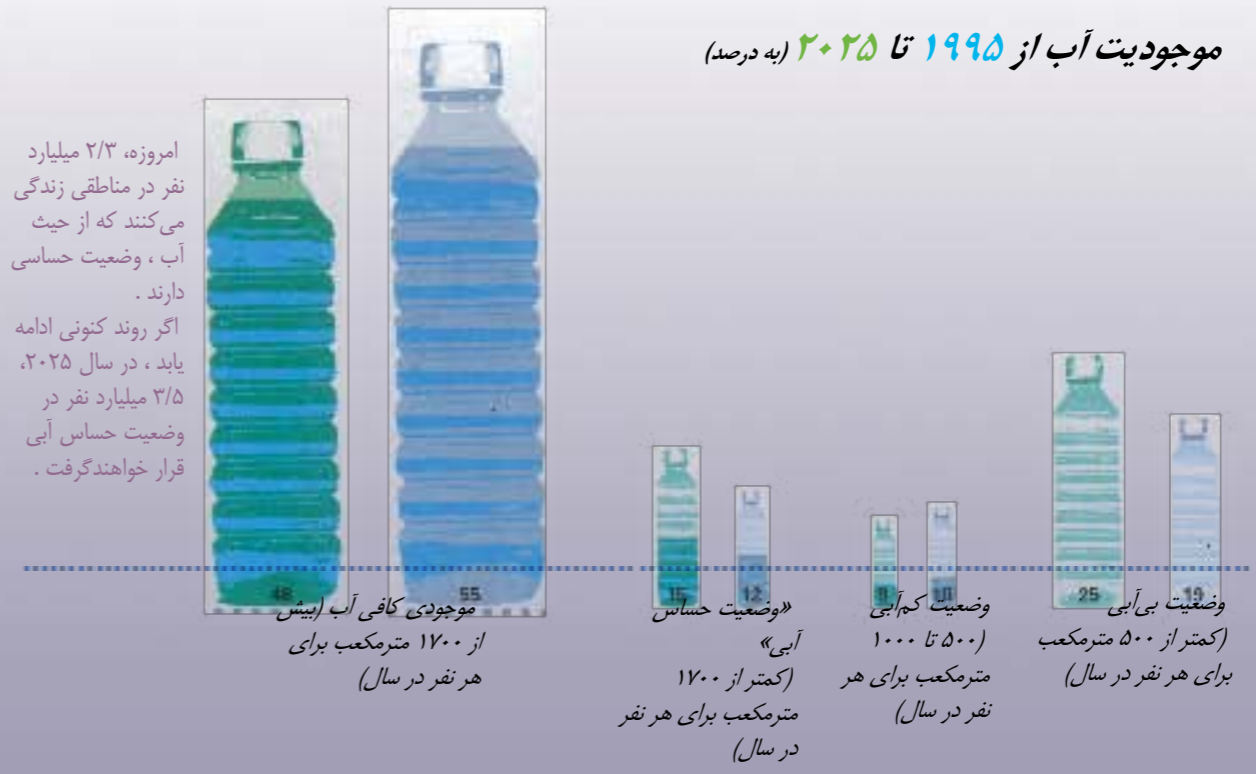


## ظهور جامعه اطلاعاتی



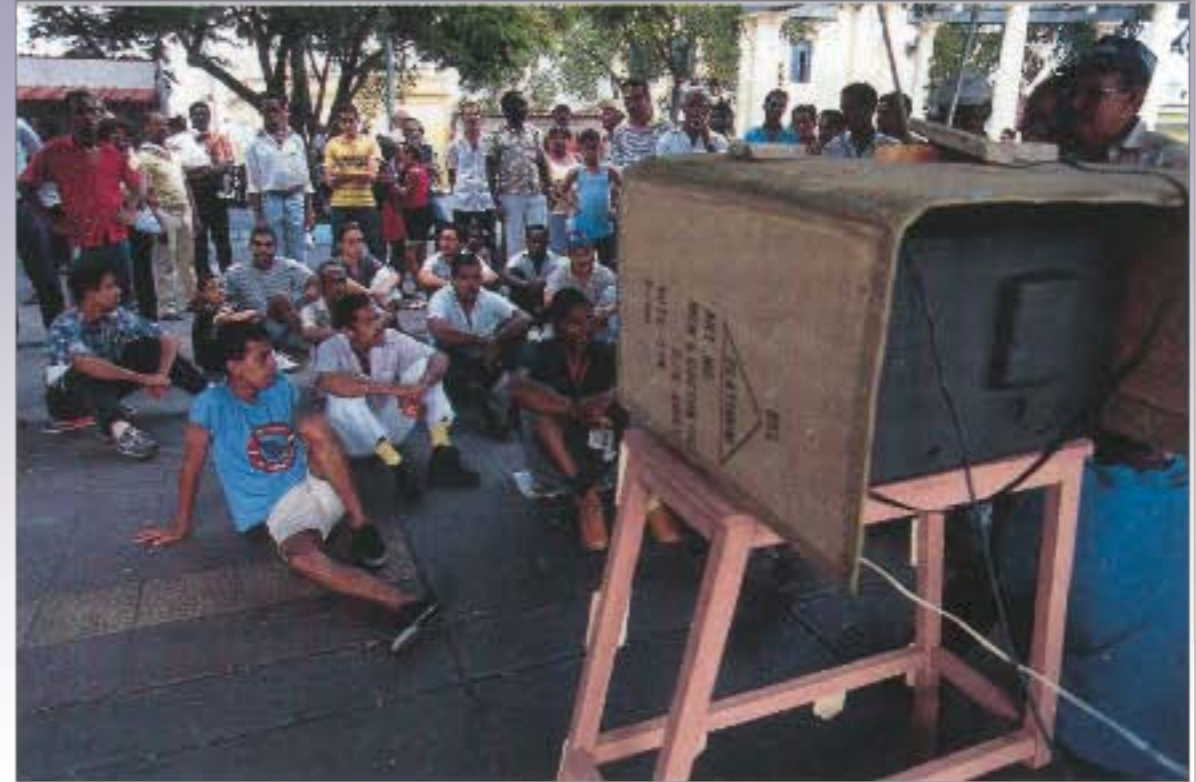
بسیاری از کارشناسان معتقدند که صنایع رایانه، ارتباطات و پخش (رادیو و تلویزیون) به سوی ادغام با یکدیگر پیش می‌روند.

### موجودیت آب از ۱۹۹۵ تا ۲۰۲۵ (به درصد)



جامعه اطلاعاتی که با سرعت بسیار متفاوتی در مناطق مختلف جهان در حال ظهور است، امیدهای بزرگی را در مورد دسترسی عموم انسان‌ها به دانش، ارتباطات و فرهنگ به وجود آورده است. اما این جامعه با چالش عمده‌ای روبه‌رو است و آن نابرابری در دسترسی به امکاناتی است که بین کشورهای توسعه‌یافته و رو به توسعه و نیز در بطن هر کشور خودنمایی می‌کند. بسیاری از کارشناسان معتقدند که صنایع رایانه، ارتباطات و پخش (رادیو و تلویزیون) به سوی ادغام با یکدیگر پیش می‌روند. امروزه، اطلاعات، صدا و تصویر را می‌توان با استفاده از رمزهای رایانه‌ای مشابهی با سرعت زیاد ارسال کرد؛ اما تبدیل واقعیت

به اعداد و نمادهای ریاضی بدون عیب نیست؛ بدین معنا که با تضعیف ارتباط وجودی با واقعیت، راه برای بسیاری از سوءاستفاده‌ها همچون دست بردن در تصاویر یا حقه‌های الکترونیکی باز می‌شود. اما مهم‌تر از همه آنکه رواج این شیوه انتقال داده‌ها موجب دامن زدن به نوعی گرایش به اختلاط و جابه‌جایی بین واقعیت و تخیل، بین امر طبیعی و امر مصنوعی و بین واقعیت و نمود آنچه‌که واقعیت پنداشته شده است، می‌گردد. با استفاده از این شیوه، زمینه برای دست بردن و تقلب در رمزها، تصاویر و نمادها مهیا می‌شود. با این وصف، گسترش فناوریهای جدید، امیدهای بزرگی را به وجود



فقط پنج درصد از مردم جهان به منابع جدید اطلاعاتی دسترسی دارند. چگونه باید تبعیض فنی را از بین برد؟

آورده است؛ زیرا نسل نوین ابزارها می‌تواند موجب تسهیل در توسعه، آموزش و انتقال دانش، دموکراسی و کثرت‌گرایی شود. اما روند تحول جاری، پرسش‌های اساسی را نیز در مورد پیامدهای این صورت از جهانی شدن برانگیخته است؛ بدین ترتیب که فناوریهای جدید اطلاعات و ارتباطات گذشته، از نوآوری صنعتی به تبعات اجتماعی نیز منجر می‌شود که باید بدانها پرداخت. به طور نمونه، چگونه می‌توان با این شیوه بسیار جدید، به آن بند از اساسنامه یونسکو که خواستار «حفظ، افزایش و اشاعه دانش» است، عمل کرد؟ برخی از هم‌اکنون بدون هیچ تمایزی از «جامعه اطلاعاتی» و «جامعه دانش» سخن می‌گویند. آیا نباید به یکسان پنداشتن «اطلاعات» و «آگاهی» پایان داد؟ آیا فوران اطلاعات موجب ممانعت از آگاهی - که مستلزم مهار اطلاعات توسط دانش و تفکر انتقادی و به طور خلاصه توسط آموزش است - نمی‌شود؟

مهم‌ترین مسئله آن است که مشارکت در «تمدن

غیرمادی» در نقاط مختلف جهان بسیار نابرابر است. در وضعیتی که فناوریهای جدید، یکی از کلیدهای قرن بیست و یکم برای دسترسی به اطلاعات و ایجاد شبکه‌های آموزش از راه دور است، چگونه باید «تبعیض فنی» را از میان برد؟ آیا نظامی که در آن فقط پنج درصد از افراد به منابع جدید اطلاعاتی مانند اینترنت دسترسی دارند - چنانکه پل کندی در نشست «گفت‌وگوهای قرن بیست و یکم» یونسکو گفت - نظامی غیر دموکراتیک و ناپایدار است؟

**آیا فوران اطلاعات موجب ممانعت از آگاهی نمی‌شود؟**

## تعمیق دموکراسی؟



شمارش آرای انتخابات ریاست‌جمهوری در تیمر

اغلب چالش‌هایی را که در مسیر «جهانی شدن» بدان‌ها اشاره کردیم، آیا ضرورت فزاینده‌ای را برای تقویت دستگاه‌های اداره‌کننده در سطوح بین‌المللی و منطقه‌ای ایجاد نمی‌کند؟ به گفته پطروس پطروس غالی: «در حال حاضر یگانه نهاد موجود که توانایی حل مشکلات جهانی را دارد، سازمان ملل متحد است». در دورانی که وابستگی‌های متقابل ملت‌ها، آنها را متوجه مشترک بودن سرنوشت‌شان کرده است، حل مشکلات عرصه‌های گوناگونی همچون: محیط‌زیست، بهداشت، مبارزه با فساد و جنایت سازمان یافته نیازمند اقدامی هماهنگ در سطح جهانی است. مشکلاتی از این قبیل، از مرزها فراتر می‌روند و

هیچ کشوری به تنهایی قادر به حل آنها نیست. برای مقابله با چالش‌های آینده که پیچیده، جهانی و به هم پیوسته‌اند، هیچ چیز مشکل‌تر و در عین حال ضروری‌تر از آن نیست که انسان‌ها زیستن با یکدیگر را فرا گیرند. آیا اکنون که بازار تدریجاً به سوی جهانی شدن پیش می‌رود، جامعه بشری نیز به سوی اشکال مترقی‌تری از دموکراسی بین‌المللی و منطقه‌ای در حرکت است؟

عوامل جدیدی در صحنه بین‌المللی پدیدار شده‌اند که روال دموکراسی، مشارکت، روابط و حتی قواعد همکاری بین‌المللی را تغییر داده‌اند. قطعاً، نظام کشوری جهان در قرن بیست و یکم از بین نمی‌رود، اما به نظر می‌رسد که قدرت جامعه مدنی در چارچوب کشورها و در عرصه بین‌المللی رو به فزونی بگذارد. آیا فرهنگ دموکراسی جدید در آینده موجب تعمیق روابط بین دموکراسی مبنی بر نمایندگی و دموکراسی مشارکتی خواهد شد؟ قرن بیست و یکم باید به این پرسش اساسی پاسخ گوید: چگونه می‌توان در رویارویی با این چالش‌ها و تهدیدها، به انسانی کردن روند جهانی شدن پرداخت؟

## به سوی برابری زن و مرد؟



طی دهه‌های آینده باید نقش زنان تقویت شود و اغلب جوامع به سوی برابری بیشتر بین زن و مرد حرکت کنند.

نابرابری زن و مرد از مشخص‌ترین نابرابری‌های مربوط به توسعه است که کلیه کشورها، حتی پیشرفته‌ترین‌ها و آنهایی که به دستاوردهایشان در همین عرصه می‌بالند، بدان دچار هستند. برخلاف آنچه که ممکن است به نظر آید، پیشرفت در زمینه برابری زن و مرد همیشه با ثروت کشورها یا حتی — آنچه که ابتدا حیرت‌آور می‌نماید — به سطح «توسعه انسانی» آنها، مطابق توصیف «برنامه توسعه سازمان ملل» (UNDP) مرتبط نیست. این برابری پیش از هر چیز به طرز تلقی نسبت به مفهوم توسعه، اراده سیاسی، تحول فرهنگی و تعهد کل جامعه بستگی دارد. مسلماً طی دهه‌های گذشته در سطح جهانی، پیشرفت‌های بزرگی به‌ویژه در زمینه‌هایی که در حوزه وظایف **یونسکو** نیز قرار دارد، صورت گرفته

است. با توجه به این تحولات، طی دهه‌های آینده باید نقش زنان تقویت شود و اغلب جوامع به سوی برابری بیشتر بین زن و مرد حرکت کنند.

مهم‌ترین این پیشرفت‌ها، در عرصه آموزش صورت گرفته است. در زمینه بهداشت نیز پیشرفت‌های قابل توجهی مشاهده می‌شود، بدین ترتیب که میزان امید به زندگی زنان ظرف بیست سال اخیر با آهنگی معادل ۲۰ درصد، بیش از میزان متوسط بارور شدن آنان رشد کرده و میزان متوسط بارور شدن آنان یک سوم نسبت به گذشته کمتر شده است. همچنین، دست‌کم در برخی از کشورها، درهای سیاست تدریجاً به روی زنان گشوده می‌شود. برخلاف بعضی از پیشداوری‌ها، پیشرفت‌هایی از این دست، در کشورهای جنوب محسوس‌تر از کشورهای شمال بوده است.

با وجود این، پیشرفت‌های ۳۰ سال گذشته در زمینه‌های آموزش، بهداشت و مشارکت، به هیچ وجه برای حذف همه موانع برابری زن و مرد کافی نبوده است. در زمینه آموزش، حدود دوسوم از ۸۸۰ میلیون بی‌سوادان جهان را زنان تشکیل می‌دهند. در زمان حاضر، از هر سه زن بالغ، یک زن خواندن و نوشتن بلد نیست و اغلب این گونه زنان در مناطق روستایی زندگی می‌کنند. زنان، خصوصاً در جهان سوم، به‌رغم آنکه از لحاظ بهداشت و تغذیه نیازهای ویژه‌ای دارند، در قیاس با مردان از امکانات کمتری برخوردار می‌شوند. زنان



زنان در اموری همچون: مالکیت، میراث و حقوق مربوط به ازدواج و طلاق هنوز از حق برابر با مردان برخوردار نیستند.

### ۷۰ درصد از کسانی که در فقر مطلق به سر می‌برند را زنان تشکیل می‌دهند.

همچنین در عرصه‌های سیاسی و شغلی، به‌رغم تحولات مثبت اخیر، هنوز با «موانع نامرئی» روبه‌رو هستند. فقر بیش از همه شامل حال زنان است: ۷۰ درصد از کسانی که در فقر مطلق به سر می‌برند را زنان تشکیل می‌دهند و شمار زنان دچار فقر در مناطق روستایی طی ۲۰ سال تقریباً دو برابر شده است. در زمینه کار، افزایش سطح تخصص زنان هنوز به افزایش برابر دستمزد و تساوی واقعی حقوق و اعتبار اجتماعی نینجامیده است. به عبارت دیگر، اکثر زنان همچنان در وضعیتی محدود هستند که برخی از اقتصاددانان آن را «حلبی‌آباد زیبا» می‌نامند. زیرا آنان در بخش اداری کمترین حقوق را می‌گیرند، در بخش کشاورزی در حد بخور و نمیر امرارمعاش می‌کنند و در اغلب مشاغل، جزو کارکنان

بخش خدمات هستند. وانگهی در سراسر جهان، زنان بخش عمده‌ای از جمعیت بیکار را تشکیل می‌دهند. به علاوه، زنان هنوز از حق برابر با مردان در اموری چون مالکیت، ارث و حقوق مربوط به ازدواج و طلاق برخوردار نیستند. عدم برخورداری زنان از حقوق راستین انسانی در آزار و سرکوب روحی و جسمی آنان نیز نمود می‌یابد. به این ترتیب، هنوز در اثنای جنگ‌ها از خشونت علیه زنان و تجاوز، به عنوان سلاحی جنگی که رعب و وحشت ایجاد می‌کند، استفاده می‌کنند. هنوز در نقاط مختلف جهان، مواردی همچون خشونت خانگی، سوءاستفاده جنسی از دختران خردسال، قطع عضو جنسی، استثمار دختران جوان از طریق «گردشگری جنسی»، سقط جنین‌ها گزینشی و قتل کودکان دختر، پدیده‌های بسیار رایجی هستند.

## دیدارهای جدید بین فرهنگی



صحنه‌ای از فیلم *خدایان*  
به سرشان زده است؛ ساخته  
جیمی اویس اهل آفریقای  
جنوبی (۱۹۹۴)

احتمال می‌رود که ظهور فن‌آوریهای جدید اطلاعات و ارتباطات، ایجاد شبکه جهانی اطلاعات و توسعه فزاینده تعامل و اتصال، علاوه بر ایجاد تغییرات مهم در چشم‌انداز اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جهان طی دهه‌های آینده، چشم‌انداز فرهنگی را نیز به نحوی بنیادین دگرگون سازد.

نخستین پرسش اساسی آن است که آیا جهانی شدن و فن‌آوریهای جدید به توسعه کثرت‌گرایی فرهنگی، گفت‌وگو و دیدار فرهنگ‌ها با یکدیگر کمک خواهد کرد؟ اگر آری، این دیدارها چگونه خواهند بود؟ آیا مثبت و خلاق خواهند بود، یا دشمنانه و ویرانگرانه؟ آیا به سوی «برخورد» فرهنگی می‌رویم، یا به سوی آمیزش فرهنگی و قومی؟

**چگونه  
می‌توان  
دسترسی  
همگان را  
به فرهنگ و نیز  
به کلیه فرهنگ‌ها  
تضمین  
کرد؟**

آیا دیدارهای جدید بین فرهنگی، زمینه را برای سلطه یک یا چند فرهنگ بر سایرین (یا حتی همگون شدن فرهنگی که برخی از آن بیمناکانند) فراهم‌نخواهد کرد؟ یا شاید به عکس، این دیدارها به حاد شدن تفاوت‌های فرهنگی و تجزیه‌های جدید فرهنگ‌ها منجر شود؟ به عبارت دیگر، در جهانی که اجزایش را انواع شبکه‌ها روز به روز به یکدیگر نزدیک‌تر می‌سازند، تنوع گسترده فرهنگی موجود چه سرنوشتی خواهد یافت؟ فراموش نکنیم که دست‌کم نیمی — و شاید بسیار بیشتر — از ۵۰۰۰ الی ۶۷۰۰ زبان زنده جهان احتمالاً تا پایان قرن بیست و یکم از میان خواهند رفت. آیا هویت‌های فرهنگی طی دهه‌های آینده جانشین شهروندی خواهند شد یا آن را تقویت و بازآفرینی خواهند کرد؟ به اعتقاد آلن تورن، جامعه‌شناس فرانسوی، «مهم‌ترین پرسشی که اندیشه و عمل سیاسی باید بدان پاسخ دهد، چنین است: چگونه پیوند میان فضای بیش از حد باز اقتصاد و دنیای بیش از حد بسته و تجزیه شده فرهنگ‌ها را دوباره برقرار کنیم؟» به این ترتیب، پرسش بعدی چنین شکل می‌گیرد: جامعه اطلاعاتی

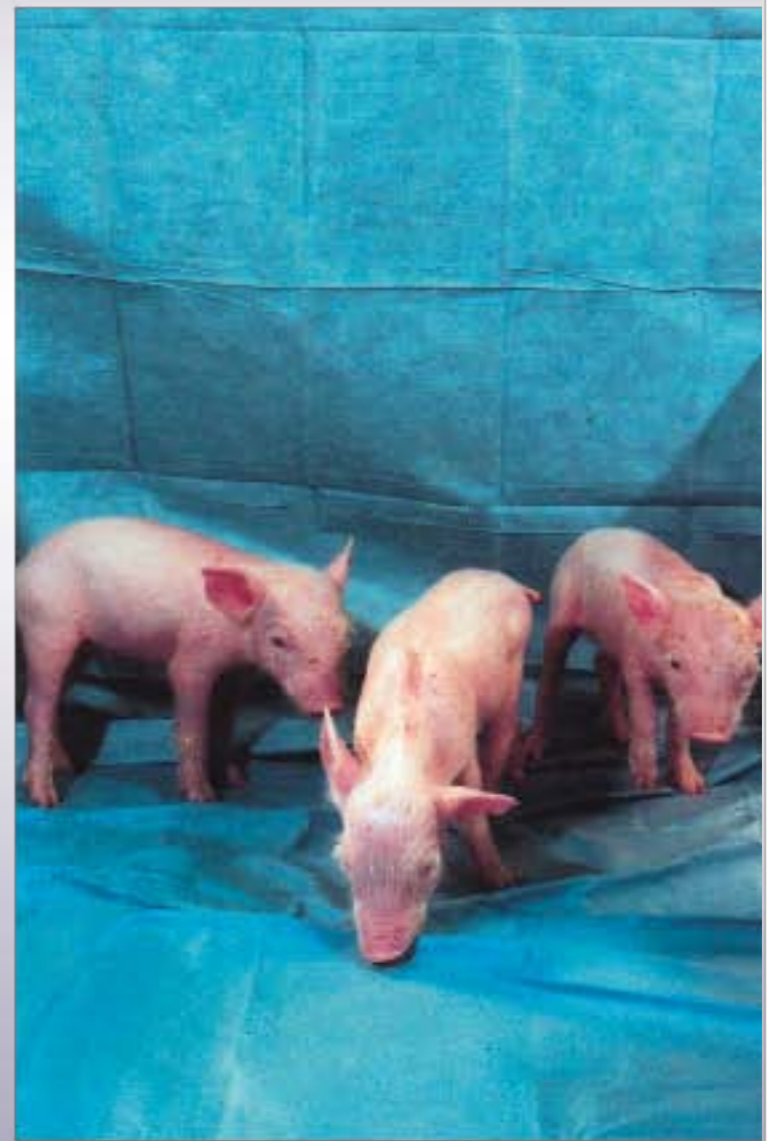
و شبکه‌ها زمینه ظهور چه نوعی از هویت‌ها و تشکیلات حکومتی را فراهم می‌سازد؟ گرایشی دیگر که درخور توجه است، فنی کردن فرهنگ است. استفاده از فنون صنعتی در فرهنگ، هر چند انتشار کالاهای فرهنگی را آسان ساخته است، اما ظاهراً مقدمه انقراض شیوه‌های سنتی تولید و انتقال فرهنگ نیز به شمار می‌رود. آیا امکانات جدید کپی‌برداری، پخش، ترکیب مجدد و دستکاری تصویر و صدا، زمینه را برای ظهور جامعه‌ای سراسر مجازی مهیا خواهد کرد؟ تحت چنین شرایطی، مالکیت فکری چه معنایی خواهد داشت؟ تکلیف حق مؤلف چه خواهد شد؟ چالش دیگر قرن بیست و یکم تضمین دسترسی همگان به فرهنگ و به کلیه فرهنگ‌هاست. چگونه باید گفت‌وگوی راستین را بین انسان‌ها اشاعه داد؟ جهان رایانه به کدام سو خواهد رفت؟ شبکه‌ها بازتر خواهند شد یا انحصاری‌تر؟ از این جهت، قطعاً یکی از موضوعات عمده در دهه‌های آینده، اشاعه اطلاعات در عرصه عمومی و تأمین دسترسی بدان، به‌ویژه در کشورهای رو به توسعه خواهد بود.



تابلوه‌ای راهنمای جاده  
به زبان‌های فرانسه و  
اسپانیا (فرانسه)

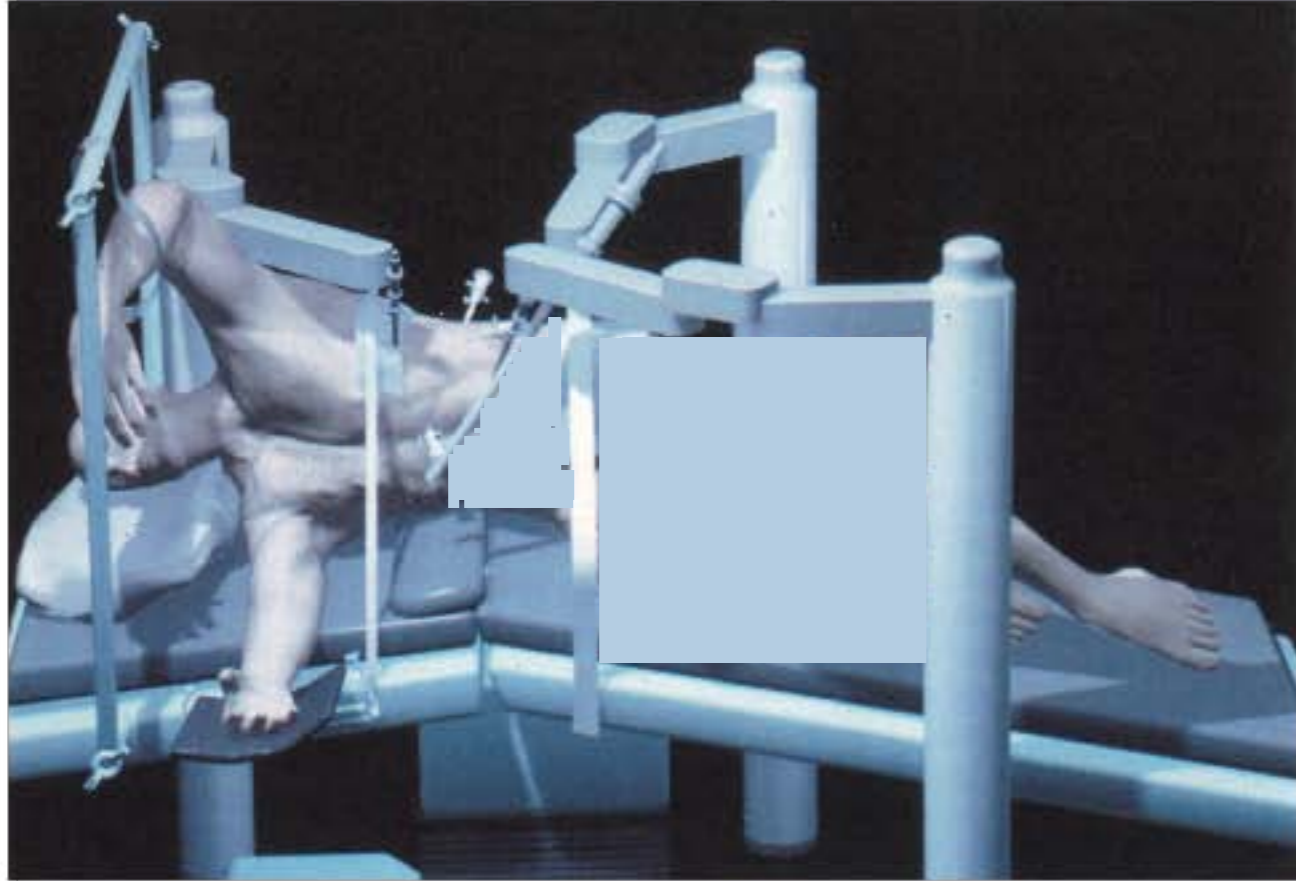
تأثیر فن‌آوریهای جدید بر کتاب و مطالعه چگونه خواهد بود؟ رایانه‌ای شدن روزافزون نوشتار باعث پیدایش اشکال جدیدی از نوشتن، خواندن و نیز چاپ و انتشار متون شده است. امروز، خوانندگان به لطف رواج شیوه دوطرفه، در مقابل متن از امکانات بی‌سابقه‌ای برخوردار شده‌اند و ممکن است مطالعه به‌فعالیتی جمعی و چندگانه تبدیل شود. افزون بر این، فن‌آوریهای جدید سبب تحولات چشمگیری در خلق دانش و ارتباط با آن خواهند شد. احتمالاً متون درسی و به‌طور کلی متون آموزشی قرن بیست و یکم، باهدف تعامل بیشتر بین زمینه‌های متفاوت دانش طراحی خواهد شد تا بتواند پاسخگوی نیازها و علائق فردی همه دانش‌آموزان باشد. به این ترتیب، متون مذکور ترویج‌دهنده خود تعلیمی و خودآموزی و شیوه جدیدی از مطالعه خواهند شد که می‌توان آن را به نوعی جهت‌یابی تشبیه کرد. گرایش عمده دیگر، توسعه مفهوم میراث است که طی دهه‌های اخیر گسترش یافته و علاوه بر میراث فرهنگی و طبیعی، میراث‌های غیرمادی، نمادین، روحی و بالاخره میراث ژنوم انسانی را شامل شده است. میراث در دهه‌های آینده، چه قلمروهای دیگری را دربر خواهد گرفت؟

## چالش‌های اخلاقی علم و فناوری



توانایی دستکاری موجودات

پیشرفت‌های متعددی در زمینه‌هایی همچون زیست فناوری، ژنتیک، فیزیک فضایی و علوم مربوط به پدیده‌های بی‌نهایت کوچک تا پدیده‌های بی‌نهایت بزرگ، تصور ما را از موجودات زنده و جهان پیرامونمان دستخوش تحولی اساسی کرده است. این پیشرفت‌های علمی و فنی در بسیاری از موارد، امیدهای بزرگی را برای انسان به وجود آورده است. از آن جمله است: پیشرفت در مهندسی ژنتیک که راه را برای ژن درمانی هموار می‌کند، یا فنون استفاده از تأثیر انرژی و شاخه فناوری نانو که آمیزه‌ای از فنون پزشکی و رایانه‌ای است. استفاده از زیست فناوری در کشاورزی نیز در صورتی که به درستی مهار شود، می‌تواند در زمینه مبارزه با کمبودهای مواد غذایی کمک کند. اما این پیشرفت‌ها، پرسش‌ها و نگرانی‌های اخلاقی را نیز سبب شده‌اند. مهم‌ترین پرسش، به کاربرد فناوری روی موجودات زنده و به ویژه انسان برمی‌گردد؛ آیا توانایی در تقلید از طبیعت و دستکاری موجودات زنده، حتی انسان، به «بهترین دنیا» - که آلدوس هاکسلی پیش‌بینی کرده است - به وضعیتی غیرقابل قبول از حیث اخلاقی منجر نخواهد شد که در آن انسان‌هایی به «اهلی



ماهیت انسان و تمامیت زیست‌شناختی وی، در معرض تهدید است.

کردن» انسان‌های دیگر می‌پردازند؟ انسانی که مورد دستکاری، تجربه، مثله و حتی نابودی قرار می‌گیرد، چه منزلتی خواهد داشت؟ معنای زندگی و مرگ در چنین شرایط جدیدی چه خواهد بود؟ چه کسانی درباره «مفید بودن» این یا آن خصوصیت ژنتیکی تصمیم‌گیری خواهند کرد؟ مسلماً دستکاری در میراث ژنتیک انواع گیاهی و جانوری طی دهه‌های آینده چالشی بی‌سابقه برای محیط‌زیست جهانی خواهد بود. گذشته از مسائل اجتماعی و زیست‌محیطی، ماهیت انسان و تمامیت زیست‌شناختی وی در معرض تهدید است. انسان

امروز قادر است میراث ژنتیک همه موجودات از جمله خویش را تغییر دهد و متأسفانه می‌تواند حتی برای نابودی خود برنامه‌ریزی کند. آنچه که ضروری می‌نماید، پذیرش این اصل مهم است که باید نیروی لگام گسیخته فناوری را در چارچوب رهنمودهای اخلاقی و عقلی مهار کنیم. در مورد فناوری، این سخن منتسکیو راست می‌نماید که گفته است: «هر نیروی مطلقی، مطلقاً فاسدکننده است». در مورد علم باید این سخن را به یادآوری کنیم که گفته است: «علم بدون وجدان، به جز تخریب روح نیست».

بخوانیم

دانشمندان، روشنفکران و هنرمندان، کلیدهای ورود به قرن بیست و یکم را در اختیار ما می‌گذارند. انتشارات یونسکو



## نیمی از زبان‌های دنیا در معرض نابودی‌اند

پاریس – **یونسکو** با انتشار تحقیقی هشدار داد که حدود نیمی از ۶۰۰۰ زبان زندهٔ جهان ، تحت فشار زبان‌های مسلط یا سیاست‌های سرکوبگرانه ، در معرض نابودی هستند.

زبان‌های اقلیت و میراث آنها در سراسر جهان در مخاطره‌اند. **یونسکو** در بیانیه‌ای خاطر نشان کرده است: «امروزه، دست‌کم ۳۰۰۰ زبان در معرض خطر نابودی و یا در حال نابودی‌اند. با مرگ و نابودی یک زبان، یک واحد بی‌جان‌شین از آگاهی و درک اندیشهٔ انسانی برای همیشه از دست می‌رود».

تحقیق ۹۰ صفحه‌ای یونسکو که *اطلس زبان‌های درمعرض نابودی جهان* نام گرفته ، وضعیت زبان‌های قارهٔ امریکا و استرالیا را مورد تأکید قرار داده است. سیاست‌های همگون‌سازی که تا دههٔ ۷۰ در سرزمین کانگوروها برقرار بود، باعث نابودی صدها زبان بومی شد. در ایالات

متحدهٔ امریکا، از صدها زبانی که پیش از ورود مهاجران اروپایی وجود داشت ، کمتر از ۱۵۰ زبان باقی مانده است.

در اطلس مذکور، همچنین از «مناطق بحرانی» مانند تایوان یاد شده است که ۲۳ زبان محلی آن « تحت فشار زبان چینی خاموش شده است». یکی دیگر از این مناطق، کالدونی جدید است که زبان فرانسه در آنجا زبان‌های محلی را به کناری رانده است . این اطلس که پنجاه زبان در مخاطره را نیز در فرانسه، کشورهای اسکانندیناوی و شمال روسیه برمی‌شمارد، علت های متعددی را در انقراض زبان‌ها دخیل می‌داند. برخی از عمده‌ترین این علت های عبارت‌اند از: سیاست‌های همگون‌سازی یا سرکوبگرانهٔ دولت‌ها، فشارهای اقتصادی، مهاجرت‌ها و بلاهای طبیعی . بر اساس نوشتهٔ این اطلس، بسیاری از زبان‌های اقلیت در چین به علت فشار دولت در موقعیت بدی قرار گرفته‌اند. در افریقا نیز حدود ۵۵۰ زبان از ۱۴۰۰ زبان محلی رو به افول گذاشته‌اند و از این تعداد ۲۵۰ زبان فاصلهٔ چندانی با نابودی کامل ندارند .

## کوئیکچرو ماتسوئورا مدیر کل یونسکو

## «جنگل‌ها در پیش مردمان هستند و صحراها در پس آنها»

سال گذشته از میان رفته است . روند نابودی جنگل‌های استوایی احتمالاً از ۱۳۰۰۰۰ کیلومترمربع در سال فراتر می‌رود. این بهره‌برداری نامناسب و افراطی از منابع جنگلی، تنوع زیستی را که برای بقای انسان ضروری است ، به شدت تحت فشار قرار می‌دهد. **یونسکو**

ایندیرا نات، دانشمند علوم پزشکی، به

خطر انجام تحقیقات در زمینهٔ توسعهٔ دارو و واکسن برای درمان جذام برندهٔ جایزهٔ معتبر «اورثال»**یونسکو** شد. این جایزهٔ ۲۰۰۰۰ دلاری هر سال در روز بین‌المللی زن به یک دانشمند زن اعطا می‌شود.

پرفسور ایندیرا نات جزو نخستین نفر از پنج دانشمندی است که امسال جایزهٔ «زنان در علم» را بردند. سایر برندگان عبارت‌اند از: شرلی تیلگمن، اولین رئیس مؤنث دانشگاه پرینستون امریکا؛ نجوا مگوید، محقق ژنتیک از مصر؛ آنا ماریا لویز – کولومه از مکزیک و ماری اوزبورن از آلمان.

دلیل اعطای جایزه به این دانشمندان چنین اعلام شد: پرفسور تیلگمن به خاطرانجام تحقیقات

## اعطای جایزهٔ یونسکو به دانشمند هندی

در

زمینهٔ شبیه‌سازی، پرفسور مگوید به دلیل فعالیت در زمینهٔ پیشگیری از بیماری‌های روانی و سندروم داونز، پروفسور لویز – کولومه به خاطر تحقیقات دربارهٔ بیماری‌های شبکیهٔ چشم و پرفسور اوزبورن به خاطر تحقیقات کاربردی در زمینهٔ تشخیص تومورها.

طی این مراسم که در مقر **یونسکو** در پاریس برگزار شد، خانم ماریان گرونبرگ ماناگو نیز به خاطر تلاش‌های علمی‌اش، خصوصاً تحقیق در مورد رمزهای ژنتیک، برندهٔ جایزه به صورت مادام‌العمر اعلام شد. **هندو (هند)**

## بازگشت روزنامهٔ کابل ویکلی بخش خبری تریبون

یک روزنامهٔ مستقل به نام «کابل ویکلی» پس از پنج سال تعطیلی دوباره با کمک **یونسکو** در پایتخت افغانستان منتشر شد .

به گفتهٔ مسئولان دفتر **یونسکو** در دهلی نو، کابل ویکلی یکی از نخستین نشریات مستقلی است که پس از سقوط حکومت طالبان در افغانستان انتشار یافت.

اولین شمارهٔ این روزنامهٔ احیا شده طی مدتی کمتر از دو ماه به وسیلهٔ همان روزنامه‌نگاران منتشر شد که کابل ویکلی(«هفته‌نامهٔ کابل») را در فوریهٔ ۱۹۹۳، در بحبوحهٔ

جنگ بین جناح‌های رقیب مجاهدین، بنیاد نهاده بودند.

**یونسکو** با اعطای ۱۲۰۰۰ دلار به احیای روزنامه کمک کرد .

**یونسکو** ، پیش‌نویسی را برای «پیمان‌نامهٔ حفاظت از میراث فرهنگی زیر آبی» تهیه کرد . در سند یاد شده ، که تهیه و تکمیل شدن آن چهار سال به طول انجامید ، دخل و تصرف در کلیهٔ بقایای کشتی‌های غرق شده به وسیلهٔ شرکت‌های خصوصی و جست وجوگران گنج ، ممنوع اعلام شده است.

طبق برآوردها، بقایای حدود ۳ میلیون کشتی غرق شده در اقیانوس‌های جهان وجود دارد. به موجب قوانین فعلی، دولت‌های کشورهای مختلف در مورد بقایای موجود در آب‌های ساحلی خود حق تصمیم‌گیری دارند ، اما هیچ کشوری درمورد آب‌های بین‌المللی حقی ندارد و هیچ قانونی نیز برای محافظت جهانی این بقایا تدوین نشده است.

دغدغهٔ اصلی **یونسکو** آن است که آثار یافته شده توسط شرکت‌های خصوصی، کاملاً ثبت و محافظت نمی‌شوند. این آثار غالباً به مجموعه‌داران فروخته ، و در سراسر جهان پخش می‌شوند که به این ترتیب ارزش میراث‌های مذکور کاهش می‌یابد و یا از میان می‌رود. پیش نوس این پیمان‌نامه باید ابتدا به تأیید دست‌کم ۲۰ کشور برسد تا جنبهٔ قانونی پیدا کند .



## اِحیاء خلاصه

مجلس مَلّی فرانسه «قانون هماهنگ» را به منظور حمایت از بازار هنر مورد تأیید قرار داد.

مجلس فرانسه اعلام کرد که قصد دارد قرارداد «قانون هماهنگ» را که در سال ۱۹۹۵ به تصویب

**یونسکو** رسیده بود، تأیید کند. «قانون هماهنگ» گامی فراتر از مسئول شناختن‌دولت‌ها در مورد قاچاق

آثار هنری است که قبلاً طی «پیمان نامهٔ ۱۹۷۰» **یونسکو مقرر** گردید. به موجب «قانون‌هماهنگ»،

این مسئولیت متوجهٔ خریداران دولتی یا خصوصی آثار مذکور نیز می‌باشد و درصورتی که اثر هنری مشکوکی را در تملک داشته باشند ، موظف خواهند بود تا حسن نیت خود را اثبات کنند . برخلاف ادعای

برخی از مؤسسات ، «قانون هماهنگ» ، عطف به ماسبق نخواهد شد، زیرا قانون فرانسه چنین اجازه‌ای را نمی‌دهد. شورای بین‌المللی موزه‌ها (Icom) (ناظر وظیفه‌شناسی‌موزه‌ها) ضمن ابراز خشنودی از این نخستین گام فرانسه خاطر‌نشان کرد که باید جانب احتیاط را درخوشیینی نگاه داشت ؛ زیرا فرانسه پیمان‌نامهٔ ۱۹۷۰ را با هفده سال تأخیر مورد تأیید قرار داد .

لوفیکارو (فرانسه)

روزنامهٔ لاپرس (کانادا)

اکشن آسیا (هنگ کنگ)



اخبار یونسکو

۵۸



اخبار یونسکو

۵۷



اخبار یونسکو

۵۹

نوشتهٔ کاوتیا باجلی – دات
دهلی‌نو : پیوش سینگ ۹ ساله اغلب شب‌ها دچار کابوس‌هایی تکراری می‌شود که در آنها دستی بریده به سویش می‌آید و یا وارد حمامی پر از اسکلت می‌شود.

این تصاویر وحشتناک هنگامی وارد رؤیاهای شبانهٔ پیوش شد که وی تماشای یک سریال ترسناک تلویزیونی را شروع کرد. او که تا چندی پیش مانند سایر همسالانش زندگی آسوده‌ای داشت، حالا یکسره در چنگ وحشت از غول‌ها و ارواح اسیر است. پیوش به اعضای «مرکز تحقیقات و حمایت» که مشغول تحقیقات دربارهٔ تأثیر خشونت

رسانه‌ها بر کودکان بودند، گفت: «در خواب‌هایم یک دست بریده را می‌بینم که توی سینی است. وقتی به دستشویی می‌روم آنجا پر از اسکلت است و من فریاد می‌کشم».

اظهارات کودکان بسیاری همچون پیوش در مورد اضطراب‌هایشان، محققان را متوجه این نکته کرده است که اگر کودکان به دور از نظارت والدین به تماشای برنامه‌های تلویزیونی بپردازند، تحت تأثیرات عمیقی قرارخواهند گرفت .

در این تحقیق معلوم‌شده‌است که ۷۵ درصد ازبرنامه‌هایتلویزیونی

## تأثیر فیلم‌های خشن و ترسناک تلویزیون بر کودکان

حاوی نوعی خشونت هستند و بر کودکان که غالباً به نمایش فیلم‌های ترسناک و مهیج علاقه دارند، آثار سوء روانی و احساسی شدیدی بر جا می‌گذارند. تحقیق یاد شده که با حمایت یونیسف، **یونسکو** و بنیاد فورد در شهرهای دهلی، احمدآباد، لوک ناو، حیدآباد و کلکته صورت گرفت، شامل کودکان ۶ تا ۱۲ سال از گروه‌های مختلف اجتماعی–اقتصادی بود . تحقیق نشان داد که حوادث خانوادگی ، ۵۵ درصد از مجموع صحنه‌های خشونت‌بار تلویزیونی را تشکیل می‌دهد و کودکان ، روزانه بین ۲ تا ۱۰ ساعت وقت خود را صرف تماشای تلویزیون می‌کنند.

آخیلا سیواداس، مدیر اجرایی مرکز تحقیقات می‌گوید: «ما پی بردیم که حتی در برنامه‌های ویژهٔ کودکان مانند کارتون‌ها نیز وقایع خشونت‌بار زیادی وجود دارد . همچنین متوجه شدیم که ۵۰ درصد از ساعت های پربینندهٔ تلویزیون ، به پخش سریال‌های خانوادگی و ۹ درصد از این ساعت ها به پخش فیلم‌های پر از وحشت و قتل و هیجان اختصاص دارد . وانگهی ۹۰ درصد از فیلم‌های پرطرفدار، فیلم‌های حادثه‌ای‌اند که در آنها تعداد صحنه‌هایخشونت‌بار بی‌اندازه زیاد است» .

**دهلی ایچ (هند)**



. . . سیواداس می‌افزاید: «کودکان مجذوب صحنه‌های غیرقابل پیش‌بینی، پر هیجان و دلهره‌آور می‌شوند. کودکی به ما گُفت که نگران است مبدا آنچه را که در فیلم می‌بیند واقعاً اتفاق بیفتد.»محققان از بریدهٔ برنامه‌های مختلف تلویزیونی ، تمرینات شفاهی ، نقاشی و گفت‌وگو به عنوان ابزار تحقیق استفاده کردند و دیده شد که کودکان بریده‌های فیلم‌ها را فوراً می‌شناسند. در مواردی مشاهده شد که آنها از صحنه‌های ترسناک وحشت می‌کنند، اما بی‌اختیار به تماشا ادامه می‌دهند. «نکتهٔ شگفت‌آور آنکه، کودکان تلویزیون و جنایت‌های واقعی گزارش شده در روزنامه‌ها و رسانه‌های الکترونیکی را به یکدیگر مربوط می‌دانستند» . به گفتهٔ سیواداس « تلویزیون موجب ترس و وحشت ، کابوس و باوری قوی به ماوراءالطبیعه در کودکانی که تمایل غیرارادی به تماشای صحنه‌های ترسناک و خشونت‌بار دارند ، شد» .

تحقیق همچنین نشان داد که کودکان چنان مجذوب تلویزیون هستند که تمایلی به بازی و مطالعه نشان نمی‌دهند. ویشووا موهان تاکور، روان‌شناسی که در احمدآباد فعالیت می‌کند ، می‌گوید: «آنچه که بیشتر نگران‌کننده است کمیت (برنامه‌ها) است تا کیفیت . ما نباید منتظر آن باشیم که دولت یا دست‌اندرکاران تولید فیلم ، تغییری در فیلمنامه‌ها بدهند. والدین نمی‌توانند از زیر بار مسئولیت شانه خالی کنند ؛ زیرا آنها تلویزیون را به خانه می‌آورند ».

شایلاجا باجپای که مشاور ارشد تحقیقات است می‌گوید: «کودکان قادر به تمیز دادن خیال از واقعیت نیستند و در اینجاست که والدین باید ایفای نقش کنند . هدف ما از این تحقیق، هشدار دادن به سیاست گذاران، صاحبان صنایع تلویزیون و تبلیغات ، والدین و معلمان است.»

(بخش اخبار هندو آسیایی)



## پیوستن کتاب مقدس گوتنبرگ به میراث اسنادی

مسئولان دانشگاه گوتینگن آلمان گفتند : کتاب مقدس گوتنبرگ به عنوان بخشی از میراث اسنادی جهانی به «*برنامهٔ حافظهٔ جهانی*» **یونسکو** سپرده می‌شود. **یونسکو** گواهی ثبت‌نام این کتاب را در «*برنامه حافظهٔ جهانی*» طی مراسمی در گوتینگن ارائه‌کرد. کتاب مقدس گوتنبرگ که نخستین کتاب بزرگ چاپی در غرب است ، در سال ۱۴۵۴ چاپ شد . « *برنامهٔ حافظهٔ جهانی*» علاوه بر حفظ میراث اسناد جهانی، کار روی این اسناد را با استفاده از فنّآوری جدید رایانه‌ای ممکن می‌سازد .

دِکان هرالد بنگلور

## مدیرکل یونسکواز پاکستان دیدار کرد

اسلام‌آباد – کوئچیرو ماتسوئورا، مدیرکل یونسکو، برای یک دیدار رسمی سه روزه عازم پاکستان و افغانستان شد .

مدیرکل **یونسکو** طی اقامت خود در

اسلام‌آباد با وزیران آموزش، فرهنگ ،

علم و فنّآوری و نیز وزیر پیشرفت زنان

پاکستان دربارهٔ موضوعات موردتوجه طرفین گفت‌وگو کرد .

او همچنین با گروه پشتیبانی افغانستان –

انجمنی از کمک‌کنندگان – و انجمن حفظ میراث فرهنگی افغانستان (SPACH) دیدار کرد.

مدیرکل **یونسکو** سپس طی مراسمی

که وزارت فرهنگ برگزار کرد ، رسماً سال

۲۰۰۲ را به عنوان سال بین‌المللی برای

میراث فرهنگی اعلام کرد.

ماتسوئورا بعد از آن، مدرسهٔ موقت

**یونسکو** را برای آوارگان افغان در کاپی

باستی (منطقهٔ محروم) در حومهٔ اسلام‌آباد

افتتاح کرد.

وی همچنین جایزهٔ صلح پیلار را به دو نفر

از اعضای «طرح مدارس متحد» **یونسکو** (مدرسهٔ گرامر راولپیندی و مدرسهٔ روتس موتته سوری) اعطاء کرد .

مدیرکل **یونسکو** در ادامهٔ سفر خود عازم افغانستان شد. هدف عمدهٔ این دیدار، تقویت فعالیت **یونسکو** در آن کشور ، خصوصاً در ارتباط با نیازهای بازسازی افغانستان در چارچوب زمینه‌های صلاحیت **یونسکو** – آموزش ، فرهنگ ، علوم و ارتباطات – بود .

نشان اینترنست (نیجریه)

در خاتمهٔ «اجلاس جهانی آموزش» که در آوریل ۲۰۰۲ در داکار سنگال برگزار شد ، ۱۳۳ کشور شرکت‌کننده از جمله نیجریه تعهد کردند که به طور منظم به اجرای برنامه‌های «آموزش برای همه» (EFA) که باید تا سال ۲۰۱۵ کاملاً محقق شود ، ادامه دهند .

هوبرت چارلز، نمایندهٔ **یونسکو** در نیجریه و غرب افریقا در راستای این هدف ، به اجرای دیدارهای مقدماتی که برای آماده‌سازی **میزگرد ۲ روزهٔ یونسکو و بخش خصوصی درمورد آموزش** (EFA) برنامه‌ریزی شده بود ، پرداخت. وی در این دیدارها با نمایندگان انجمن مشورتی کارفرمایان نیجریه (NECA) ، شورای تبلیغات پزشکان نیجریه(APCON) و مؤسسهٔ مدیریت کارکنان (IPM) به گفت‌وگو پرداخت . آقای چارلز در این دیدارها ، اهمیت مشارکت بخش خصوصی را در امر

است که «مجمع EFA » را به منظور



## توسعه گردشگری پایدار



در سال ۲۰۰۲ یک میلیون دلار برای توسعه گردشگری پایدار در برخی از زیباترین مناطق جهان که غالباً طبیعتی بسیار آسیب‌پذیر دارند، اختصاص یافت. این مبلغ صرف اجرای طرحی شد که هدف از آن ادغام گردشگری و حفظ محیط‌زیست در شش مکان ثبت شده در فهرست میراث جهانی است. نیمی از این مبلغ را یک شرکت تولیدکننده لوازم آرایش به نام اودا و نیم دیگر را «بنیاد سازمان ملل» تأمین کردند. مدیریت طرح مشترکاً به عهده یونسکو، برنامه زیست‌محیطی سازمان ملل (UNEP) و یک مرکز محافظت از مناطق استوایی به نام (RARE) است. منظور طرح، استفاده از گردشگری در جهت کاهش فشار بر تنوع زیستی است. مسئولان اجرای طرح کوشش کردند تا با همکاری مقامات محلی، صاحبان صنایع و مردم، به هماهنگ کردن امور آموزش زیست‌محیطی، برنامه‌ریزی، توسعه اقتصادی، کارآموزی و فنون بازاریابی بپردازند تا به این ترتیب الگویی برای استفاده از گردشگری در راستای محافظت از بوم‌های مهم فراهم آید. یکی از بخش‌های مهم طرح، وارد کردن متصدیان گشت در فعالیتهای ویژه محلی به منظور کمک به آنان در ارائه خدمات بهتر گردشگری و دستیابی به نظام مدیریت پایدار است.

گردشگری به بهترین نحو است». اجرای طرح یاد شده باید علاوه بر پیشگیری از آسیب دیدن مکان‌ها، منابع درآمدی را برای اداره بهتر این نقاط که بودجه‌ای عموماً محدود دارند، فراهم می‌سازد. وانگهی، بخشی از سود گردشگری باید نصیب ساکنان این مناطق شود که غالباً جزو گروه‌های کم‌درآمد و محروم هستند. به این ترتیب، آنان نیز به سرمایه‌گذاری در حفاظت از محیط‌زیست خود تشویق می‌شوند. مکان‌های میراث جهانی که طرح مذکور در آنها اجرا می‌شود، عبارت‌اند از: ذخیره‌گاه‌های زیست‌کره در سیان کائو و ال ویزکینو در مکزیک، پارک ملی تیکال در گواتمالا، ذخیره‌گاه زیست‌کره ریو پلاتانو در هندوراس و پارک‌های ملی کومودو و اوچونگ کولون در اندونزی.



شرکا

۶۱



## حمایت صنعت گردشگری از میراث

چند مؤسسه بزرگ گردشگری برای چهارمین سال متوالی حمایت خود را از طرح یونسکو موسوم به «حافظه‌های آینده» تجدید کردند. این مؤسسات شامل: شرکت ای اف (امریکا)، توی گروه (آلمان)، نوول فرونتی‌یر (فرانسه) و اس‌آس (بلژیک) — در نمایشگاه بین‌المللی گردشگری برلین متعهد شدند که به کوشش‌هایشان در جهت شناساندن میراث جهانی فرهنگی و طبیعی ادامه دهند. یکی از اهداف اعلام کردن سال ۲۰۰۲ به نام سال بین‌المللی میراث فرهنگی، متوجه ساختن گردشگران به این نکته بوده است که یکایک ما موظف هستیم تا از مکان‌های میراث حفاظت کنیم. برنامه «حافظه‌های آینده» تاکنون در تأمین هزینه بازسازی قصر شاهزاده گونگ در پکن، مدینا در تونس و بخش تاریخی شهر کراکو در لهستان مشارکت کرده است.

## استفاده از ماهواره برای مراقبت از گوریل‌های افریقایی

فهرست میراث جهانی ثبت شده است. آوارگان که در پی غذا و مسکن بودند، بخش‌های وسیعی از درختان جنگل را بریدند و به شکار گوریل‌ها پرداختند تا از گوشت‌شان استفاده کنند و یا آنها را به قاچاقچیان بفروشند. کشف معادن کولتان در منطقه نیز وضعیت را وخیم‌تر کرد. کولتان که برای سخت‌تر کردن فلزات استفاده می‌شود، در دستگاه‌های تلفن همراه نیز کاربرد دارد. به گزارش اتحادیه جهانی برای طبیعت (IUCN)، استخراج غیرمجاز کولتان در کاهوزی بی‌یگا و زیستگاه حیات وحش اوکاپی در شرق کشور، پیامدهای بوم‌شناختی وخیمی را در بر داشته است و «حیات وحش منطقه با سرعت زیادی رو به نابودی می‌رود». ابعاد واقعی خسارت‌ها هنوز معلوم نیست. قرار است مؤسسه قضایی اروپا (ASE) در این خصوص تصاویر ماهواره‌ای را برای یونسکو تهیه کند. این تصاویر، کارشناسان را قادر می‌سازد تا خسارت‌های وارده به بوم منطقه را ارزیابی کنند و سپس یونسکو و مقامات محلی بکوشند تا راه چاره‌ای برای رفع این مشکل بیابند. احتمال می‌رود که مؤسسات قضایی دیگر مانند ناسا و مؤسسه قضایی کانادا نیز با این طرح همکاری کنند.

یونسکو و مؤسسه فضایی اروپا (ASE) برای مراقبت از گوریل‌ها در جمهوری دموکراتیک کنگو همکاری می‌کنند.

گوریل‌های جمهوری دموکراتیک کنگو، روزگار بدی را می‌گذرانند. جنگ در منطقه دریاچه‌های بزرگ که از میانه دهه ۹۰ آغاز گردید، باعث هجوم آوارگان به جنگل‌های بکر، خصوصاً پارک ملی کاهوزی - بی‌یگا شد که نامش در



## سرمایه‌گذاری روی نوجوانان

کشورهای جنوب اروپا و شمال افریقا هستند، در شبکه مدارس وابسته به یونسکو فعالیت دارند. بانک مذکور از سال ۱۹۹۶ تا سال ۲۰۰۲ بیش از ۱۰۰۰۰۰ دلار در فعالیتهای این مدارس که به «طرح یونسکو / ای.اس. پی نت در غرب مدیترانه» (UNESCO/ASP net) موسوم است، سرمایه‌گذاری کرد. این کمک مالی امکان ایجاد سه مرکز آموزش زیست‌محیطی برای کودکان و معلمان، برگزاری اردوهای تفریحی، مسابقات عکس و نقاشی، اداره طرح و جزء آن را فراهم کرد. بانک همچنین هزینه انتشار کتاب‌های آموزشی و برخی آثار دیگر از جمله یک لوح فشرده به چند زبان را پرداخت کرد. یونسکو به پاس این حمایت‌ها، نشان پیکاسوی خود را به رئیس بانک، آقای ویسنته سالا بلو، اعطاء کرد.

چند مدرسه ابتدایی از کشورهای ساحلی مدیترانه برای پیشگیری از آلودگی این دریا باهم متحد شدند. این مدارس از کمک مالی یک بانک بزرگ اسپانیا به نام کازا دو اهوروس دل مدیترانه (CAM) برخوردار شدند. این مدارس که متعلق به



شرکا

۶۲



نام شرکت بزرگ سازنده لوازم آرایش اورنال، در ششم مارس ۲۰۰۲ در سالن اصلی مقر یونسکو طنین انداز بود. در حالی که اعیان پاریس برای دیدن الیزابت ویدال، خواننده معروف اپرا، هجوم آورده بودند، گروهی از زنان دانشمند که بیشتر با میکروسکوپ مائوس اند تا با

میکروفون؛ شمعی راستین محفل بودند. در آن روز، کوئیچیرو ماتسوئورا مدیرکل یونسکو و لیندی اوئن - جونز رئیس شرکت اورنال، در چارچوب برنامه‌ای که از سال ۱۹۹۸ آغاز شده است، جوایز و بورس‌های زنان دانشمند را به منظور قدردانی از فعالیت این گروه، به آنها اعطا کردند. پنج جایزه که هر یک از آنها

۲۰۰۰ دلار بود به پنج زن از قاره‌های مختلف اهداء شد. برندگان که از سوی یک هیئت بین‌المللی متشکل از دانشمندان سرشناس برگزیده شدند، در زمینه‌هایی متفاوت از یکدیگر فعالیت دارند. نبوا مگوید در زمینه پیشگیری و درمان بیماری‌های ژنتیک در کشورش، مصر، تحقیق می‌کند. آنا ماریا لویز - کلومه، اهل مکزیک، به بررسی بیماری‌های شبکیه چشم که خطر کوری در بر دارند، مشغول است. ایندیرا نات، دارو و واکسن‌هایی را برای مبارزه با بیماری جذام که ۱/۵ میلیون هندی به آن مبتلا هستند، تهیه کرده است. شرلی تیلگمن کانادایی تبار نیز با اثبات این امر که حالت یک ژن بستگی به آن دارد که از مادر به ارث رسیده باشد و یا از پدر، علم ژنتیک را عمیقاً متحول کرده است.

طی این مراسم، بورس‌های مشترک یونسکو - اورنال که هر یک معادل ۱۰۰۰ دلار است، به ده زن جوان محقق اهداء شد. از جمله این گروه می‌توان از نامرتیا لال، اهل آفریقای جنوبی نام برد که دارویی گیاهی را برای درمان سل فراهم کرده است و یا حصینه اختر، اهل بنگلادش که با دستکاری ژنتیک برنج، آن را برای کاشت در زمین‌های نمکی آماده کرده است.

## حمایت از زبان‌ها



اولین شبکه مستند تلویزیونی جهان، دیسکاور، برای کمک به ۳۰۰۰ زبان رو به انقراض جهان با یونسکو همکاری می‌کند. با این اقدام، که قراردادش به امضای طرفین رسید، بینندگان شبکه دیسکاور در ۱۵۴ کشور اطلاعات بیشتری از میراث زبانی شگفت‌انگیز جهان پیدا خواهند کرد. طبق قرارداد،

یونسکو اطلاعات لازم را در مورد زبان‌های مختلف در اختیار دیسکاور قرار می‌دهد. یونسکو همچنین امکان تماس با زبان‌شناسان و محققان بزرگی را که برای حفظ زبان‌های در مخاطره می‌کوشند، فراهم می‌سازد. در عوض، شبکه دیسکاور که برنامه‌هایش به ۳۳ زبان پخش می‌شود و ۱۲۵ میلیون مشترک در خارج از ایالات متحده آمریکا دارد، برنامه‌هایی را در مورد زبان‌های رو به انقراض تهیه می‌کند و به یونسکو برای حمایت از میراث فرهنگی کمک می‌نماید. بیم آن می‌رود که توسعه جهانی‌سازی و همگونی فرهنگی که خصوصاً از فناوری‌های جدید اطلاعاتی ناشی می‌شود، تا پایان قرن، هزاران زبان را به ورطه نابودی سوق دهد. با این وصف، یک زبان در معرض مخاطره، در حال احتضار و یا حتی نابود شده را می‌توان با اتخاذ سیاست‌های حمایتی نجات داد. به‌طور نمونه، در اواخر دهه ۸۰ در جزیره هکایدو در ژاپن، فقط هشت نفر از کسانی که زبان اینو را می‌دانستند باقی مانده بودند؛

اما پس از ایجاد یک موزه زبان و برقراری دوره‌های آموزشی برای جوانان، این زبان رو به گسترش نهاد. زبان کورینش در انگلیس نیز در سال ۱۷۷۷ کاملاً از میان رفت، اما در سالیان اخیر دوباره آن را احیاء کرده‌اند، به نحوی که در حال حاضر حدود ۱۰۰۰ نفر، آن را به عنوان زبان دوم استفاده می‌کنند.

ابتکار مشترک یونسکو و دیسکاور مورد حمایت «برنامه امور سازمان ملل» نیز قرار دارد که هدف آن شناساندن فعالیت‌های سازمان ملل به مردم جهان است.

## شغل: سفیر حسن نیت

۳۶ نفری که سفیر حسن نیت یونسکو هستند، در واقع پرچمداران این سازمان‌اند. این شخصیت‌ها پذیرفته‌اند که استعداد و شهرت خویش را در راه جلب توجه جهانیان به فعالیت‌های یونسکو به کار گیرند. آنان در فوریه ۲۰۰۲ در مقر یونسکو در پاریس گرد هم آمدند تا به مرور فعالیت‌هایشان و برنامه‌ریزی برای آینده بپردازند. بالا، از چپ به راست:

۱. میگوئل آنکل استرلا، شاهزاده فریال از اردن، شیک موبیدو دیارا، عزیزا بنانی (یونسکو)، مارین کنستانتین، پی‌یر برژه،

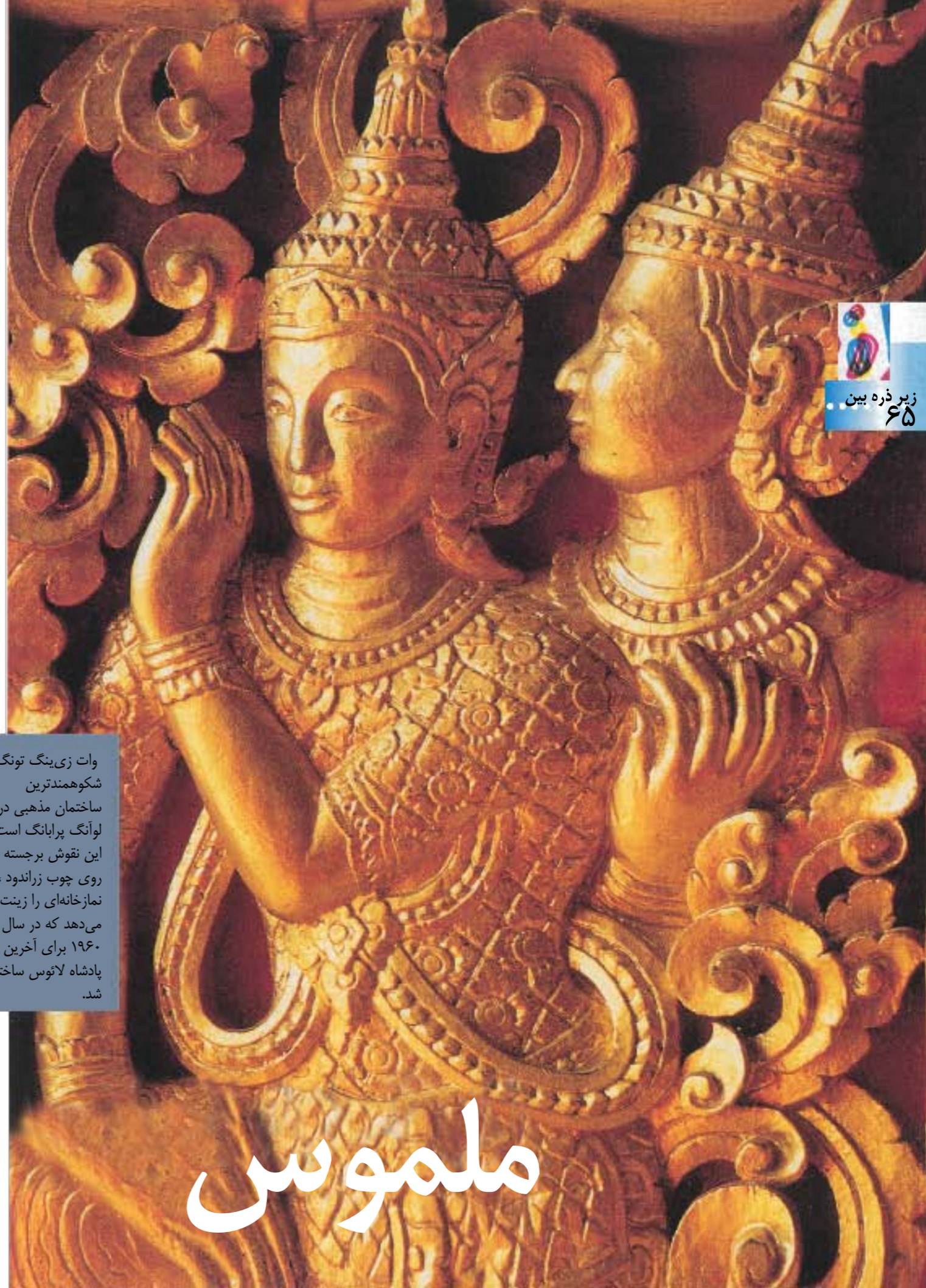


۵. اوته - هنریت اوهوون و شیک موبیدو دیارا.  
۶. کلودیا کاردیناله، عزیزا بنانی، کوئیچیرو ماتسوئورا، شاهزاده لالا مریم.  
۷. کیم پوک و ایکوئو هیرایاما.  
۸. اومر زولفو لیوانلی برای مشاهده فهرست کامل اسامی سفیران حسن نیت یونسکو و کسب اطلاعات بیشتر از فعالیت‌هایشان به نشانی زیر مراجعه کنید:

<http://www.unesco.org/goodwill>  
E-mail: goodwill@unesco.com

کیتین مونوز، شاهزاده لالا مریم از مغرب، جوليو ورتین، کیم پوک، ماریانا واردینیونیس و شاهزاده ماریاترزا از لوکزامبورگ.  
۲. کوئیچیرو ماتسوئورا مدیرکل یونسکو، باهیا حریری، ژان - میشل زار، کلودیا کاردیناله، شیخ غسان شاکر، اوته - هنریت اوهوون، ایکوئو هیرایاما و پاتریک بادری.  
۳. میگوئل آنکل استرلا و جوليو ورتین.  
۴. مستیسلاو روستروپوویچ و شاهزاده ماریا ترزا.





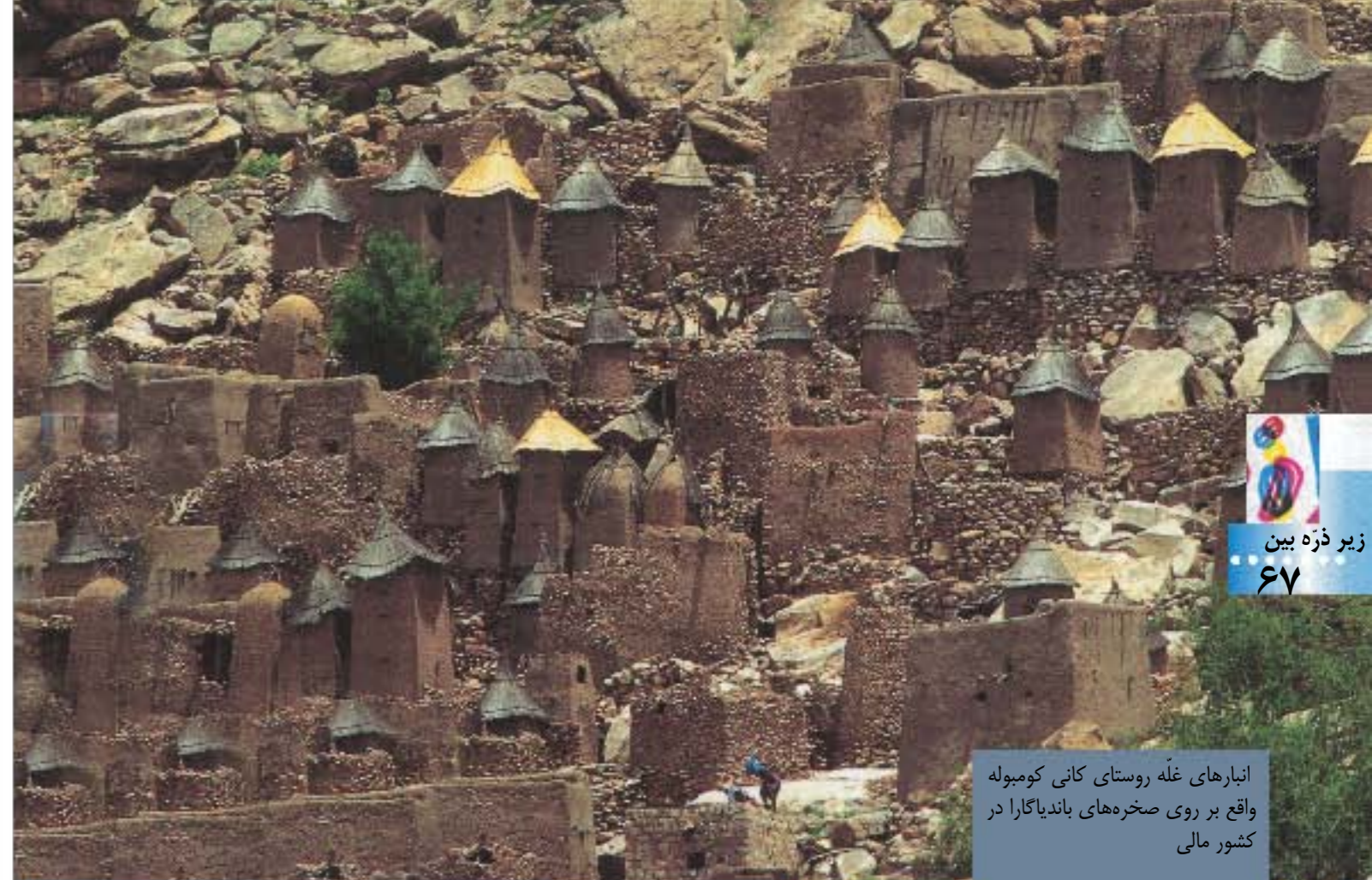
وات زی یینگ تونگ  
شکوهمندترین  
ساختمان مذهبی در  
لوانگ پرابانگ است.  
این نقوش برجسته  
روی چوب زراندود،  
نمازخانه‌ای را زینت  
می‌دهد که در سال  
۱۹۶۰ برای آخرین  
پادشاه لاتوس ساخته  
شد.

# ملموس



کارناوال اورورو، هر  
سال در بولیوی در  
ارتفاع ۳۷۰۰ متری از  
سطح دریا برپا می‌شود.  
در این مراسم، بیش  
از ۲۸۰۰۰ رقصنده و  
۱۰۰۰۰ نوازنده شرکت  
می‌کنند.

# و ناملموس



انبارهای غله روستای کانی کومبوله واقع بر روی صخره‌های باندیگارا در کشور مالی

کارخانه نمک سلطنتی : (Arc-et-Senans) متعلق به قرن هجدهم در فرانسه، نخستین دستاورد بزرگ معماری صنعتی است که تیلور آرمان پیشرفت در عصر روشنگری است.



سال ۲۰۰۲ به عنوان سال میراث فرهنگی سازمان ملل متحد اعلام شد. در دوره‌ای که جنایت علیه فرهنگ به یکی از اجزای خشونت سیاسی تبدیل شده است - چنانکه در افغانستان یا بوسنی اتفاق افتاد - یونسکو قصد ابلاغ پیام دیگری را دارد.

میراث در ایام جنگ، هدفی تلقی می‌شود که تخریب آن «روحیه رقیب را می‌شکند»، اما در ایام صلح نیز می‌تواند برای آشتی و بازسازی ملی و به عبارت دیگر، برای صلح و توسعه مفید واقع شود. میراث فرهنگی فقط شامل سنگ‌های قدیمی نیست، بلکه می‌تواند جلوه‌هایی انتزاعی از خلاقیت انسانی را نیز دربرگیرد که از آن جمله‌اند: روش‌های ایجاد دانش و مهارت، زبان‌ها، هنرهای نمایشی، موسیقی، آداب و رسوم اجتماعی و مذهبی، سنت‌های شفاهی و مکان‌های فعالیت‌های عمده فرهنگی.

برای نخستین بار، یونسکو در هجدهم مه ۲۰۰۱ فهرستی از اسامی تعداد ۱۹ شاهکار میراث شفاهی و ناملموس جامعه بشری را اعلام کرد. در اینجا تصاویر برخی از این شاهکارهای ناملموس - که در بایگانی تصویری یونسکو موجود است - به همراه تصویر مکان‌های میراث فرهنگی را مشاهده می‌کنید.

== استفاده از کلیه تصاویر برای مقاصد غیرتجاری، به شرط ذکر نام یونسکو و نام عکاس آزاد است. برای دریافت تصاویر، با نشانی زیر تماس بگیرید :  
[n.bunke@unesco.org](mailto:n.bunke@unesco.org) یا [a.bailey@unesco.org](mailto:a.bailey@unesco.org)



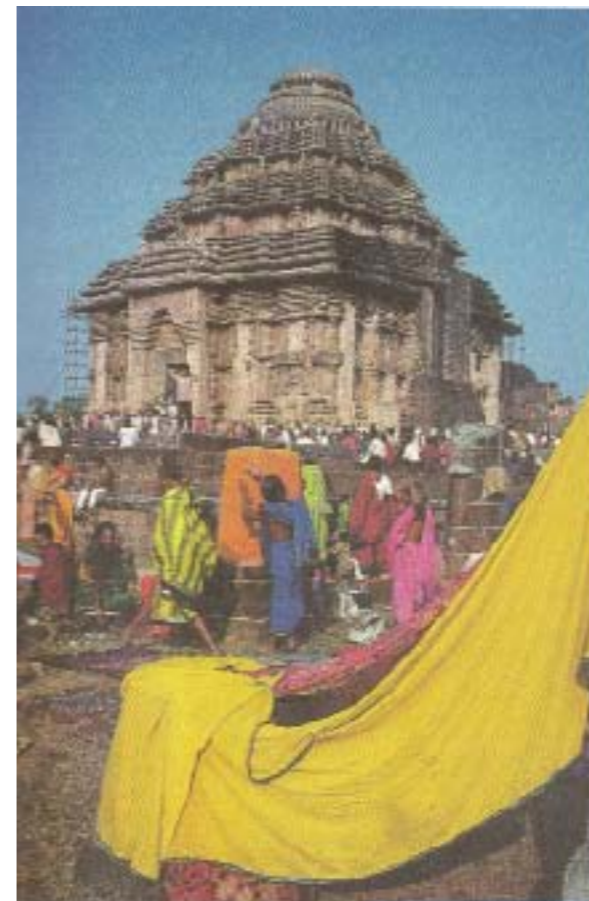
موزاییک رومی در بعلبک لبنان. شهر باستانی هیلوپولیس به خاطر بقایای ساختمان‌های عظیمی شهرت دارد که شاهی از دوران قدرت یک امپراتوری است.

هنر کونکو که ترکیبی از آواز، از برخوانی، حرکات سر و دست و حرکات موزون است، از قدیمی‌ترین اشکال اپرا در چین است (قرون دهم تا سیزدهم میلادی).



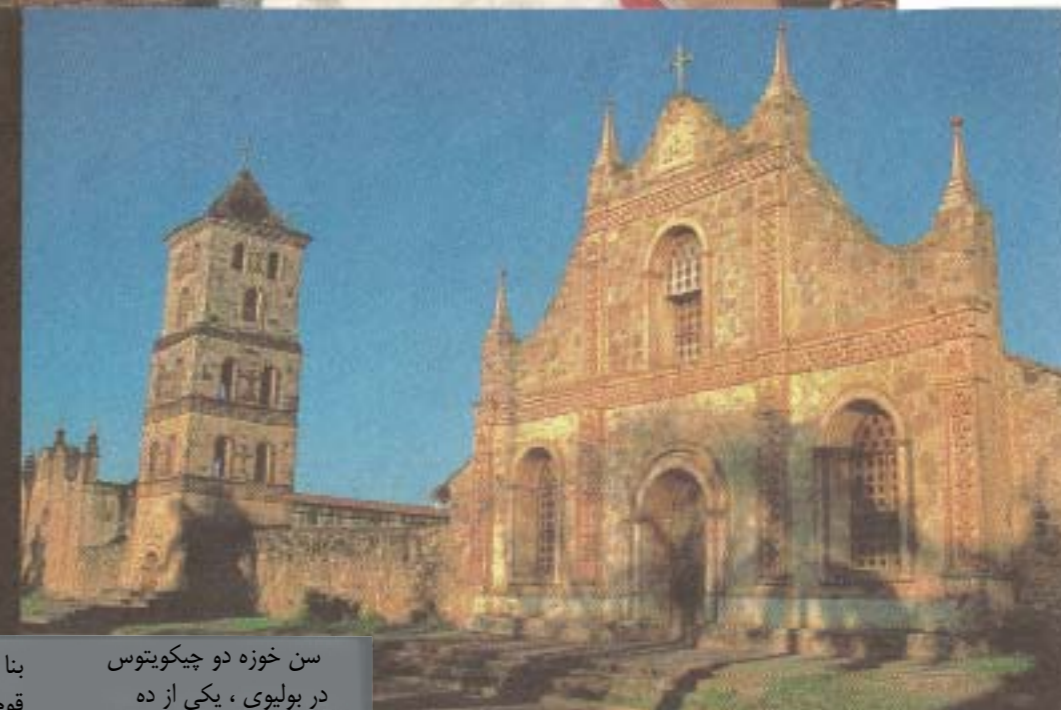
تئاتر سانسکریت کرالا ،  
قدیمی ترین سنت زنده تئاتر در  
هند است. به علاوه این تنها نوع  
از هنرهای نمایشی هند است  
که مرد و زن با هم در آن بازی  
می کنند.

کوئه وا دو لاس مانوس در  
آرژانتین ، دربرگیرنده مجموعه ای  
استثنایی از هنرهای دیواری  
پیش از تاریخ است که نشانگر  
شیوه های زندگی نخستین جوامع  
انسانی در جنوب امریکا هستند .



معبد برهمایی کونارک  
(قرن هشتم) در خلیج  
بنگال هند، بازنمود  
عظیمی از ارایه سوریا -  
خدای خورشید - است .

در گینه، جشن ها پیرامون  
نوعی ساز مقدس به  
نام سوسو - بالا برگزار  
می گردد که در همراهی  
با شعرهای حماسی قرون  
وسطا نواخته می شود.



بنا کردند. مارسل گریول،  
قوم شناس فرانسوی می گفت  
پشت هر نقاب دوگون ، شعری  
پنهان است. این نقابها در منطقه  
باندیاگارا در کشور مالی بخشی از  
ادبیات شفاهی را تشکیل می دهند.

سن خوزه دو چیکویتوس  
در بولیوی ، یکی از ده  
نمونه کوچکی است که  
یسوعیون بین سال های  
۱۶۹۶ تا ۱۷۶۰ با الهام  
گرفتن از شهرهای آرمانی  
فیلسوفان قرن شانزدهم



# بازسازی اولین اولویت است



نگاه نزدیک  
۷۱

پس از تأسیس **یونسکو** در پایان جنگ جهانی دوم، بازسازی کشورهای اشغالی و ویران شده در صدر اولویت‌های آن قرار گرفت. متن‌ها و عکس‌هایی که در اینجا می‌آید و از **پیام یونسکو** و سایر انتشارات **یونسکو** در سال‌های ۱۹۴۹ - ۱۹۴۸ انتخاب شده است، تاحدودی به مجسم کردن وضعیت آن دوره و

نحوه فعالیت **یونسکو** کمک می‌کند. **یونسکو** از سویی کمک‌های مالی فوری جمع‌آوری می‌کرد و از سوی دیگر، به شناسایی و یاری مدارس، دانشگاه‌ها، کتابخانه‌ها و مؤسسه‌های علمی و فرهنگی نیازمند در کشورهای جنگ‌زده آسیا و اروپا می‌پرداخت. یکی از اقدامات **یونسکو** تأمین آموزش برای تعداد ۲۰۰۰۰۰

## «کتاب نیازها»

«کتاب نیازها، نخستین گزارش **یونسکو** از خسارت‌ها و نیازهای آموزشی و فرهنگی بعد از جنگ است. این کتاب در واقع نگاهی کلی به وضعیت کنونی آموزشی، علمی و فرهنگی در پانزده کشور جنگ زده دارد.»

دکتر جولیان هاکسلی، مدیرکل **یونسکو**، با جملات بالا پیشگفتار خود را بر کتاب نیازها آغاز کرد. وی چنین ادامه می‌دهد:

این گزارش، حاوی مکررات بسیار است و در آن، داستانی واحد بارها بازگو شده است. تنوع فقط در جزئیات مربوط به صحنه دیده می‌شود. در واقع، سوگنامه‌ای است که حکایت شده و تکراری است: شهرهای ویران، نبود لوازم و تجهیزات، معلمان از پای افتاده، کودکان رنجور. شاید این تکرار برای درک کامل وسعت ویرانگریهای اشغالگر و دامنه مشکلاتی که دنیا با آن روبه‌رو است، ضروری باشد. اما کتاب نیازها، فقط به بررسی خسارت‌های وارد شده به تجهیزات و ساختمان‌های مدارس اختصاص ندارد. تهیه‌کنندگان این گزارش چنین اندیشیدند که باید همچنین اطلاعاتی تکمیلی درمورد صدمات مستقیم جنگ بر سلامتی کودکان و



در ویرانه‌های ورشو  
عکس برگرفته از:  
کودکان بی‌خانمان،  
یونسکو، ۱۹۴۹

بزرگسالان در کتاب گنجانده شود. دکتر هاکسلی در پیشگفتارش چنین می‌افزاید:

امیدوارم که این نخستین تلاش در جهت ترسیم تصویر دقیقی از خسارت‌ها، دستاوردها و نیازهای کشورهای جنگ‌زده، مورد توجه طیف گسترده‌ای از مردمان قرار گیرد. اعاده حیات آموزشی، علمی و فرهنگی در این کشورها مستلزم فراخوانی برای کمک است که کلیه کسانی که خواهان تداوم ارزش‌های راستین در نسل‌های آینده هستند، نمی‌توانند بدان بی‌اعتنا باشند.

طبق این گزارش، به‌طور نمونه یونان که پیشتر نیز کشوری فقیر بود، در ورطه بی‌نواایی دست‌وپا می‌زند. اغلب مدارس این کشورها کاملاً ویران شده است و تجهیزات آموزشی مطلقاً وجود ندارد. در گزارش آمده است:

«بر اساس شواهد، حتی یک مدرسه کاملاً سالم که لوازم و تجهیزات آن حفظ شده باشد، باقی نمانده است. در لهستان، شش میلیون نفر کشته شده‌اند و همه‌جا ویران است؛ ۵۰۰۰۰۰ کودک کاملاً بی‌سرپرست شده‌اند؛ ۳۰۰۰۰۰ کودک از کم‌غذایی رنج می‌برند؛ دوسوم کتاب‌های

کتابخانه‌ها از بین رفته و ۶۰ درصد از لوازم آموزشی نابود شده است.»

البته پانزده کشوری که مشکلات آنها در «کتاب نیازها» تشریح شده است، منفعلانه چشم به راه کمک‌های خارجی ننشسته‌اند. دولت‌ها و سازمان‌های خصوصی این کشورها در حال حاضر با تمام نیرو برای بازسازی و آبادانی سرزمین‌هایشان مشغول تلاش‌اند، اما آنها بدون کمک خارجی قادر به حل همه مشکلات نخواهند بود.

کتاب نیازها با این فراخوان به پایان می‌رسد:

«تاکنون کمک‌های بسیاری به‌امر عظیم بازسازی آموزشی، علمی و فرهنگی در کشورهای جنگ‌زده صورت گرفته، اما هنوز بخش مهمی از این کار باقی مانده است. پس از سپری شدن دو سال از پایان جنگ، با وجود گسترده بودن ویرانی‌های این بزرگترین جنگ تاریخ، هنوز نمی‌توان زمانی را برای احیای واقعی و کامل هیچ یک از کشورهای جنگ‌زده پیش‌بینی کرد.»

(کتاب نیازها، **یونسکو**، پاریس ۱۹۴۷، ۱۱۲ صفحه).

پیام یونسکو  
مارس ۱۹۴۸

نفر از فرزندان آوارگان در خاورمیانه بود. اقدام دیگر **یونسکو** کمک به کودکان بی‌خانمان بود. طی جنگ، ۱۳ میلیون کودک در اروپا و ده‌ها میلیون کودک در آسیا خانه‌هایشان را از دست دادند. **یونسکو** یکی از بنیانگذاران فدراسیون بین‌المللی کانون‌های کودک بود. این فدراسیون ۲۰۰ کانون یتیمان جنگ را که بلافاصله پس از سال ۱۹۴۵ در اروپا تأسیس شدند، اداره می‌کرد.



مشارکت **یونسکو** در بازسازی. عکس  
برگرفته از: دفتر نیازها، **یونسکو**،  
۱۹۴۷

## در دهکده پستالوزی بار دیگر لبخند بر لبان کودکان یتیم جنگ می‌نشیند

کشورها تشکیل دهند. همه این کودکان که از کشورهای مختلفی از جمله آلمان، آمده‌اند، شدیداً رنج‌دیده هستند و وقت و شکیبایی بسیاری لازم است تا دوباره تعادل خود را به دست آورند. یازدهای آنان که مرگ و جنگ در آن نقش بسیار دارد، نشانگر دوران سختی است که از سر گذرانده‌اند. طرح‌ها و نقاشی‌های آنان نیز غالباً متعکس‌کننده صحنه‌های وحشت و مصیبتی است که شاهدش بودند. دهکده پستالوزی عمدتاً با اتکا بر کمک‌های مالی داوطلبانه اداره می‌شود. امدادگران داوطلب نیز از همه کشورهای جهان برای کمک به این روستا می‌روند. ظرف ۱۵ ماهی که از احداث دهکده سپری شد، حدود ۷۰۰۰۰ نفر از آن دیدار کردند. دبیرخانه **یونسکو**، حمایت و محبت خود را نثار پستالوزی کرده است و کمک‌های خصوصی توسط بخش بازسازی و احیای این سازمان به آنجا ارسال می‌شود.

شد. پروفیسور جی لاوریس، عضو مؤسسه آموزش دانشگاه لندن، در مورد دهکده کودکان پستالوزی گزارش مشروحی را تهیه کرد که مورد بررسی هیئتی از «کنفرانس وزیران آموزش متفقین» قرار گرفت. وی ضمن حمایت از این طرح، بیان کرده بود که این بهترین فرصت برای تحکیم پایه‌های همبستگی بین‌المللی است.

دهکده، بر طبق ملیت‌ها تقسیم شده است؛ یعنی کودکان در گروه‌های ملی کوچکی زندگی می‌کنند که سرپرستی آن را بزرگسالی از همان ملیت به عهده دارد. هر گروه با کشور متبوع خود در ارتباط تنگاتنگ است تا زبان و مذهب و فرهنگ خاص خود را از یاد نبرد. مقرر شد تدریجاً با گسترده شدن گروه‌ها، زبان واحدی برای کلیه کودکان تدریس شود تا بتوانند با یکدیگر ارتباط برقرار کنند.

ایجاد این دهکده، فرصت منحصر به فردی را برای توسعه تفاهم بین‌المللی فراهم کرد. زندگی در پستالوزی بدون آنکه ویژگی‌های ملی کودکان را از بین ببرد، به آنان امکان داد تا با عادات و ویژگی‌های ملی دیگران آشنا شوند و نتیجتاً از تفسیرهای نادرست ایدئولوژیهای متفاوت و متخاصم رهایی یابند.

انتظار می‌رود که کلیه روان‌شناسان و مربیان آموزشی بتوانند با بررسی واکنش‌های این یتیمان جنگی، در ارتباط با محیط و شرایط خود، به نتایج مهمی نایل شوند و درصورت لزوم نهادهای مشابهی را در سایر

گروهی از یتیمان جنگ اهل لهستان را به دهکده پستالوزی در سوئیس بردند و در کلیه‌ای کوهستانی اسکان دادند. پنجره‌های اصلی کلیه به سوی آلمان باز می‌شد. وقتی این میهمانان خردسال به این موضوع پی بردند، آنچنان ناراحت شدند که پنجره‌ها را بستند و دیگر از نگاه کردن به آن سو خودداری کردند.

اما حال و هوای صمیمانه و صلح‌آمیز دهکده باعث شد که آنان پس از چند هفته بدون ترس و نفرت بتوانند به سرزمین دشمنان سابق خویش نگاه کنند.

این واقعه که اعضای دبیرخانه **یونسکو** طی دیدار از پستالوزی آن را گزارش کردند، نمونه‌ای از کوشش‌های متعدد مسئولان دهکده برای برطرف ساختن پیشداوریهای ملی‌گرایانه‌ای است که بر اثر جنگ تشدید شد.

احداث دهکده پستالوزی در بهار ۱۹۴۶ آغاز شد. پیش از این تاریخ، فردی سوئیسی به نام والتر روبرت کورتی به همراه اوتو بیدنر، دبیرکل انجمن «پرو ژوونتوت»، به تبلیغ برای ایجاد یک دهکده بین‌المللی کودکان پرداخته بود. وی پس از جمع‌آوری اعانه و تشکیل کمیته اقدام، متخصصانی را مأمور تهیه نقشه یک دهکده نمونه کرد.

«انجمن آموزش نو» در ماه اوت ۱۹۴۶ ضمن تأیید طرح، پیشنهاد کرد که یک گروه ۳۵۰ نفری از کودکان را به طور آزمایشی به دهکده بفرستند.

تا ماه مارس ۱۹۴۶، سیزده مسکن موقت برای اسکان ۴۰۰ کودک احداث



زندگی کودکان در روستای پستالوزی در سوئیس. عکس **یونسکو**



نگاه نزدیک

## ۳ نوامبر ۱۹۵۸: افتتاح ساختمان‌های جدید یونسکو

# نوگرایی بنیادین

خاص بودن مأموریت یونسکو - بنا کردن صلح بر شالوده همبستگی خرد و اخلاق انسان‌ها - نوعی تجلی معماری نیرومند را طلب می‌کرد؛ و این هدف، به زعم لوتر ایوانز مدیرکل وقت یونسکو، محقق شد. وی هنگام افتتاح ساختمان، «هماهنگی» آن را که «به نابی یک نماد» بود، مورد ستایش قرار داد.

عملیات ساختمانی پس از دو سال تحقیق و بررسی با مشارکت بزرگ‌ترین مهندسان آن دوره - والتر گروپیوس (ایالات متحده آمریکا)، لوکوربوزیه (فرانسه)، ارنستو روجرز (ایتالیا)، سون مار کلیوس (سوئد) و لوچینو کوستا (برزیل) - آغاز شد. طراحان در اندیشه یک کار بزرگ هنری بودند و بنابراین از همان ابتدا، معماری با نقاشی، پیکرتراشی، ملیله‌دوزی و اشکال دیگر هنری درآمیخت. مسئولیت‌های نهایی طرح به سه

مهندس واگذار شد. برنارد زرفوس (فرانسه) تهیه نقشه کلی را به عهده گرفت. مارسل بروئر (آمریکا) نقشه ساختمان مرکزی را به شکل Y و نقشه تخم‌مرغی شکل سالن کنفرانس را ترسیم کرد، و لوییجی نروی (ایتالیا) ۷۲ ستونی را که ساختمان اصلی روی آنها قرار دارد، طراحی کرد.

سرانجام یونسکو در ۳ نوامبر ۱۹۵۸ به خانه جدیدی که زمین سه هکتاری آن را دولت فرانسه اهداء کرده بود، نقل مکان کرد. این خانه که در میدان فونتینو و نه چندان دور از اکول میلیترو شان - دو - مار قرار دارد، به گفته لوتر ایوانز «یکی از فرانسوی‌ترین چشم‌اندازها» را دارد.

این متن را ژاک دو بارن، روزنامه‌نگار فرانسوی، اندکی پیش از مرگ خویش در ژوئن ۲۰۰۱ نوشت.



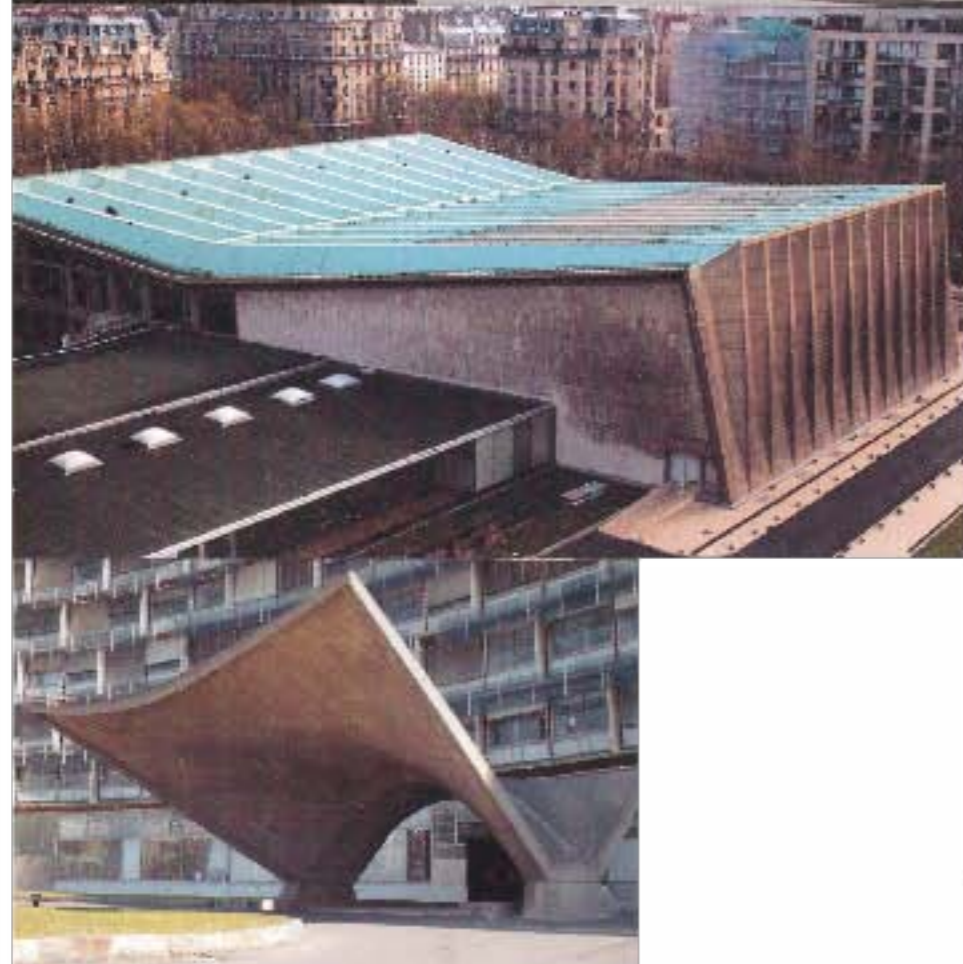
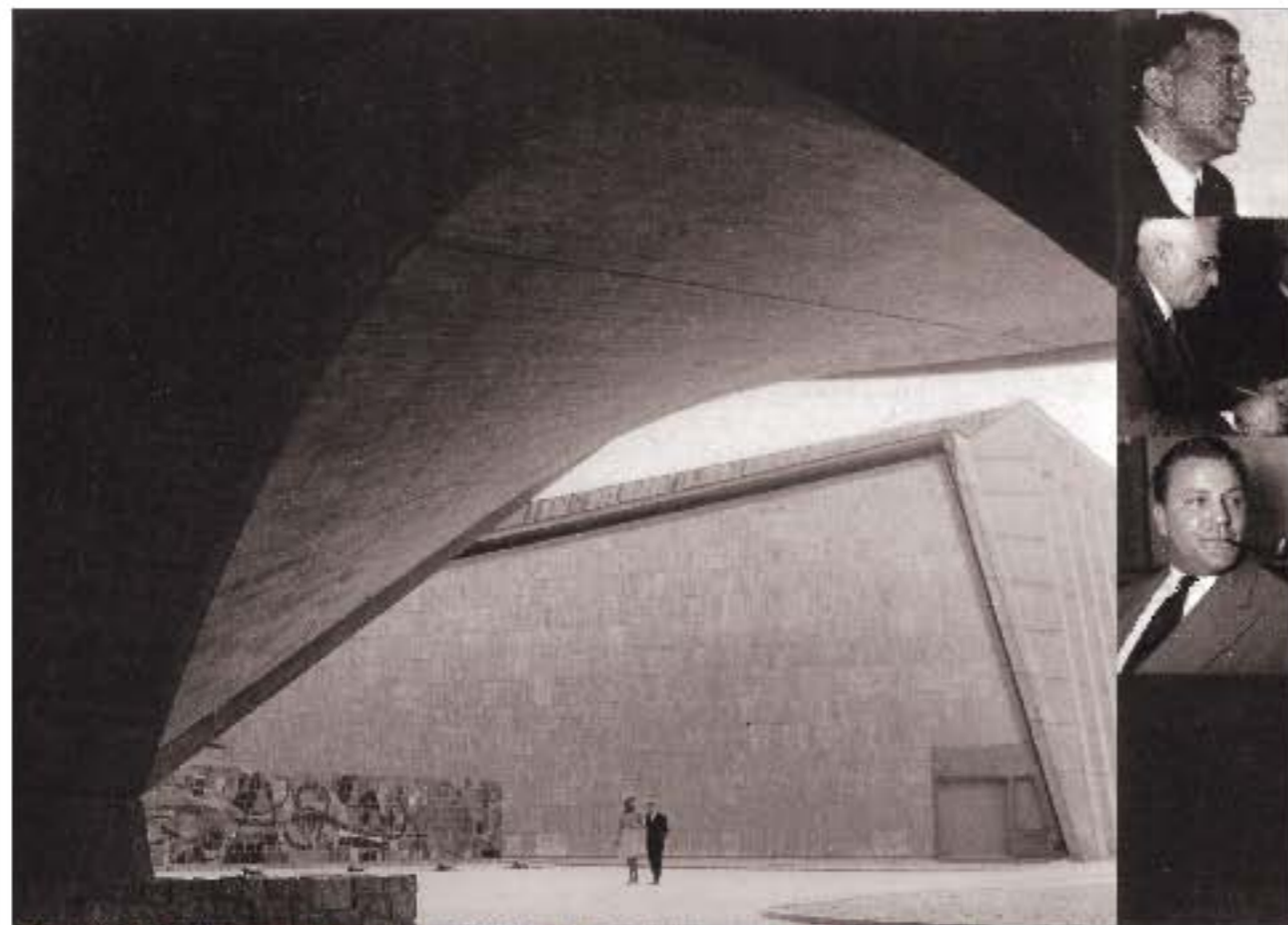
نمایشگاه

۷۳

بازدید از طریق اینترنت :

تصاویر ساختمان‌های مقر یونسکو را می‌توانید در این وب سایت ببینید:

[www.unesco.org/visit/fr/frames/v4/build.htm](http://www.unesco.org/visit/fr/frames/v4/build.htm)



(بالا) «مارسل بروئر،  
لوییجی نروی و برنار  
زرفوس»  
(وسط) «تجلی نیرومند  
معماری»  
(چپ) نمای بیرونی سالن  
اصلی کنفرانس  
(راست) «خلوص یک  
نماد»



نمایشگاه

۷۴

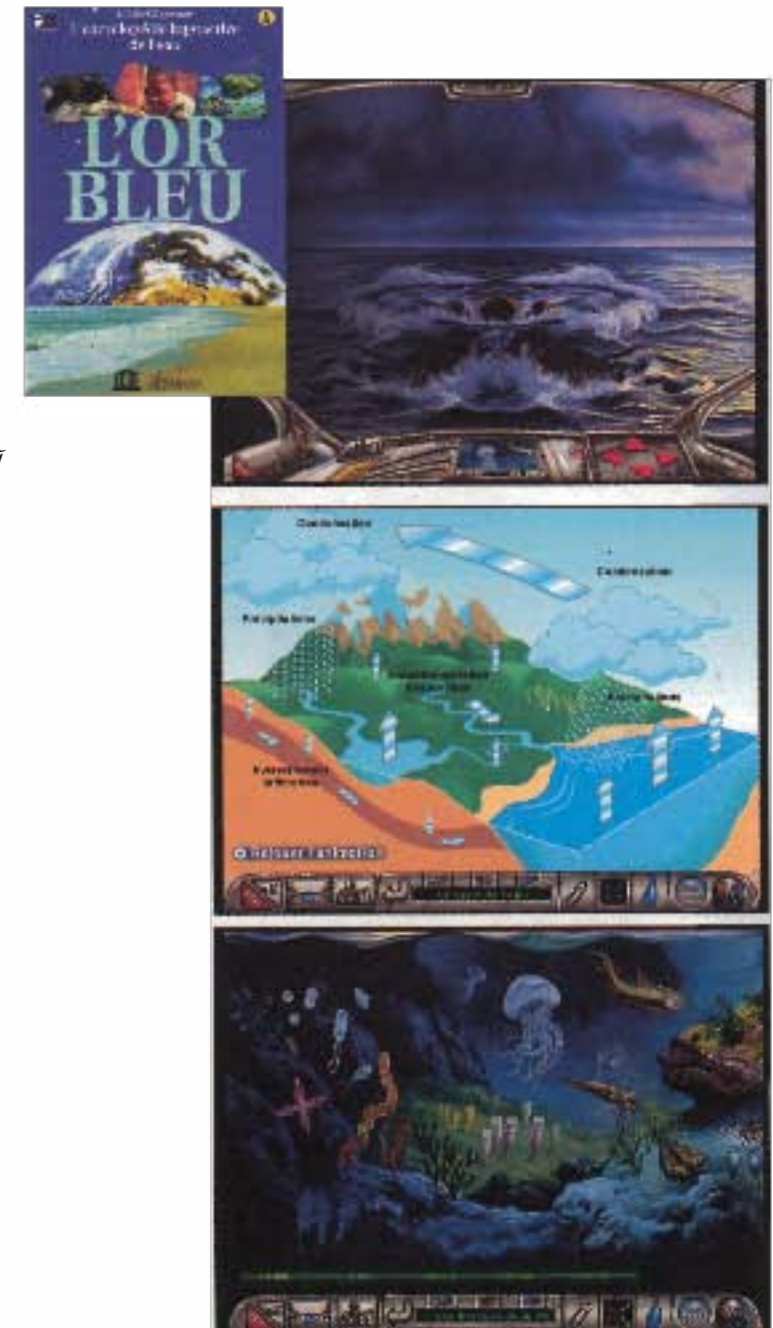
# اهمیت آب

آب در همهٔ صورتهایش، دریا یا رودخانه، باران یا کوه یخ، یکی از مهم‌ترین منابع طبیعی است که امروز به مخاطره افتاده است. سه لوح فشرده که براساس اطلاعاتی دقیق و با شیوه‌ای تفریحی تهیه شده است، به کودکان و نیز بزرگسالان فرصت می‌دهد که با انواع صورتهای آب و نیز مسائل مرتبط با آن آشنا شوند.

## طلای آبی دانشنامهٔ دوطرفهٔ آب

آب که عنصر ضروری حیات است، با تاریخ و تخیل انسانی نیز آمیخته و باعث به وجود آمدن تمدن‌ها و اسطوره‌ها شده است. غنای طلای آبی، آن را به دانشنامهٔ دوطرفهٔ راستینی برای همگان بدل ساخته است که شامل ۶۰۰ عکس، ۲۲ صحنهٔ ویدئویی، ۲۰۰ اثر گرافیکی و نقشه‌ها و کارتون‌های متعدد می‌باشد. کاربر می‌تواند در مناظر کارتونی دوطرفه، به اکتشاف آب برود. وی همچنین می‌تواند با انتخاب نقش کارشناس، بوم‌شناس یا هنردوست به بررسی وضعیت آب در روی کرهٔ زمین بپردازد. طلای آبی که ابزاری علمی برای اهداف خانوادگی و آموزشی است، به موضوعات تاریخی، زیست‌شناسی، زمین‌شناسی، محیط‌زیست، سیاست، اقتصاد و توسعه می‌پردازد. این لوح فشرده، با همکاری مؤسسهٔ تحقیقات برای توسعه (Ifremer)، IRD و یونیسف تهیه شده است.

نشر: UNESCO/Strass Productions



انتشارات  
یونسکو  
۷۵



## در جست‌وجوی آب

لوح فشردهٔ تفریحی و آموزشی در جست‌وجوی آب که برای گروه سنی ۹ تا ۱۵ سال تهیه شده است، والدین و معلمان را نیز مورد خطاب قرار می‌دهد و از آن می‌توان هم برای آموزش گروهی در کلاس و هم به‌طور فردی یا خانوادگی استفاده کرد. فیلمنامهٔ دوطرفهٔ این لوح فشرده، داستان مردم کشور آب است. گردن‌بند بلورینی که نشان وحدت این مردم بوده، به سرقت رفته است. رهبر سرزمین آب برای یافتن این گردن‌بند و بازگرداندن صلح به مردمش از یک موجود انسانی کمک می‌طلبد که کسی نیست جز کاربر. از جهت آموزشی، این لوح فشرده، آب را در مناطق قطبی، صحرایی، استوایی، معتدل و اقیانوسی نشان می‌دهد. در بخش «آزمایشگاه» اطلاعات فنی شامل: حالت‌ها و خصوصیات آب، چرخهٔ آب، تولید آب آشامیدنی، تصفیهٔ فاضلاب‌ها و غیره ارائه می‌شود. نشر: UNESCO/Strass productions

## پرل و گادو در سرزمین آب

اهمیت آب را می‌توان در هر سنی درک کرد. این لوح فشرده که مخصوص گروه سنی ۴ تا ۷ سال است، داستان دو قطره آب دوست‌داشتنی به نام‌های پرل و گادو است. آنها که به جشن تولد یک دختر بچه طوارق به نام تیتیفا در صحرای افریقا دعوت شده‌اند، قصد دارند یک دوش ساخته شده از جنس برگ نخل را به او هدیه بدهند. آنها برای این منظور ناچار می‌شوند چرخهٔ آب در کرهٔ زمین را به‌طور کامل طی کنند. آنان در مسیرشان از ابرها، کوه‌های یخی، رودها، صحرایا و اقیانوس‌ها می‌گذرند. در این حین، شیوه‌های مختلف زندگی انسان، گیاهان و حیوانات و مصارف آب — خوردن، بهداشت، آبیاری و تصفیه — نیز مطرح می‌گردد که برای دو قطرهٔ کوچک، ماجراهای جالبی را در زمینهٔ تنوع کرهٔ زمین، جغرافیا و ساکنان آن به دنبال دارد.

این لوح فشرده که دارای گرافیک‌های سه‌بعدی، محیط‌های صوتی دلپذیر و توضیحات روشن است، با حمایت بنیاد نیکولا هولو منتشر شده است.



انتشارات  
یونسکو  
۷۶





یک شعر،  
یک کشور،  
یک کودک

این کتاب مجموعه‌ای از ۱۷۷ شعر از تعداد ۱۷۷ کشور جهان است. این جهانگردی با کشتی شعر، که برای لذت بخشیدن به کودکان و برآوردن کنجکاوی والدین و آموزگاران مناسب است، در واقع پرسه زدن در گنجینه بی‌پایان اشعار پنج قاره جهان است. هر کشور در این کتاب با یکی از شاعرانش معرفی شده است. در میان این شاعران هم، معاصران و برندگان جایزه نوبل (درک والکوت از سانتا لوسیا، وول سوینیکا از نیجریه) وجود دارند و هم شاعرانی که گمنام‌اند، اما اشعار گرانبه‌ای مردمی آنان، قرن‌ها سینه به سینه نقل شده است.

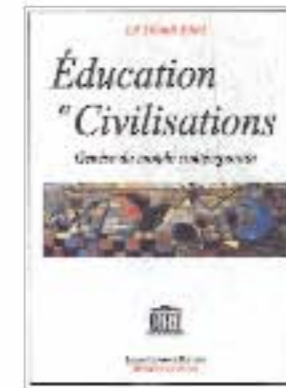
گردآورنده: برنار لورن  
پیشگفتار: کلودی اینره  
۲۱۸ صفحه  
نشر: UNESCO /  
Le Cherche Midi  
diteurs



علوم اجتماعی  
در جهان

این کتاب صرفاً مجموعه نمونه‌هایی از شاخه‌های سنتی علوم اجتماعی نیست؛ زیرا آثار فردی یا گروهی که در آن گردآوری شده است، امکان نیل به تصویر جامعی از مسائل عمده معاصر و درک ارتباط آنها با یکدیگر را فراهم می‌سازد. این کتاب منبعی از اطلاعات و تحلیل‌های معتبر است که دیدگاه وسیعی از وضعیت کنونی و توان‌های بالقوه علوم اجتماعی را به دست می‌دهد.

۴۰۲ صفحه  
نشر: UNESCO /  
Maison des sciences  
de l'homme



آموزش و تمدن  
تکوین جهان معاصر

این کتاب، تاریخ آموزش را با محوریت مسئله مهم آن در ایجاد و بازآفرینی جوامع شرح می‌دهد. نویسنده، ابعاد فکری، اخلاقی، احساسی، زیبایی‌شناختی و مادی آموزش در جوامع مختلف را در ارتباط با عوامل تأثیرگذار بر آن و یا تأثیرپذیر از آن مورد بررسی قرار داده است. برخی از این عوامل عبارت‌اند از: مردمان و زبان‌ها، محیط طبیعی، شیوه‌های تولید، اندیشه‌ها و ارزش‌ها، ساختارها و جنبش‌های سیاسی - اجتماعی، نقش شخصیت‌ها و روابط بین‌المللی. نویسنده که استاد باسابقه در آموزش تطبیقی و آموزش توسعه در دانشگاه سوربن است، به طور اخص نقش آموزش را در تکوین جوامع صنعتی و جوامع درحال گذار امروز مورد تحلیل قرار داده است.

نویسنده: له تان خوی  
۷۳۶ صفحه  
نشر: UNESCO/Bruno  
diteurs / Leprince  
Horizons du Monde



هنر و هنرمند  
در آئینه اقتصاد

بازارهای هنر چگونه عمل می‌کنند؟ این کتاب، بی‌آنکه بخواهد به نام عقلانیت اقتصادی، در مباحثات زیبایی‌شناختی به دوری بپردازد، در خصوص روشن ساختن عوامل، پیامدها و تأثیرات اقتصادی هنرها می‌کوشد. زاوی‌یر گرف، نویسنده کتاب، استاد در اقتصاد هنرها و رسانه‌ها در دانشگاه پاریس سوربن است.

نویسنده: زاوی‌یر گرف  
۳۱۶ صفحه  
نشر: UNESCO /  
conomica



سرزمین کنگو و  
مناطق اطراف آن  
(۱۵۹۱)

آنتونیو پیگافتا، در واقع اطلاعاتی را که تاجری پرتغالی به نام دوآرته لویز به وی داد، به شکل کتاب درآورد. وی طی چهارده فصل و همین تعداد نقاشی و نقشه کوشیده است تا توصیف کامل و مشروحی از این مناطق: شکل سرزمین‌ها، انسان‌ها، گیاهان و حیوانات بومی، آداب و رسوم محلی، شیوه‌های تجارت، برده‌داری و حضور نظامی، تجاری و مذهبی پرتغالی‌ها را که از یک قرن پیش در آنجا بودند، ارائه دهد. توصیف از: فیلیپو پیگافتا و دوآرته لویز  
ترجمه و توضیح: ویلی بال  
۳۸۴ صفحه  
نشر: UNESCO /  
chandeigne



روزی، روزگاری  
کتابی بود

در دورانی که مرتباً شکل‌های جدید و جذابی از ارتباطات - چندرسانه‌ای، آنی، دوطرفه - پدید می‌آید، سرنوشت کتاب چه خواهد شد؟ ۱۷ نویسنده از تعداد ۱۳ کشور مختلف شامل: اسپانیا، فرانسه، لهستان، ایتالیا، آلمان، برزیل، آرژانتین، مکزیک، ژاپن، لبنان، اوگاندا، کامرون و کانادا کوشیدند تا به این پرسش پاسخ دهند.

نویسندگان: ز. بومان  
گ. کوتوکیان، ف. دلپش  
گ. کیومهندو  
س.پ. روانه  
تحت سرپرستی ادواردو پورتلا  
۲۰۰ صفحه  
نشر: یونسکو

ام کارنه ایرو لیائو  
گ. واتیمو  
گ. بورنهایم  
ا. مانگوئل، ب. فرتیگ  
گ. لویز مورالس  
ج. - گ. بیدیم، م. ایمارد  
م. دل کورال  
م. هاماشیتا  
ر. آرگولول، م مافه سولی



از یونسکو برایم بگو  
معرفی یونسکو  
به نوجوانان  
(۸ تا ۱۲ سال)

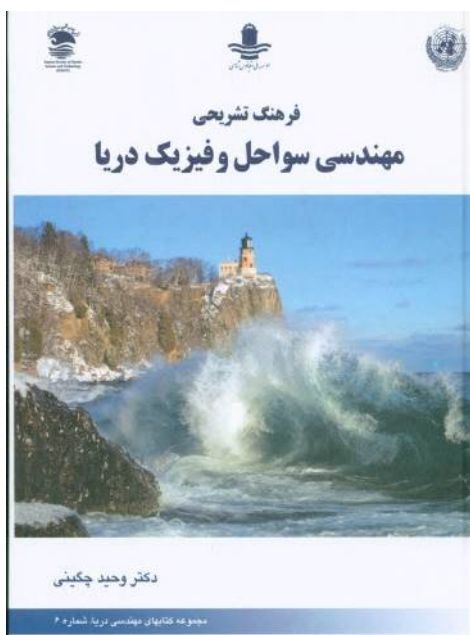
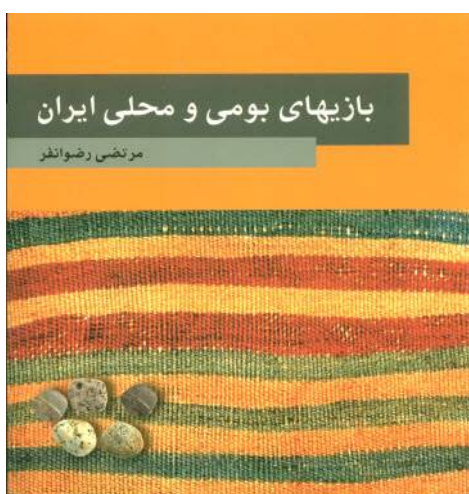
همه چیز درباره یونسکو برای نوجوانان ۸ تا ۱۲ سال: تاریخچه، وظایف، اهداف، برنامه‌ها و ساختمان‌های یونسکو. این اثر، نگاهی کلی و روشن به سازمانی است که در زمینه توسعه درک عمومی از بردباری فعالیت می‌کند.

۴۸ صفحه  
نشر: UNESCO /  
Nouvelle Arche  
de No



# پیام یونسکو

مرکز انتشارات کمیسیون ملی  
یونسکو در ایران منتشر کرده است



- صاحب امتیاز: وزارت علوم ، تحقیقات و فناوری -  
کمیسیون ملی یونسکو در ایران
- مدیر مسئول : دکتر محمد رضا سعید آبادی
- سردبیر: فریده پورهادی
- مترجم: داوود طبائی
- پشتیبان فناوری اطلاعات: مهندس نازنین صادقی
- مسئول هماهنگی : لیلا افاضل
- ویراستار فنی : مهر ناز پیروز نیک
- بازبینی متن : فخرالشریعه باز افکن
- حروفچینی : لیلا جوادی
- طراح گرافیک: کیمیا ملکی
- پشتیبان صحافی : محسن اسماعیل زاده
- صحافی : چاپ دیجیتال شنگرف
- چاپ : ادارهٔ اعلام وصول

نشانی : تهران - خیابان میرداماد - روبهروی مسجد الغدیر  
خیابان شهید حساری - کوچه یکم - پلاک ۱۵  
کد پستی : ۱۵۴۸۹۴۶۱۱۱ ، تلفن : ۲۲۲۷۹۸۸۵-  
۲۲۲۵۰۸۹۰

نشانی سایت: [www.irunesco.org](http://www.irunesco.org)  
پست الکترونیکی: [unesco.iran@gmail.com](mailto:unesco.iran@gmail.com)